

# ۶۶ کنش علمی رشد

فصل نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی  
دوره هفدهم / شماره ۳ / بهار ۱۳۹۴

بسم الله الرحمن الرحيم

## سرمقاله

مسئله جمعیت از منظر موافقان و مخالفان / فریبرز بیات ۲

## برنامه درسی و آموزشی علوم اجتماعی

کردار اجتماعی - بنیادهای مفهومی کنش اجتماعی در کتابهای درسی جامعه‌شناسی / دکتر لطیف عیوضی ۱۱

آموزش جهانی در تعلیمات اجتماعی ایران / دکتر رضا جعفری هرنندی، رضا وفايي، حسن نجفی ۱۴

تربیت اخلاقی و مهارت اجتماعی - مروری بر آرا و اندیشه‌های تربیتی امانوئل کانت

دکتر افضل السادات حسینی، طاهره جلالوند ۲۰

اقدام پژوهی در مدرسه / دکتر وحید نقدی ۲۴

ارزش طبقاتی مشاغل در کتابهای کودکان و نوجوانان / سودابه سامانی فر ۲۹

## دانش نوین اجتماعی

شهر مجازی؛ نوع دیگر زندگی / عباسعلی زارعی سوری ۳۶

درآمدی بر نظریه گزینش عقلانی / دکتر محمدجواد زاهدی، پروین علی پور ۴۰

فرایندهای انجام تحلیل عاملی / غلامحسین کرمی ۴۶

کشاکش آرا در جامعه‌شناسی / کمال نجاتی ۶۱

## دانش اجتماعی بومی

در نیمه راه گذار چهارم / گفت‌وگو با دکتر حبیب‌الله زنجانی ۴

پنج رویکرد به مسائل آموزشی ایران / گزارشی از سومین همایش ملی پژوهشی اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران ۵۱

اندیشه اجتماعی در اسلام / دکتر نیره شاه‌محمدی، شهره حسین پورطولازدهی ۵۴

افزایش جمعیت؛ فرصت یا تهدید؟ / حسین عرب‌اسدی ۵۸

## قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی تربیتی فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند. مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و بر روی CD و یا از طریق رایانامه مجله ارسال شوند. نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلید واژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتراژ باشد. معرفی‌نامه کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود. مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیرمسئول: محمد ناصری

سردبیر: فریبرز بیات

مدیر داخلی: مریم شهرآبادی

هیئت تحریریه: دکتر ناهید فلاحیان،

دکتر حسین دهقان، دکتر لطیف عیوضی،

دکتر وحید نقدی، دکتر محمد سعید ذکایی،

پری مسلمی پور لالمی، غلامرضا حمیدزاده

ویراستار: بهروز راستانی

طراح گرافیک: پریسا سندوسی

طراح جلد: محمود حسینی

نشانی دفتر مجله: تهران،

ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۱۵۸۵

نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

وبگاه: www.roshdmag.ir

پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۰۱

رایانامه: ejtemaie@roshdmag.ir

تلفن پیام‌گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲

کد مدیرمسئول: ۱۰۲

کد مشترکین: ۱۱۴

نشانی امور مشترکین: تهران،

صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۵ - ۷۷۳۳۶۶۵۶

شمارگان: ۴۷۰۰

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)



این گروه بزرگ‌ترین مانع پیشرفت اقتصادی - اجتماعی کشورهای در حال توسعه را رشد فزاینده جمعیت می‌داند و از آن با تعبیری افراطی چون «بیم جمعیت» و «انفجار جمعیتی» یاد می‌کند. از این دیدگاه، افزایش نامحدود جمعیت بحران و مسئله اصلی امروز بشریت است و جمعیت فزاینده عامل اصلی فقر و سطح پایین زندگی، سوء تغذیه، نبود بهداشت، تخریب محیط زیست و رشته وسیعی از مشکلات اجتماعی چون بیکاری، آلودگی‌های زیست‌محیطی و آسیب‌های اجتماعی است.

این صاحب نظران معتقدند که «رشد فزاینده» جمعیت مشکلات اقتصادی - اجتماعی و روحی و روانی را که با شرایط توسعه نیافتگی همراه است، تشدید می‌کند و چشم‌انداز زندگی آینده را برای نسل‌هایی که قبلاً متولد شده‌اند، تاریک می‌سازد. چرا که دولت‌ها مجبورند بخش قابل توجهی از درآمد خود را برای ارائه خدمات ضروری اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی به جمعیت اضافه، صرف کنند.

به طور کلی می‌توان گفت نئومالتوسین‌ها از طیف‌های مختلف، به سه دلیل اصلی مخالف رشد جمعیت هستند و با این استدلال‌ها آن را مانع توسعه اقتصادی می‌دانند:

۱. محدودیت منابع طبیعی نسبت به جمعیت رو به فزاینده؛
۲. مشکل استفاده مناسب و مطلوب از نیروی کار؛
۳. مشکل کمبود پس‌انداز و سرمایه‌گذاری.

### موافقان

موافقان رشد جمعیت با این سؤال شروع می‌کنند که این هراس‌افکنی و ایجاد نگرانی نسبت به رشد جمعیت واقعاً تا چه اندازه واقعی و از نظر علمی موجه و قابل قبول است. آن‌ها برعکس نئومالتوسین‌ها معتقدند رشد جمعیت و کاهش مرگ‌ومیر نتیجه پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی است که در زمینه بهبود وضع تغذیه، غلبه بر بیماری‌ها، گسترش حمل و نقل و دسترسی به آب آشامیدنی سالم و بهداشتی به‌وقوع پیوسته است. در واقع آن‌ها که افزایش جمعیت را فاجعه بزرگ می‌دانند، بزرگ‌ترین پیروزی و دستاورد علمی و اجتماعی بشر را در برابر مرگ زیر سؤال می‌برند؛ چرا که علت عمده افزایش جمعیت کاهش مرگ و میر نوزادان و افزایش طول عمر بزرگسالان است.

موافقان در نقد دلایل سه‌گانه مالتوسین‌ها برای مخالفت با رشد جمعیت می‌گویند:

۱. مالتوسین‌ها در مسئله محدودیت منابع طبیعی و اقتصادی، موضوع پیشرفت‌های فناورانه را مورد توجه قرار نداده‌اند. زیرا

چندی پیش سیاست‌های کلی جمعیتی کشور از سوی «مجمع تشخیص مصلحت نظام» اعلام شد. این سیاست‌ها که مشروح آن در همین شماره مجله آمده است، نشان از «مسئله شدن» و اهمیت و ضرورت مسائل جمعیتی در جامعه ما دارد که باید در برنامه‌های درسی نیز مورد توجه قرار گیرد. در ادبیات علوم اجتماعی دو دیدگاه کلان در مورد مسائل جمعیتی وجود دارد: دیدگاه طرفداران کنترل و تحدید جمعیت، و دیدگاه طرفداران رشد جمعیت.

### مخالفان

میراث فکری قائلان به کنترل و تحدید جمعیت به رابرت مالتوس و نظریه معروف او مبنی بر رشد جمعیت با تصاعد هندسی و رشد منابع با تصاعد حسابی و در نتیجه پیشی گرفتن جمعیت از منابع برمی‌گردد. مالتوس با این تحلیل، رشد جمعیت را تهدیدی علیه وضع زندگی گروه‌های فقیر جامعه می‌دانست و برای کاهش رشد جمعیت، ازدواج در سنین بالاتر را توصیه می‌کرد.

نظریه مالتوس طی دو قرن اخیر ابطال شد اما این مانع از آن نشد که نظریه‌های نئومالتوسین‌ها با اشکال گوناگون پدیدار نشود. طرفداران حفظ محیط زیست، کلپ رم و طرفداران رشد اقتصادی و محافل و مجامع آکادمیک و بین‌المللی (بانک جهانی) حامی رشد صفر جمعیتی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی، از جمله طرفداران دیدگاه‌های نئومالتوسی و قائلان به کنترل رشد جمعیت هستند.



مالتوس نمی‌توانست پیش‌بینی کند که پیشرفت‌های فناورانه بتواند دسترسی به زمین و منابع را (به شرط ثبات کمیت آن) با افزایش کیفیت و بهره‌وری چند برابر کند. موضوع تخریب منابع طبیعی به علت سلطه انسان بر طبیعت نیز - که در همین چارچوب از سوی سبزه‌ها و طرفداران محیط‌زیست مطرح می‌شود - اگرچه مسئله‌ای جدی است که باید مورد توجه قرار گیرد، اما نباید فراموش کرد که سلطه طبیعت بر انسان بسیار بدتر و فاجعه‌بارتر از سلطه انسان بر طبیعت به‌منظور دست‌کاری آن برای غلبه بر مشکلات واقعی خود است.

عنوان‌مالتوسین‌ها معتقدند رشد جمعیت و افزایش تعداد فرزندان موجب می‌شود توان نیمی از نیروی کار، یعنی زنان، صرف بزرگ کردن آن‌ها شود و در نتیجه، امکان استفاده مطلوب از نیروی کار فراهم نشود. این استدلال بسیار سست و ضعیف است؛ زیرا اگر هزینه‌های فرصتی و اقتصادی بزرگ کردن فرزندان زیاد باشد، بنابر نظریه انتخاب عقلایی و در چارچوب اقتصاد خرد، به‌طور منطقی والدین از داشتن فرزند بیشتر اجتناب خواهند کرد.

ع سومین و شاید مهم‌ترین دلیل نئومالتوسین‌ها علیه رشد جمعیت، مشکل کمبود پس‌انداز و سرمایه‌گذاری به‌علت رشد بالای جمعیت است. آن‌ها معتقدند در شرایط رشد بالای جمعیت، توان و امکان پس‌انداز و تشکیل سرمایه تولید در سطح خرد و کلان به‌طوری جدی کاهش می‌یابد.

بسیاری اقتصاددانان معتقدند چنین استدلالی مبتنی بر این پیش‌فرض است که انباشت سرمایه، پیش‌فرض توسعه اقتصادی است. در حالی که از دهه ۱۹۵۰ به بعد، بسیاری از صاحب‌نظران برجسته اقتصادی اعلام کردند انباشت سرمایه سهم اندکی در توسعه اقتصادی غرب داشته است. بسیاری معتقدند که انباشت سرمایه در واقع به دنبال تقاضا برای سرمایه - که خود تابعی از رشد اقتصادی است - حاصل می‌شود و آنچه مانع رشد اقتصادی است، نه افزایش جمعیت و کمبود سرمایه، بلکه شیوه تفکر و ارزش‌ها و عاداتی است که مانع به‌وجود آمدن نظام اقتصادی مناسب می‌شود.

اما موافقان رشد جمعیت در کنار دیدگاه‌های سلبی در نقد نئومالتوسین‌ها، از منطری ایجابی بر آثار مثبت متعدد رشد جمعیت به‌طور ویژه تأکید می‌کنند. از این دیدگاه در شرایط مناسب، رشد جمعیت محرکی برای رشد اقتصادی جامعه در سطح کلان و افزایش سطح زندگی افراد است؛ به‌دلیل آنکه با افزایش جمعیت: نیروی کار لازم برای استفاده از منابع اقتصادی و تولید کالا و خدمات فراهم می‌شود (افزایش عرضه).

ع بازارهای ضروری برای جذب کالاهای تولید شده و به تبع آن امکان سودآوری به‌وجود می‌آید (افزایش تقاضا).

ع چاره‌جویی برای رفع نیازهای جمعیت بیشتر، به افزایش تحرک علمی برای پیشرفت فنی و تکنولوژیک دامن می‌زند. ع تقسیم کار گسترده در جامعه در پی رشد جمعیت شکل می‌گیرد و این به پیشرفت و توسعه اقتصادی کمک می‌کند.

با چنین درک و دریافتی از موضوع رشد جمعیت و اهمیت و ضرورت آن است که موافقان دو نقد اساسی بر «مسئله تلقی شدن رشد جمعیت» از دیدگاه مخالفان دارند:

۱. رشد جمعیت مسئله‌ای واقعی نیست بلکه مسئله اساسی «توسعه نیافتگی» است. توسعه خود سازوکارهایی را به همراه می‌آورد که به توزیع و تنظیم خودبه‌خود جمعیت می‌انجامد. مسئله دیگر تخلیه منابع جهان و استفاده و بهره‌مندی نابرابر از آن‌ها توسط کشورهای توسعه‌یافته است.

از سوی دیگر، مسئله شمار و تعداد جمعیت نیست بلکه نحوه توزیع جمعیت در فضا است که مشکل‌ساز است.

۲. رشد جمعیت مسئله‌ای کاذب و ساختگی است. نظریه‌پردازان تئوری وابستگی و نواستعماری معتقدند کنترل زاد و ولد در سطح جهانی بازتاب ترس جهان توسعه‌یافته از امکان مقابله شدید با نظام بین‌المللی توسط مردمی است که خود اولین قربانی آن هستند.

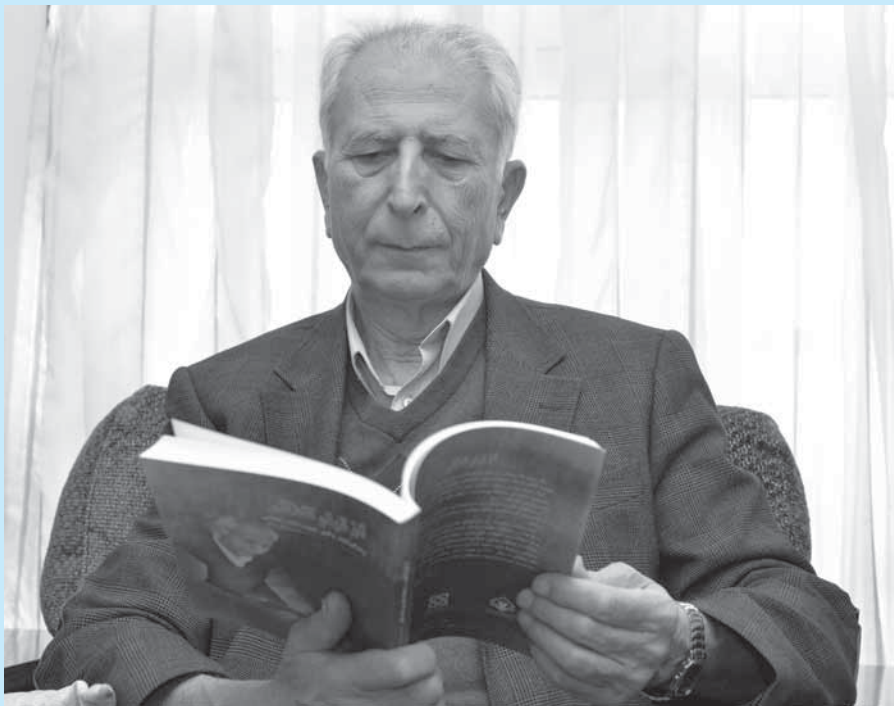
به‌طور کلی، می‌توان گفت کسانی که جمعیت را تابع اقتصاد آن هم با درک محدود از آن می‌دانند، معتقدند که جمعیت باید خود را با الزامات اقتصادی هماهنگ کند. از سوی دیگر، طرفداران افزایش جمعیت معتقدند رشد جمعیت به توسعه اقتصادی می‌انجامد و در مواردی که تناقضی بین آن دو به‌وجود آید، اقتصاد باید خود را با جمعیت هماهنگ کند. در این میان، دیدگاه سومی با عنوان «جمعیت متناسب» وجود دارد که به تلفیق اقتصاد و جمعیت در یک نظام برنامه‌ریزی شده باور دارد و چگونگی رشد و توسعه هر یک از آن‌ها را نیز تابع اوضاع و احوال زمان و مکان خاص می‌داند.

به‌نظر می‌رسد سیاست‌های جمعیتی جدید ایران از چنین منطری - و بعد از پشت‌سر گذاشتن یک دوره سیاست‌های کنترل جمعیت و با توجه به نرخ رشد پایین‌تر از حد جانشینی کنونی جمعیت ایران - بر مبنای یک ارزیابی علمی و واقع‌بینانه اتخاذ شده است. البته این سیاست‌ها یک مجموعه منسجم و مرتبط به هم هستند و موفقیت آن‌ها مرهون توجه برابر به همه ابعاد آن‌ها از یک‌سو و هماهنگی، انسجام، تداوم و پایداری در اجرا از سوی دیگر است.

# وافقان و مخالفان مسئله جمعیت

مسائل جمعیتی ایران در گفت‌وگو با دکتر حبیب‌الله زنجانی

# در نیمه‌راه گذار چهارم



## اشاره

مسئله جمعیت ایران و میزان‌های رشد مطلوب و نامطلوب آن و نیز پیامدهای کاهش یا افزایش جمعیت و ارتباط آن با برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور چندی است موضوع بحث و بررسی محافل آکادمیک، جمعیت‌شناسان و جامعه‌شناسان و نیز مسئولان اجرایی و برنامه‌ریزی کشور است. حاصل این مباحث سیاست‌های چهارده‌گانه جدید جمعیتی کشور است که اخیراً از سوی «جمع تشخیص مصلحت نظام» تصویب و برای اجرا به دولت و دستگاه‌های اجرایی کشور ابلاغ شده است. به همین مناسبت و به دلیل ضرورت آشنایی معلمان علوم اجتماعی کشور با ابعاد متفاوت مسئله جمعیت در ایران، از منظری علمی و جمعیت‌شناختی با دکتر حبیب‌الله زنجانی، دانشیار جمعیت‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران که از پیش‌کسوتان برجسته رشته جمعیت‌شناسی در ایران هستند، گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در ادامه از نظر آنان می‌گذرد.

دکتر زنجانی در این گفت‌وگو ضمن تشریح سیر تحولات جمعیتی ایران طی دهه‌های مختلف و نیز مرور سیاست‌هایی که تا کنون در این زمینه اتخاذ شده است، ضرورت شکل‌گیری سیاست‌های جدید جمعیتی ایران را تشریح و اعلام کرده است ایران اکنون در نیمه‌راه گذار چهارم جمعیتی قرار دارد که در نهایت به رشد منفی جمعیت می‌انجامد. متن کامل این گفت‌وگو در ادامه از نظر آنان می‌گذرد.

## ○ ایران از نظر تغییر و تحول جمعیتی چه مرحله‌ای را

پشت‌سر گذاشته است و الان در چه وضعیتی قرار دارد؟

● قبل از پاسخ دادن به این سؤال لازم می‌دانم از جناب عالی و همکاران گرامی تان تشکر کنم که فرصتی را برایم فراهم آوردید تا دربارهٔ مسائل جمعیتی با یکی از افسار برگزیدهٔ جامعه، یعنی معلمان و دانش‌پژوهان، صحبت کنم و از این طریق بتوانم با گروه کثیری از صاحبان فکر و اندیشه رو به‌رو شوم و در مراحل بعدی از رهنمودهای آنان بهره‌مند گردم.

قبل از ورود به بحث اصلی، ابتدا باید بگویم که ما در جمعیت‌شناسی کاری به جو بیرونی نداریم. مسیری را انتخاب می‌کنیم که آن مسیر در واقع مسیر دانش جمعیت‌شناسی است. راهنمای ما در بحث‌ها باوری است که از دانش جمعیت‌شناسی داریم و براساس آن حرکت می‌کنیم. در عین حال که دیدگاه‌های عامهٔ مردم را ارج می‌نهمیم، هرگز یافته‌های علمی را در جهت خوشایندی و یا باورهای آن‌ها تغییر نمی‌دهیم. با این نگرش به سؤالات شما پاسخ می‌دهم.

ایران یکی از کشورهای باستانی است. اسناد باقی‌مانده از گذشته‌های دور نشانگر تمدن والایی است که در این سرزمین شکل گرفته و تداوم یافته است. نقل قول‌ها از وجود جمعیت انبوه در مقاطعی از این دوران تاریخی حکایت دارند. به همان ترتیب که از افول جمعیت و سیر قهقرایی آن در برخی از دوره‌های دیگر خبر می‌دهند. بعضی از اسناد تاریخی هم در تناقض آشکار با هم قرار دارد. **هروودوت** به جمعیت ۵۰ میلیونی ایران در عصر «هخامنشی» اشاره می‌کند و شواهدی در تقویت قول خود می‌آورد که در صورت قبول آن، حدود یک ششم جمعیت جهان آن روز در سرزمین ما سکنا داشته است. گرچه این رقم و ارقامی که در مورد جمعیت ایران در عصر ساسانی، صفوی و... ذکر شده‌اند، مربوط به محدودهٔ کنونی ایران نیستند و سرزمین‌های وسیع‌تری را شامل می‌شده‌اند که در مواردی وسعتی بیش از سه برابر وسعت کنونی را داشته، در شرایطی که شمارش‌های دقیق جمعیتی معمول نباشد، بحث دربارهٔ رقم واقعی جمعیت یک کشور خالی از اشکال نیست و نمی‌توان به آن‌ها دل بست.

اسناد، نوشته‌های تاریخی و نقل قول‌های متعددی وجود دارند که بر اوج و حوضیض‌های جمعیتی این کشور دلالت دارند. در طول این دوران متمادی گاه به جمعیت بعضی از شهرها و یا تعداد سپاهیان درگیر در جنگ‌های مختلف اشاراتی شده است. قتل عام چندین میلیون نفری در حملهٔ مغول و استیلای ایلخانیان، کشتارهای بعدی بر اثر قحط سالی، شیوع بیماری‌های مسری، تخریب شهرها، قتل عام مردم و اختلافات و درگیری‌های مذهبی که در طول تاریخ به کرات اتفاق افتاده‌اند و در مواردی باعث ویرانی یک شهر شده‌اند.

در چنین اوضاع و احوالی که تنها در عرض یک دهه، ۹ بار وبای عام در ایران شیوع یافت و اشاعهٔ طاعون نیز از آن متداول‌تر بوده است، کاهش جمعیت کشور از ۴۰ میلیون نفر در عصر صفوی به حدود پنج تا شش میلیون نفر در سال ۱۱۷۹ شمسی و به حدود ۶ تا ۱۰ میلیون نفر در صد سال بعد، چندان نیز دور از واقع نیست. در

چنین وضعی است که به رغم دوره‌های کوتاه‌مدت صلح و ثبات که افزایش سریع جمعیت را امکان‌پذیر می‌ساخته است، جمعیت ایران در اواخر قرن هیجدهم به رقم بسیار پایینی رسید و تا نیمهٔ دوم قرن نوزدهم نیز بر آن منوال باقی ماند.

برآوردی که از روی داده‌های نسبتاً قابل قبول از ارقام جمعیتی صورت گرفته است، جمعیت کشور و میزان رشد سالانهٔ آن را از سال ۱۲۸۰ هجری شمسی تا زمان انجام نخستین سرشماری عمومی کشور در سال ۱۳۳۵ به شرح زیر به‌دست داده است، که من جدول آن را در اختیار شما قرار می‌دهم.

سال (ه. ش)	تعداد جمعیت (نفر)	میزان رشد سالانه (درصد)
۱۲۸۰	۱۰۳۳۳۹۸۳	-۰/۴۲۷
۱۲۸۵	۱۰۵۵۶۵۰۶	-۰/۴۹۵
۱۲۹۰	۱۰۸۶۲۹۷۶	-۰/۵۷۴
۱۲۹۵	۱۱۲۲۹۵۶۳	-۰/۶۶۶
۱۳۰۰	۱۱۶۰۸۵۲۲	-۰/۷۷۲
۱۳۰۵	۱۲۰۶۳۵۸۳	-۰/۸۹۵
۱۳۱۰	۱۲۶۱۳۱۷۹	۱/۲۰۳
۱۳۱۵	۱۳۳۹۰۳۳۷	۱/۳۹۵
۱۳۲۰	۱۴۳۵۰۷۳۷	۱/۶۱۸
۱۳۲۵	۱۵۴۹۸۸۹۴	۱/۸۷۶
۱۳۳۰	۱۷۰۶۴۲۳۶	۲/۵۲۲
۱۳۳۶	۱۹۳۲۷۳۴۵	۲/۹۲۵

از آن به بعد سرشماری‌ها و آمارگیری‌های جمعیتی توانسته‌اند سیمای شفاف‌تری از جمعیت کشور و تغییرات آن را به‌دست دهند. کشور ما در این دورهٔ نسبتاً طولانی تغییرات عمده‌ای را در ساختار جمعیت خود تجربه کرده است. کشور ما تا نیمهٔ اول دههٔ ۱۳۴۰، طرفدار افزایش جمعیت بود، ولی سیاست مدونی برای این افزایش نداشت. در سال ۱۳۴۵ به جرگهٔ کشورهای طرفدار کنترل جمعیت پیوست و از امضاکنندگان اعلامیهٔ رؤسای ۳۰ کشور جهان خطاب به «اوتانت»، دبیر کل وقت سازمان ملل، بود که در آن افزایش شدید جمعیت جهان را عامل تهدید صلح جهانی دانستند و از وی خواستند که موضع شفاف‌تری در زمینهٔ کاهش رشد سرسام‌آور جمعیت جهان اتخاذ کند. به‌دنبال این بیانیه، ایران یکی از کشورهای طرفدار کنترل جمعیت شد و سازمانی را در سطح معاون وزیر در وزارت بهداشت (بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کنونی) ایجاد کرد و گروه‌های کاری متخصص و فعالی را برای پیشبرد آن برنامه به

کاربست. این برنامه تا شروع انقلاب اسلامی در ایران کاملاً فعال بود و توانست میزان رشد سالانه جمعیت را از حدود ۳/۱۲۵ به ۲/۷۱۴ درصد در سال برساند و به تبع آن در سال ۱۳۴۵، سهم افراد کمتر از ۵ ساله را از ۱۵/۸۴ به ۱۳/۸۱ درصد و سهم افراد ۹-۵ ساله را از ۱۵/۳۶ به ۱۴/۱۱ درصد تقلیل دهد که از نظر جمعیت‌شناختی، سیاستی موفق بود.

با انجام سرشماری ۱۳۶۵ معلوم شد که در فاصله ده‌ساله ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، بیش از ۱۵/۶ میلیون نفر بر جمعیت ۳۳/۷ میلیون نفری سال ۱۳۵۵ افزوده شده است که افزایشی بسیار شدید بود و میزان رشد سالانه جمعیت را از ۲/۷ به ۳/۹ درصد در سال رساند. بخشی از آن میزان رشد، از مهاجران افغانی و عراقی ناشی شده بود؛ با این همه افزایش میزان رشد طبیعی کشور در سال‌های پایانی جنگ نیز مشکلاتی را مطرح کرده بود که دولت وقت را به یافتن راه‌حلی برای کاهش میزان رشد جمعیت رهنمون می‌شد. «سازمان برنامه و بودجه» آن روز تدارک کنفرانسی با عنوان «کنفرانس جمعیت و توسعه» را دیده بود و با کمک گرفتن از استادان جمعیت‌شناسی سرانجام توانست آن را در شهریورماه ۱۳۶۷ برگزار کند. این کنفرانس که بنا بود در تهران برگزار شود، به دلیل بمباران‌های هوایی به مشهد انتقال یافت و در آن شهر برگزار شد و حاصل آن نشانگر بار سنگین رشد شتابان جمعیت بر بیکره اقتصاد کشور بود.

به دنبال این کنفرانس مقدمات اعلام مجدد سیاست‌های محدودکننده میزان رشد جمعیت کشور مطرح شد و از اواخر همان سال به تصویب رسید و به مورد اجرا گذاشته شد که تا دو سال پیش هم ادامه داشت. از سال ۱۳۹۰ تجدیدنظر در این سیاست‌ها شروع شد و سرانجام در سال ۱۳۹۳ به تصویب اصول کلی سیاست‌های جمعیتی کشور از سوی «مجمع تشخیص مصلحت نظام» انجامید. در این راه نتایج سرشماری‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ و استمرار کاهش سطح باروری به کمتر از حد جانشینی، بستر لازم برای اتخاذ

سیاست‌های جدید را فراهم ساخت. بدین معنی که از سال ۱۳۶۵ چهار سرشماری و آمارگیری سراسری در سال‌های ۱۳۷۰، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ صورت گرفته و جمعیت کشور را در آن سال‌ها به ترتیب ۵۵/۸، ۶۰/۰، ۷۰/۵ و ۷۵/۱ میلیون نفر اعلام کرده است. از نظر درک تحولات جمعیتی، معمولاً به جای افزایش عددی جمعیت، میزان رشد طبیعی جمعیت را مدنظر قرار می‌دهند و اجزای تشکیل‌دهنده آن، یعنی سطح باروری زنان و میزان مرگ‌ومیر عمومی را معیار دقیق‌تری برای شناخت بهتر تحولات جمعیتی می‌دانند. متوسط میزان رشد سالانه جمعیت ایران از سال ۱۳۳۵ به بعد، با احتساب اثر مهاجرت‌ها در آن، به شرح زیر بوده است:

در نتیجه میزان رشد سالانه جمعیت در یک دوره ۳۰ ساله، از ۳/۹ درصد به حدود ۱/۳ درصد تقلیل یافته که نتیجه کاهش سطح باروری کل زنان در این دوره، از ۶/۴ فرزند به ۱/۷ فرزند در طول عمر است. مجموعه عوامل مؤثر بر تغییر و تحول جمعیت در ایران نشان‌دهنده کاهش باز هم بیشتر این عامل در آینده است و خوشبینی‌های برخی از پژوهشگران جمعیتی به ایستایی و یا افزایش آن در آینده، جز از طریق جهت‌گیری‌های خاص سیاستی امکان‌پذیر نمی‌نماید.

○ **سیاست‌های جمعیتی جدید ایران که مجمع تشخیص مصلحت نظام اعلام کرده است، به چه ضرورت‌ها و زمینه‌هایی برمی‌گردد؟ آیا ما الان در مرحله گذار چهارم جمعیتی و در مقطع سکون و رشد منفی قرار گرفته‌ایم؟**

● سیاست‌های کلی جمعیت ایران که از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب و از سوی مقام معظم رهبری به دستگاه‌های ذی‌ربط ابلاغ شده، دارای ۱۴ ماده است. ماده اول این سیاست‌ها به ارتقای پویایی، بالندگی و جوانی جمعیت با افزایش نرخ باروری به بیش از سطح جانشینی مربوط است. جمله‌بندی این اصل که مراحل بسیار طولانی و موشکافانه علمی و دیدگاه‌های اجرایی را پشت‌سر گذاشته، به‌خوبی نشان‌دهنده ضرورت‌ها و زمینه‌هایی است که جمعیت ایران از هم اکنون با آن‌ها مواجه است. درصد جمعیت جوان کشور تنها در ۲۵ سال گذشته از حدود ۴۶ درصد کل جمعیت به ۲۳ درصد آن تقلیل یافته و باز هم رو به تقلیل است. گرچه رقم ۴۶ درصد نیز مطلوب نبوده و بار تکفل جمعیتی را بالا برده بود، کاهش آن به کمتر از سطح کنونی، از آن نگران‌کننده‌تر است. جمعیت جوان نیروی فعال آینده کشور است و توسعه و بالندگی اقتصادی و بهروزی و رفاه اجتماعی مطلوب در گرو کارایی، تلاش و خلاقیت آن است. این‌ها عواملی نیستند که در صورت نیاز بتوان از بازار تهیه کرد و حتی برعکس تصور برخی از افراد، مهاجرپذیری هم نمی‌تواند جایگزینی برای جمعیت جوان شود که مسائل و مشکلات حاصل خود را دارد.

کاهش باروری زنان در آینده نیز تحت تأثیر عواملی که تاکنون آن را کاهش دهند و همچنان به اثرگذاری خود ادامه خواهند داد، به روند نزولی خود ادامه خواهد داد. این کاهش از نظر قدر مطلق کوچک‌تر اما از نظر عملکرد اثرگذارتر خواهد بود. به ظاهر

سال (ه.ش)	رشد سالانه (درصد)
۱۳۳۵-۱۳۴۵	۳/۱۲۵
۱۳۴۵-۱۳۵۵	۲/۷۱۴
۱۳۵۵-۱۳۶۵	۳/۹۲۰
۱۳۶۵-۱۳۷۰	۲/۴۶°
۱۳۷۰-۱۳۷۵	۱/۴۷°
۱۳۷۵-۱۳۸۰	۱/۴۶
۱۳۸۰-۱۳۸۵	۱/۲۹

**یادآوری:** جمعیت ایران در سرشماری ۱۳۷۰ با مجموعه داده‌های آماری کشور ناهماهنگ و غیرقابل قبول است. از این رو به‌جای میزان‌های رشد جمعیت در فاصله سال‌های ۷۰-۱۳۶۵ و ۷۵-۱۳۷۰ باید متوسط میزان رشد سالانه ۷۵-۱۳۶۵ را- که ۱/۹۶ درصد است- قرار داد و تحولات جمعیت را بر آن اساس دنبال کرد.



## دکتر زنجانی در یک نگاه

دکتر حبیب‌الله زنجانی استاد برگزیده «روز جهانی آمار»، استاد برگزیده علوم مرتبط با شهرسازی در سال ۱۳۹۲ و نیز استاد منتخب دانشکده ادبیات و

علوم انسانی واحد علوم و تحقیقات تهران دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۹۰ است. وی عضویت در انجمن بین‌المللی مطالعات جمعیت، انجمن جمعیت‌شناسی ایران، انجمن بین‌المللی جمعیت‌شناسان فرانسوی زبان و سردبیری نشریه «نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران» را در کارنامه خود دارد. از ایشان تاکنون علاوه بر ده‌ها مقاله و یک اثر به زبان انگلیسی، ۱۹ اثر زیر نیز به فارسی منتشر شده است:

۱. مهاجرت ۲. تحلیل جمعیت‌شناختی ۳. گزیده مطالعات جمعیتی مجموعه شهری تهران ۴. جمعیت، توسعه و بهداشت باروری ۵. جمعیت و توسعه ۶. جمعیت و شهرنشینی در ایران ۷. تقویم تاریخی دموگرافیک ایران (سه جلد) ۸. لغت‌نامه جمعیت‌شناختی (مشارکت با دیگران) ۹. کتاب گیلان (مشارکت در تدوین) ۱۰. بررسی مسائل اجتماعی ایران (گروه مؤلفان) ۱۱. شناخت و تحلیل جمعیت در مطالعات روستایی ۱۲. پیش‌بینی جمعیت کشور و استان‌ها به تفکیک شهری و روستایی ۱۳. جداول مرگ‌ومیر ایران برای سال ۱۳۷۵ (تألیف مشارکتی با دیگری) ۱۴. اطلس مسکن ایران (همکاری و مشاوره علمی) ۱۵. مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی ۱۶. راهنمای جمعیت شهرهای ایران ۱۷. جمعیت و جمعیت‌شناسی ۱۸. جمعیت‌شناسی تطبیقی جهان ۱۹. سالخوردگی جمعیت و مسئله پیران در ایران

پرداخت یارانه- که باید موضعی و موردی باشد- راه‌حل مسئله نیست.

سیاست‌های جمعیتی جهت‌گیری‌های دولت‌ها در قبال جمعیت هستند تا بتوانند آن را با دیدگاه‌های آرمانی و برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش هماهنگ کنند. بنابراین سیاست‌های جمعیتی نوعی جهت‌گیری‌اند از طرف دولت‌ها و به‌دلایلی که یکی از آن‌ها ممکن است هم‌سویی با تحقق اهداف آرمانی باشد. مانند اینکه بگوییم می‌خواهیم در سال ۱۴۰۴ کشورمان پیشروترین کشور دانشگاهی خاورمیانه باشد. یا می‌خواهیم تهران شهری جهانی و شهر برتر منطقه باشد. این‌ها اهدافی آرمانی هستند. باید ببینیم برای تحقق این اهداف، جمعیت‌شناسی چه کمکی می‌تواند کند و به‌دنبال چه سازوکاری باید باشد. یا وقتی که یک برنامه توسعه‌ای را طراحی می‌کنیم- اعم از آنکه توسعه اقتصادی باشد و یا توسعه فرهنگی و نظایر آن- باید توجه داشته باشیم که جمعیت یکی از اجزا یا مؤلفه‌های مهم آن برنامه است. زیرا

گرچه کاهش این عامل از ۱/۷ کنونی به یک یا کمی بیشتر از آن کاهش آرام تلقی می‌شود، پیامد آن بر ساختار جمعیت به مراتب نگران‌کننده‌تر از کاهش باروری از شش فرزند به چهار فرزند خواهد بود. پایین آمدن سطح باروری کل از ۲/۱ تا ۲/۲ فرزند به معنی تحقق‌ناپذیری جایگزینی نسل‌هاست که در آن دیگر یک مادر از نظر باروری با یک دختر جایگزین نمی‌شود و جمعیت پس از سپری کردن دوره شتاب خود، به رشد صفر و رشد منفی می‌رسد. این شرایط نه برای کشور ما و نه برای هیچ کشور دیگری مطلوب نیست و سالخوردگی شدید جمعیت را به‌دنبال دارد؛ وضعی که امروزه مهم‌ترین مشکل جمعیتی، اقتصادی و رفاه عمومی کشورهای سالخورده است.

کوچک جلوه دادن این موضوع و محدود ساختن آن به تأمین نیازهای روزمره پیران، نقض غرض مهمی است که بعضی‌ها بدون توجه به اثر پویایی سالخوردگی جمعیت بر مجموعه عوامل جمعیتی، آن را دنبال می‌کنند. در اینجا لازم به ذکر می‌دانم که جمله «افزایش سطح باروری به بیش از حد جانشینی» (که در سیاست‌های جدید جمعیتی ایران مورد تأکید قرار گرفته است) را هرگز نباید به معنی بازگشت به دوره بسیار بالای باروری تلقی کرد. چه این موضوع در جلسه‌های کارشناسی کاملاً توضیح داده شده است که با توجه به تغییرات بنیادی در سطح تحصیلات زنان و برگشت‌ناپذیر بودن آن به سطوح نازل‌تر گذشته، تغییر در نظام فکری و فرهنگی مترتب بر باروری، گسترش عرصه‌های کار و مشارکت‌های اقتصادی و اجتماعی زنان و نیز دسترسی به منابع اطلاع‌گیری و اطلاع‌رسانی همگانی، به زحمت می‌توان سطح باروری را به کمی بیش از حد جانشینی افزایش داد و این افزایش نیز برای ادامه حیات جمعیت ضروری است. از نظر کمی، میزان رشدی کمتر از نصف میزان رشد کنونی جمعیت می‌تواند جلوی سالخوردگی شدید جمعیت را بگیرد، نیروی انسانی لازم را برای توسعه پایدار کشور فراهم آورد و از اضمحلال جمعیتی در آینده جلوگیری کند.

بند دوم سیاست‌های تدوینی به حمایت از زوج‌های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه‌های زندگی و تربیت نسل صالح و کارآمد دلالت دارد. و در بند سوم، اختصاص تسهیلات مناسب به مادران، به‌ویژه در دوره بارداری و شیردهی، پوشش بیمه‌ای هزینه‌های زایمان، و تقویت نهادها و مؤسسات حمایتی ذی‌ربط مورد تأکید قرار گرفته است. بی‌تردید یک سیاست فعال جمعیتی، به‌ویژه اگر بخواهد جلوی کاهش باروری را بگیرد، حتماً باید برای سلامت زن و نوزاد ارزش بیشتری قائل شود و تأمین سلامت آنان را در اولویت قرار دهد. بی‌تردید، هیچ سرمایه‌گذاری اقتصادی و اجتماعی نمی‌تواند و نباید از حفظ و تأمین سلامت جامعه غفلت کند و این واقعیت را از نظر دور دارد که مهم‌ترین عامل اثرگذار بر افزایش سطح باروری، ازدواج و حمایت از زوج‌های جوان از طریق توانمندسازی آنان در دستیابی به درآمدهای لازم و کافی برای ادامه زندگی زناشویی است. این درآمدها باید از طریق ایجاد اشتغال دائم و بالنده ایجاد شود و راه‌هایی چون

این کارها برای جمعیت و توسط جمعیت انجام می‌گیرند و اگر جمعیت را از برنامه حذف کنیم، نباید انتظار داشته باشیم که در پایان به هدفی برسیم که از نظر جمعیت‌شناسی مطرح بوده است. چون اصلاً هدف جمعیت‌شناختی را در برنامه مطرح نکرده‌ایم تا تحقق یابد و اگر توفیقی هم پیش آید امری خود به خودی خواهد بود.

به نظر من سیاست‌های جمعیتی تاکنون سه مسیر را طی کرده‌اند:

● یک مسیر هماهنگ کردن تغییر و تحول جمعیت با هدف‌های برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی است. بدین معنی که آن هدف‌ها را اصل و راهنما قرار می‌دهد و می‌خواهد از جمعیت‌شناسی نیز در جهت محقق ساختن آن هدف‌ها کمک بگیرد. یعنی آن هدف‌ها را تغییرناپذیر می‌شمارد و می‌خواهد سازوکاری پیدا کند تا جمعیت خود را با آن هدف‌ها هماهنگ سازد.

● حالت دوم برعکس آن است. یعنی تعدیل و تغییر برنامه‌ها و هدف‌ها را با توجه به تحولات پیش روی جمعیت دنبال می‌کند و می‌خواهد موجباتی را فراهم کند تا برنامه‌های خود را با تحولات جمعیت هماهنگ سازند.

● سوم آنکه راه بینابینی را بیابد که هم مقتضیات جمعیت و هم امکانات توسعه و پیشرفت را مدنظر قرار دهد که غالباً آن را جمعیت متناسب یا حد مطلوب جمعیت در یک کشور می‌نامند. سؤال این است که ما در حال حاضر کدام گزینه را انتخاب کرده‌ایم؟ در یک جمله بگویم که ما هنوز هیچ راهی را انتخاب نکرده‌ایم و نمی‌خواهیم هم انتخاب کنیم. چرا که در این زمینه

به توافق نرسیده‌ایم. این توافق حتی بین جمعیت‌شناسان و برنامه‌ریزان نیز حاصل نشده است. الان هم که درباره سیاست‌های جمعیتی بحث می‌کنیم و می‌خواهیم رویه‌ای را انتخاب کنیم، یا تعارف است یا بحث سیاسی. بنابراین، ابتدا باید به چارچوب اصلی بحثمان برگردیم و سیاست‌ها و تعارفات را کنار بگذاریم. آن وقت مشخص کنیم که چه جایگاهی برای جمعیت در برنامه‌ها قائل هستیم. نیازهای اساسی جمعیت را در حال و آینده چگونه می‌بینیم و چگونه می‌خواهیم آن‌ها را برآورد کنیم.

از حدود ۵۰ سال پیش که بحث سیاست‌های جمعیتی، توسعه، توسعه پایدار و به قول پیر ژوز، جمعیت و عمران در کشور ما مطرح بوده است، می‌باید یک اصل با این مسئله عجین می‌شد و آن «اصل هم‌پیوندی جمعیت و توسعه» است؛ یعنی نمی‌توان توسعه و جمعیت را جدا از هم دید. کلمه هم‌پیوندی برداشت بنده از «Integration» است. «Integration of Development & Population» من عبارت هم‌پیوندی را بهترین معادل «Integration» می‌دانم. مفهوم آن را، «داخل کردن جمعیت در توسعه» نمی‌دانم. هم‌پیوندی یعنی تاروپودی تنیده از جمعیت و توسعه که هم جمعیت است و هم توسعه. اگر یکی از این تاروپودها کشیده شود، هم جمعیت معیوب می‌شود هم توسعه. بیش از ۵۰ سال است که در جهان روی این موضوع کار شده و سرانجام به بحث جمعیت و توسعه پایدار رسیده است. به این معنی که جمعیت باید در تمام ابعاد توسعه حضور یابد و اثرش را نشان دهد و هم‌زمان از بقیه عوامل توسعه اثر پذیرد. یعنی اثر متقابلی بین ابعاد جمعیت و توسعه به وجود آید. اگر سیاست‌های جمعیتی را این‌گونه

## سیاست‌های چهارده گانه

۱ ارتقای رویایی، بالندگی و جوانی جمعیت با افزایش نرخ باروری به بیش از سطح جانشینی.

۲ رفع موانع ازدواج، تسهیل و ترویج تشکیل خانواده و افزایش فرزند، کاهش سن ازدواج و حمایت از زوج‌های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه‌های زندگی و تربیت نسل صالح و کارآمد.

۳ اختصاص تسهیلات مناسب برای مادران، به‌ویژه در دوره بارداری و شیردهی و پوشش بیمه‌های هزینه‌های زایمان و درمان ناباروری مردان و زنان و تقویت نهادها و مؤسسات حمایتی ذی‌ربط.

۴ تحکیم بنیان و پایداری خانواده با اصلاح و تکمیل آموزش‌های عمومی درباره اصالت کانون خانواده و فرزندپروری و تأکید بر آموزش مهارت‌های زندگی و ارتباطی و ارائه خدمات مشاوره‌ای بر مبنای فرهنگ و ارزش‌های اسلامی-ایرانی و توسعه و تقویت نظام تأمین اجتماعی، خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی در جهت سلامت، باروری و فرزندآوری.

چندی پیش خطوط اصلی سیاست‌های کلی جمعیتی کشور که از سوی «مجمع تشخیص مصلحت نظام» تهیه و تدوین شده است، انتشار یافت و برای تدوین و تنظیم برنامه‌های اجرایی به سازمان‌ها، دستگاه‌ها و نهادهای گوناگون کشور ابلاغ شد. این سیاست‌ها یک مجموعه کامل و به هم مرتبط است که از تشویق به ازدواج و رفع موانع آن تا هدفمندسازی جمعیت در سن کار، باز توزیع جغرافیایی جمعیت، حفظ روستا و جلوگیری از مهاجرت جمعیت آن را شامل می‌شود. متن کامل این سیاست‌ها در ادامه از نظراتان می‌گذرد.



بدانیم، این سیاست‌ها باید هدف‌های کمی روشنی داشته باشند. ما نمی‌توانیم سیاست جمعیتی تعارفی داشته باشیم و مثلاً بگوییم می‌خواهیم جمعیت را افزایش دهیم ولی برداشت شفافی از این افزایش نداشته باشیم. کلمه افزایش از نظر برنامه‌ریزی جمعیتی معنا و مفهوم روشنی ندارد. باید بگوییم با اتخاذ چنان سیاستی می‌خواهیم به کجا برسیم و منظور از آن افزایش چیست. چه چیزی را می‌خواهیم افزایش دهیم؟ تعداد جمعیت یا میزان رشد جمعیت را؟ آیا می‌خواهیم همراه با این اقدام تغییرات اساسی هم در ساختار جمعیت ایجاد کنیم؟ آیا می‌خواهیم توزیع جمعیت در پهنه سرزمین را تغییر دهیم یا نه؟ پس اگر سیاست‌های جمعیتی هدف‌های کمی مشخصی نداشته باشند، نمی‌توان آن‌ها را سیاست اطلاق کرد. اگر هدف و یا هدف‌های کمی مشخص شوند، حتماً باید قابل بررسی و ارزیابی باشند. یعنی به سازمان‌ها و مؤسسات پژوهشی این امکان را بدهند که هدف‌های مورد نظر را در مقاطع زمانی خاصی ارزیابی کنند و ببینند که آیا جامعه به بخش معینی از آن هدف‌ها رسیده است یا نه، از آن‌ها عقب است و یا از هدف‌های تعیین شده فراتر هم رفته است. باید دید چرا عقب مانده یا چرا فراتر رفته است. اگر این ارزیابی‌ها انجام نشوند، سیاست‌های جمعیتی تعارفی بیش نخواهند بود اما اگر قبول کردیم که عملکرد خود را در قالب آن سیاست‌ها ارزیابی کنیم، باید قائل به این هم باشیم که هدف‌ها را هم زمان بندی کنیم. مثلاً اگر هدف این باشد که از میزان باروری کل ۱/۷ به ۲/۵ نفر در طول عمر برسیم، باید بدانیم که این افزایش را در چه مدتی انجام خواهیم داد. اگر برنامه مورد نظر باید در ۲۰ سال به نتیجه برسد، هدف ما در پنج سال اول چه خواهد بود و در پنج سال دوم چه و الی آخر، پیوسته هم

بررسی کنیم و ببینیم به این اهداف می‌رسیم یا نه. و گرنه چنانچه هدفی را طراحی کنیم و ۲۰ سال بعد بیدار شویم و ببینیم که هیچ کاری انجام نشده است و یا در راه طی شده به خطا رفته‌ایم، در واقع برخلاف سیاست تعیین شده عمل کرده‌ایم.

ارزیابی هر سیاستی سرانجام به سه نتیجه مشخص منجر می‌شود: یا درمی‌یابیم راهی را که طی کرده‌ایم درست است و ادامه می‌دهیم، یا اینکه عقب مانده‌ایم و باید فعالیت‌مان را تشدید کنیم، یا اینکه به اشتباه رفته‌ایم که باید راه و روشی را که دنبال کرده‌ایم، تصحیح کنیم. اگر این‌ها را نپذیریم، یعنی هیچ برنامه‌ای نداریم. برنامه این است که در هر مقطع زمانی معینی، فعالیت‌هایمان را ارزیابی کنیم و ببینیم در چه شرایطی هستیم. در آن صورت درمی‌یابیم که آن شرایط ادامه راه را دیکته می‌کند یا تشدید فعالیت را و یا آنکه راه جدیدی را پیش پای ما می‌گذارد که در آن صورت باید آن راه جدید را دنبال کنیم و اصراری به ادامه راه نادرست طی شده نداشته باشیم. چرا؟ چون در دنیایی به سر می‌بریم که به شدت متحول می‌شود. ما نمی‌توانیم ۲۰ سال بخوابیم و یک مرتبه بیدار شویم. در هر لحظه‌ای که سپری می‌شود

با تحول عظیمی مواجه هستیم. این تحولات، تحولات سریع علمی، اقتصادی و در این مقطع زمانی خاص، تحول ارتباطاتی و الکترونیکی است. امروزه در جهان بسیاری مرزها شکسته شده‌اند.

سابق بر این اگر کسی ساکن کشوری چون ایران بود و می‌خواست موضوعی را که منابع آن در خارج از کشور است بررسی کند، باید به آنجا می‌رفت ولی الان می‌تواند در همین جا بنشیند و وارد سایت دانشگاه‌ها و یا مراکز علمی دیگر شود، به کتابخانه‌های

۵ ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی-ایرانی و مقابله با ابعاد نامطلوب سبک زندگی غربی.

۶ ارتقای امید به زندگی، تأمین سلامت و تغذیه سالم جمعیت و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، به‌ویژه اعتیاد، سوانح، آلودگی‌های زیست‌محیطی و بیماری‌ها.

۷ فرهنگ‌سازی برای احترام و تکریم سالمندان و ایجاد شرایط لازم برای تأمین سلامت و نگهداری آنان در خانواده و پیش‌بینی ساز و کار لازم برای بهره‌مندی از تجارب و توانمندی‌های سالمندان در عرصه‌های مناسب.

۸ توانمندسازی جمعیت در سن کار با فرهنگ‌سازی و اصلاح، تقویت و سازگار کردن نظامات تربیتی و آموزش‌های عمومی، کارآفرینی، فنی-حرفه‌ای و تخصصی با نیازهای جامعه و استعدادها و علاقه‌های آنان در جهت ایجاد اشتغال مؤثر و مولد.

۹ بار توزیع فضایی و جغرافیایی جمعیت، متناسب با ظرفیت زیستی با تأکید بر تأمین آب با هدف توزیع متعادل و کاهش فشار جمعیتی.

۱۰ حفظ و جذب جمعیت در روستاها و مناطق مرزی و کم‌تراکم و ایجاد مراکز جدید جمعیتی، به‌ویژه در جزایر و سواحل خلیج فارس و دریای عمان، از طریق توسعه شبکه‌های زیربنایی، حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری و ایجاد فضای کسب و کار با درآمد کافی.

۱۱ مدیریت مهاجرت به داخل و خارج هماهنگ با سیاست‌های کلی جمعیت با تدوین و اجرای ساز و کارهای مناسب.

۱۲ تشویق ایرانیان خارج از کشور برای حضور و سرمایه‌گذاری، و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانایی‌های آنان.

۱۳ تقویت مؤلفه‌های هویت‌بخشی ملی (ایرانی، اسلامی و انقلابی) و ارتقای وفاق و هم‌گرایی اجتماعی در پهنه سرزمینی، به‌ویژه در میان مرزنشینان و ایرانیان خارج از کشور.

۱۴ رصد مستمر سیاست‌های جمعیتی در ابعاد کمی و کیفی با ایجاد ساز و کار مناسب و تدوین شاخص‌های بومی توسعه انسانی و انجام پژوهش‌های جمعیتی و توسعه انسانی.

آن دانشگاه‌ها رجوع کند و برای مشکل علمی و تحقیقاتی خود راه‌حل‌های متفاوتی بیابد. به همین دلیل است که می‌گوییم امروز از نظر علمی و پژوهشی مرزهای عبورناپذیر قبلی شکسته شده‌اند و راه‌های گوناگونی برای ورود به آن عرصه‌ها پیدا شده‌اند. در ضمن، ما باید در وهله اول به کشور خودمان فکر کنیم و اگر دانشی داریم، در جهت ارتقا و بالندگی آن صرف کنیم و در همان حال، در سیاست‌گذاری‌های جمعیتی هم به شکسته شدن مرزها، اعتقاد داشته باشیم و از فرصتی که پیش آمده است، نهایت استفاده کنیم. نمی‌توانیم به شرایطی که خود در آن قرار داریم یا به یافته‌های علمی که در کشور دیگری به دست آمده‌اند، بی‌اعتنا باشیم. تجربه نشان داده است که این نوع بی‌توجهی‌ها ثمری ندارند.

نه توسعه در یک جا متوقف می‌ماند و نه ما می‌توانیم تنها بر پایه نگرش خاص خود جریان توسعه را پیش ببریم و بر این نکته اصرار ورزیم که تا ابد پیرو سیاست کنترل جمعیت هستیم یا طرف‌دار افزایش آن. شرایط و اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی و آرمانی کشور به صورتی ناخودآگاه، تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان را وادار می‌کند که تمام جوانب امر را در تعامل با هم ببینند و راهی را انتخاب کنند که اولاً منطقی و ثانیاً تحقق‌پذیر باشد. در این شرایط، دیگر نمی‌توان به ادامه راه و یا نظری دل بست که با بدیهیات علمی و منطقی سازگار نباشد. قبول ضرورت هم‌پیوندی جمعیت و توسعه، خود به خود به تکامل سیاست‌های جمعیتی می‌انجامد. اگر بپذیریم که جمعیت و توسعه با هم پیوند دارند، پس سیاست‌های جمعیتی هم باید سیاست‌های متکامل‌تری باشند و سیاست‌های توسعه نیز با ویژگی‌های جمعیت عجین شوند تا نتیجه بهتری به بار آورند.

در جهت‌گیری جدیدی که به‌عنوان سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغ شده‌اند، این موارد مدنظر بوده‌اند و اگر در این مصاحبه فرصت بیشتری وجود داشت، سایر بندهای این سند را نیز می‌شکافتیم تا معلوم شود که در تدوین آن‌ها دقت و توجه لازم صورت گرفته است. در عین حال باید به این نکته هم اشاره کرد که سیاست‌های کلی، مسائل را در حد کلیات مطرح می‌کنند و سپس در چارچوب آن اقدامات تفصیلی شکل می‌گیرند. بنابراین، هنوز هم در آغاز کار هستیم و باید سیاست‌گذاری‌های تفصیلی آن را در چارچوب امکانات دنبال کنیم.

در مورد این سؤال که آیا ما در مرحله چهارم گذار جمعیتی قرار داریم یا نه، باید عرض کنم که در آن مرحله میزان‌های موالید و باروری هر دو به سطح بسیار پایینی می‌رسند. از آن به بعد، میزان مرگ‌ومیر به آرامی رو به افزایش می‌گذارد و میزان موالید سیر کاهشی خود را دنبال می‌کند. رشد جمعیت منفی می‌شود و تغییرات اساسی در خانوار پیش می‌آید. با این توضیحات ما هنوز در نیمه راه گذار چهارم قرار داریم و هدف سیاست‌های جدید جمعیتی می‌خواهد که ما این دوره را به پایان نرسانیم و از نیمه راه آن با افزایش سطح باروری تا کمی بیش از حد جانشینی برگردیم تا از پیامدهای منفی آن برکنار باشیم.

● **به نظر می‌رسد چندی است در مجامع آکادمیک و**

**بین‌المللی نیز از شدت مخالفت‌ها با رشد جمعیت کاسته شده و موافقان رشد جمعیت بیشتر شده‌اند. چرا و دلایل موافقان رشد جمعیت چیست؟**

● پاسخ به این سؤال هم می‌تواند بسیار خلاصه و موجز باشد و هم بسیار گسترده و طولانی. من در اینجا سعی می‌کنم به چند نکته اساسی در این زمینه اشاره کنم و بحث گسترده‌تر را به فرصت دیگری واگذارم. قصه طولانی رابطه رشد جمعیت و توسعه و بهروزی جامعه، به صورت مکتوب و مستدل حداقل به حدود ۲۵۰۰ سال پیش برمی‌گردد. نوشته‌ها و نقل قول‌های زیادی در این زمینه وجود دارند. بسیاری از کسانی که در این باره موضوع را از **مالتوس** و مقاله وی که برای نخستین بار در ۱۷۹۸ انتشار یافت شروع می‌کنند، کمتر به سابقه امر توجه دارند. این در حالی است که متفکران ایرانی و اسلامی حداقل از ۵۰۰ سال پیش از مالتوس، به صورتی مستدل‌تر و منطقی‌تر از او به آن پرداخته‌اند.

نگرش منفی به رشد جمعیت بعد از جنگ جهانی اول و به‌ویژه از اوان جنگ جهانی دوم گسترش یافت و علت آن عدم توازن بین امکانات توسعه و شدت افزایش جمعیت بود. در آن شرایط، افزایش بی‌رویه جمعیت مانعی در راه توسعه و پیشرفت تلقی شد و چون افزایش امکانات توسعه به آسانی انجام‌پذیر نبود، به ناچار کاهش جمعیت را چاره‌رایی از فقر و تنگدستی دانستند. این بیان در شرایط آن روز جوامع عقب مانده و یا عقب نگه‌داشته شده موجه بود. به تدریج که دیدگاه‌های جدیدی در توسعه به‌وجود آمد و در شرایطی که میزان رشد سرسام‌آور جمعیت نیز در کشورهای پرجمعیت جهان کاهش یافت، واقعیت دیگری ظاهر شد: «علت عقب‌ماندگی کشورهای عقب مانده تنها به جمعیت و میزان‌های رشد بالای آن‌ها مربوط نیست»

من در نوشته‌های خود بر این نکته تأکید کرده‌ام که رابطه جمعیت و توسعه یک رابطه خطی معکوس نیست که افزایش یکی به صورت اجتناب‌ناپذیر به کاهش دیگری منجر شود. عوامل اثرگذار بر میزان رشد جمعیت تقریباً مستقل‌اند و به خود جمعیت و ویژگی‌های آن برمی‌گردند. در حالی که بخش عمده‌ای از عوامل توسعه، عوامل بیرونی هستند که اختیار آن‌ها به‌طور کامل در دست دولت‌ها نیست و بازی‌ها و صحنه‌سازی‌های بین‌المللی در آن‌ها نقش بارزی دارند. طبیعی است که بین دو متغیر، که یکی نسبتاً مستقل و متکی به خود و دیگری لرزان و ناپایدار است، نمی‌توان رابطه پایداری ایجاد کرد. در کنار این بحث، پیشرفت‌های اقتصادی بعضی از کشورهای پرجمعیت جهان که از میزان رشد جمعیتی بالایی برخوردار بوده و جمعیت‌های انبوهی هم داشته‌اند، نگرش یکسویه سابق بین رشد و تعداد جمعیت و رشد و توسعه اقتصادی را زیر سؤال برد. در کنار این موارد، مسائل و مشکلاتی که میزان رشد پایین در کشورهای پیشرفته جهان ایجاد کرد، راه را برای نگرش جدیدی به رابطه بین دو متغیر باز کرد. رسیدن به میزان‌های رشد جمعیتی نزدیک به صفر و یا منفی نیز در تعدادی از کشورها، ضرورت بازنگری در نظریه قبلی را بیش از پیش آشکارتر ساخت.

# کردار اجتماعی

## بنیادهای مفهومی کنش اجتماعی در کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی

دکتر لطیف عیوضی

مسئول گروه علوم اجتماعی دفتر تألیف کتاب‌های درسی

### اشاره

آگاهی، هدفمندی و گزینشگری را از ویژگی‌های آدمی و اعمال او می‌داند.

**کلیدواژه‌ها:** کنش اجتماعی، کردار اجتماعی، ساختار عینی، ساختار ذهنی

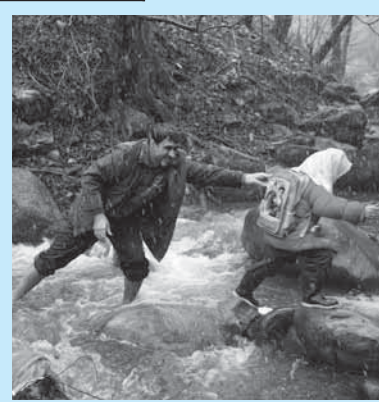
البته امروزه این رویکرد بیشتر در هئیت رفتارهای اقتصادی رخ می‌نماید؛ یعنی رفتارهایی که در تعقیب منفعت صورت می‌گیرند. کنشگر برای بیشینه کردن فایده، هدف‌ها و وسایل تحقق آن‌ها را انتخاب می‌کند. نظریه تصمیم‌گیری و نظریه بازی در اقتصاد،

احتمالاً به یاد دارید که ما در تبیین کنش اجتماعی از منظری سخن می‌گفتیم که آگاهی و اراده را ویژگی‌های اساسی کنش آدمی می‌دید. از این منظر، کنشگر با کنش خود به دنبال تغییر در موقعیت است. اگر کنشگری در تشخیص وضعیت موجود، وضعیت مطلوب، و راه عبور از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب آگاهی درستی داشته باشد و بر اساس آن آگاهی عمل کرده باشد، کنش او عقلانی است. اگر دانشی که بر اساس آن دست به عمل زده، غلط یا ناقص باشد، کنش او غیر عقلانی است. این رویکرد به «گزینش عقلانی» هم شهرت دارد که



جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی مصادیق این رویکردند، ولی دایرهٔ عقلانیت به هیچ وجه به این دسته کنش‌ها محدود نمی‌شود. بنا داریم در تبیین کنش اجتماعی، منظر دیگری را مورد توجه قرار دهیم که به جای تأکید بر آگاهی و ارادهٔ انسان‌ها در انجام کنش‌ها بر موجبیت‌های بیرونی دست می‌گذارند. البته امروزه هیچ دیدگاهی از صورت ناب و خالص چنین تبیینی دفاع نمی‌کند، همچنان که رویکرد عقلانی پیش‌گفته نیز به‌طور مطلق منکر هر گونه اثرگذاری عوامل بیرونی بر کنش اجتماعی افراد نیست. به همین دلیل رویکردهای تلفیقی به کنش اجتماعی پسندیده‌تر به نظر می‌رسند و رونق بیشتری دارند، ولی هر نظریهٔ کنش اجتماعی در نهایت بر یکی از این دو «عامل درونی یا بیرونی»، تأکید و اتکای بیشتری دارد.

از رویکردی سخن می‌گوییم که از پرسش‌های پنج‌گانهٔ «چه کسی؟»، «چه چیزی؟»، «را کجا؟» و «چه زمانی؟» و «با چه هدفی؟»، تأکید کمتری بر «چه کسی؟» و «چه هدفی؟» دارد. رویکردی که آدمی را نه کنشگر و «فاعل»، بلکه گماشته یا «عامل» می‌پندارد. پایبندان این رویکرد، مدعی‌اند الگویی که افراد را کنشگرانی با اهداف از پیش تعیین شده می‌داند که شناختی تفصیلی از اهداف خود و وسایل دستیابی به آن‌ها دارند، از عهدهٔ تبیین بیشتر کردارهای آدمی بر نمی‌آید و مهم‌تر اینکه با تجربهٔ زیسته ما به‌عنوان افرادی که مدام درگیر کردارهای روزانه هستیم ناسازگار است!



**پی‌بروردیو**، جامعه‌شناس فرانسوی، یکی از نظریه‌پردازان تلفیقی کنش اجتماعی است که بر این رویکرد پای می‌فشارد. او بیشترین تنفر را از نظریهٔ گزینش عقلانی در همهٔ جنبه‌ها به ویژه قرائت اقتصادی آن دارد. بروردیو بر آن است که تلقی سوژهٔ آگاه و آزاد از انسان، به مثابه دست شستن از جامعه‌شناسی است. در وهلهٔ اول، شاید عجیب به‌نظر برسد ولی هر چه بیشتر به او گوش فرا دهیم، اگر هم ما را کاملاً قانع نکند تا حدود زیادی از ناهمدلی ما با نگاه خودش می‌کاهد.

بروردیو بر شکاف میان «باورهای رایج» و «تحلیل‌های علمی» تأکید می‌کند. او باورهای رایج را کانال بازتولید نابرابری‌های ساختاری می‌داند؛ در حالی که رسالت تحلیل‌های جامعه‌شناسی را بر ملاکردن فرایندهای بازتولید اعلام می‌کند. به این ترتیب با اندیشهٔ بروردیو، هنر بدگمانی و پرده‌داری جامعه‌شناسی یادآوری می‌شود؛ با این تفاوت که پرده‌داری و رسواسازی شامل حال جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسان هم می‌شود! ایده‌هایی که توسط قدرت تولید می‌شوند در افراد درونی‌سازی و توسط آن‌ها باز تولید می‌گردند. جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسان هم در این روند دخیل می‌شوند. به این ترتیب، طنینی شبیه **فوکو** از بروردیو هم شنیده می‌شود!

بروردیو بر آن است که اگر انسان‌ها را سوژه‌های آگاه و آزاد بدانیم، جامعه‌شناسی بی‌موضوع می‌شود و این چه علمی است که موضوع خود را نابود می‌سازد؟! این پرسش ناخودآگاه **دورکیم** را به یاد

می‌آورد! دورکیم در نقد فیلسوفان، انسان‌شناسان و روان‌شناسان دین می‌نویسد: «باورکردنی نیست که دستگاه‌های فکری‌ای همانند دین - که در تاریخ مقامی این چنین مهم پیدا کرده‌اند و مردم در تمامی دوران‌ها نیروی لازم برای حیات را از سرچشمهٔ آن‌ها بر گرفته‌اند - چیزی جز تار و پودی از اوهام نباشد. یک مجموعه اوهام بی‌پایه چگونه می‌توانست وجدان بشری را تا این درجه و این همه مدت تحت تأثیر خویش قرار دهد؟ آخر این چگونه علمی است که کشف اصلی‌اش عبارت از این است که موضوع بررسی خودش را بی‌اعتبار کند؟»

**ریمون آرون** با طعنه به دورکیم می‌نویسد: «جملهٔ زیبایی است ولی آیا آن علم دینی که پرستش آدمیان را چیزی جز پرستش جامعه نمی‌داند، موضوع خود را همانندی نباشد حفظ می‌کند یا باعث نابودی‌اش می‌شود؟ پس از حذف عنصر ماورائی از دین آیا می‌توان هنوز واقعیتی برای دین تصور کرد؟» (آرون، ۱۳۷۵: ۳۹۷-۳۹۶).

بروردیو موضوع بررسی خود را حفظ می‌کند یا باعث نابودی آن می‌شود؟ به‌راستی بروردیو قصد دارد چه چیزی را به ما گوشزد کند؟ آیا مطلب مهمی می‌گوید و برای فهم مقصود او باید دقیق‌تر شویم یا به اعتقاد برخی، او صرفاً معانی گذشتگان را در قالب مفاهیمی جدید بیان می‌کند؟ مثلاً طبقهٔ **مارکس** را با واژهٔ میدان و نظام شخصیتی **پارسونز** را با واژهٔ «عادت‌واره» به نظر می‌رسد برای فهم مقصود بروردیو باید دید او می‌خواهد چه چیزی را نگه دارد و چه چیزی را نابود کند.

مارکس معتقد بود که اگر سطح و عمق واقعیت بر هم منطبق می‌بود، علم هیچ ارزشی نداشت. به عبارت دیگر، اگر علم چیز پنهان و ناشکاری را برملا نمی‌کرد، ارزشی نداشت. عالم و علم، باید آنچه را که بر تودهٔ آدم‌ها پوشیده است، آشکار سازد. دورکیم هم تلاش می‌کرد بین مفاهیم آن‌گونه که عموم مردم می‌فهمند و آن‌گونه که جامعه‌شناس و جامعه‌شناسی می‌فهمد، فاصلهٔ عمیقی برقرار کند. **مرتون** نیز تحلیل پیامدهای پنهان وقایع و پدیده‌ها را وظیفهٔ جامعه‌شناس می‌دانست! مگر نه اینکه فهم یک فیزیک‌دان هسته‌ای در مورد موضوعش با فهم عموم مردم فرسنگ‌ها فاصله دارد؟ این در حالی است که همسایه‌های عادی **ارسطو** پای دروس فلسفهٔ او حاضر می‌شدند.

بروردیو هم همین تفکیک سطح (که خود کنشگران می‌بینند!) و عمق (که جامعه‌شناسان می‌بینند!) را پیش‌فرض وجود جامعه‌شناسی می‌دانست. ولی مشکل این دسته از تحلیلگران، در تبیین کنش و کردار انسانی این است که پیش‌بینی آن‌ها معمولاً درست از آب در نمی‌آید. به تعبیر **گرایب**، مشکل مارکسیست‌های ساختاری این است که سروکلهٔ آدم‌ها جایی پیدا می‌شود که نباید بشود! ولی واقعیت مطلب این است که این مشکل تنها مشکل مارکسیست‌های ساختاری نیست بلکه مشکل تمامی کل‌گرایان و ساختارگرایانی است که روابط علی‌مورد نظرشان را ورای آگاهی و نیت‌مندی افراد انسانی برقرار می‌بینند. منظر آن‌ها اقتضا می‌کند که افراد انسانی تخته‌بند ساختارهای عینی و ذهنی باشند.

بورديو در تبیین کنش اجتماعی از دو آلیسم سنتی فرد/جامعه و کنش/ساختار و ذهنیت/عینیت در جامعه‌شناسی عبور می‌کند و سعی دارد بر اساس دیالکتیک میدان اجتماعی و عادت‌واره، به تبیین کردار افراد بپردازد. از این رو نظریه‌اش را «ساختارگرایی تکوینی» یا «ساختارگرایی ساخت‌گرایانه» که تقریباً همان نظریه‌گیدنز است و در آن، از یک سو ساختارهای عینی و از سوی دیگر سازه‌های ذهنی وجود دارند که تعامل آن‌ها «کردار» را می‌سازد. یک سو ساختارهای واقعی بیرونی دارد که افراد در چارچوب آن‌ها عمل می‌کنند و دیگری نظر به چگونگی ساخت واقعیت اجتماعی به‌وسیله افراد دارد. بورديو بیش از آنکه به خود این ساختارهای عینی و ذهنی توجه داشته باشد، به تعامل آن‌ها علاقه نشان می‌دهد. ساختارهای عینی همان مجموعه روابط عینی بین و درون پایگاه‌های اجتماعی‌اند که عمدتاً محصول برآیند سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی هستند؛ اگرچه بورديو از چهار سرمایه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین نام می‌برد. او نشان می‌دهد که چگونه قرابت کمی و کیفی میان سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی به قرابت میان پایگاه‌ها منجر می‌شود و تعامل میان پایگاه‌های همگون، باعث شکل‌گیری میدان اجتماعی می‌شود. اگر این مفهوم، میدان مغناطیسی را به ذهن متبادر سازد خیلی بی‌راهه نیست! بدین ترتیب متناسب با مجموعه پایگاه‌های همگون، تنوعی از میدان‌های اجتماعی شکل می‌گیرد که در واقع پهنه نبرد و کشمکش میان اشغال‌کنندگان آن‌ها برای نگه‌داشتن یا بهبود سرمایه خویش در سلسله مراتب اجتماعی است.

ساختار ذهنی یا عادت‌واره تقریباً همان نظام شخصیتی پارسونز است یعنی مجموعه باورها، ارزش‌ها، گرایش‌ها، موضع‌گیری‌ها و سلیقه‌هاست که متناظر با میدان‌های اجتماعی شکل می‌گیرند، یا به عبارت دقیق‌تر، عادت‌واره‌ها تابع میدان‌های اجتماعی‌اند. عادت‌واره‌ها مابه‌ازا یا درونی شده واقعیت‌های بیرونی در افراد هستند.

ساختار عینی و ذهنی یا میدان و عادت‌واره متقابلاً یکدیگر را متعین می‌سازند. دیالکتیک میدان و عادت‌واره، کردار افراد را می‌سازد که پیامدهای آن بازخوردهایی در جهت تغییر یا بازتولید ساختارهای عینی و ذهنی هستند.

بورديو در کتاب «تمایز» خود نشان می‌دهد عادت‌واره‌ها، از سویی تابع پایگاه اقتصادی (خاستگاه طبقاتی) و پایگاه فرهنگی (تجارب آموزشی) افرادند و از سوی دیگر، ترجیحات معرفتی، ارزشی و زیبایی‌شناختی آن‌ها را شکل می‌دهند. او شواهدی ارائه می‌کند که چگونه پایگاه اقتصادی و فرهنگی استادان دانشگاه، مدیران صنعتی و تجاری، معلمان و کشاورزان با ذائقه‌های غذایی، ورزش‌ها، سرگرمی‌ها، ذائقه‌های هنری و مواضع سیاسی آن‌ها هم‌بسته‌اند. همچنین، جدول مختصاتی از جامعه فرانسو ترسیم می‌کند که تمامی گروه‌ها، نوشیدنی‌ها، سرگرمی‌ها، ورزش‌ها، هنرها، مواضع سیاسی و... بر روی آن تشخیص و تعیین می‌یابند. آشکار است که از نظر او چنین جدول مختصاتی را می‌توان برای تمام جوامع صنعتی ترسیم کرد (شکل صفحه ۳۶ کتاب نظریه کنش).

بورديو معتقد است وجود تفاوت و تمایز میان پایگاه‌ها و تضاد میان آن‌ها، استعداد تبدیل شدن به طبقات اجتماعی را دارد. در نقد مارکس و مخالفان مارکس که یکی طبقات را واقعیتی عینی می‌داند و دیگری به‌طور کامل آن را انکار می‌کند، مدعی می‌شود که خود به راه میانه‌ای رسیده است. «آنچه وجود دارد، یک فضای اجتماعی است، یک فضای تفاوت‌ها که در آن طبقات به گونه‌ای بالقوه وجود دارند؛ به‌صورت نقطه‌چین، نه به‌صورت یک داده، بلکه به‌عنوان چیزی که قرار است انجام داده شود» (بورديو، ۱۳۸۹: ۴۳). بورديو مشکل مارکس و مارکسیسم را در فاصله «طبقه در خود» تا «طبقه برای خود» - که اولی واقعیتی عینی و دومی واقعیت ذهنی آن نزد اعضای طبقه بود - در این می‌دید که چنین واقعیت عینی‌ای وجود ندارد. به عبارت دیگر، اگر چنین واقعیت عینی‌ای وجود می‌داشت، ضرورتاً واقعیت ذهنی آن هم موجود بود و لذا مارکس و مارکسیست‌ها می‌خواهند چیزی که وجود ندارد را به‌وجود بیاورند. نزد بورديو همین تفاوت‌ها، تمایزها و تضادها هستند که آگاهی‌ها و هویت‌ها را پدید می‌آورند. به این ترتیب آگاهی و هویت پدیده‌هایی صرفاً اجتماعی‌اند.

بورديو تلاش می‌کند ضمن ساختارگرا ماندن، از سایر ساختارگرایان فاصله بگیرد و نوعی کنشگری فعال برای افراد نگه‌دارد. به‌نظر می‌رسد در این دو هدف به یک میزان موفق نبوده است. او از ساختارگرایی فاصله می‌گیرد و به ساخت‌گرایی نزدیک می‌شود و هر چند به نحوه ادراک و ساخت واقعیت اجتماعی از سوی افراد بر مبنای جایگاهشان در جامعه توجه می‌کند، به ذهنیت و نیت‌مندی افراد قائل نمی‌شود.

اگر مقرر باشد فرد انسانی صرفاً محصول تعامل دو جهان طبیعی و جهان اجتماعی باشد و حقیقتی بیرون از این دو جهان نداشته باشد، چگونه می‌توان انتظار داشت هویتی کاهش‌ناپذیر به این دو به‌دست آورد. فرد صرف این‌که محصول طبیعت و جامعه پنداشته می‌شود، باید در قبال این دو، موجودی آگاه، بالرش و بارزاده شود. سطح و عمق انسان در همین جهان پدیداری قرار دارد و صرفاً هویتی تاریخی (در برابر حقیقی) دارد که از دیالکتیک عوامل طبیعی و اجتماعی به‌دست می‌آید. در چنین جهان اجتماعی شاید منطقاً حق با کل‌گرایان و ساختارگرایان باشد که تقدم فرهنگ و جامعه را بر فرد انسانی می‌پذیرند. ولی مشکل آنجا رخ می‌نماید که بخواهند به این پرسش پاسخ دهند که «فرهنگ و جامعه خود چگونه به‌وجود آمده‌اند؟» چنین رویکردهایی عمدتاً تصویری تُنک‌مایه از فرد انسانی دارند! همچنان که تلقی‌های «امیستی» عمدتاً از جامعه و فرهنگ تصویری حداقلی دارند!

#### منابع

۱. آرون، ریمون. مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی. تهران. ۱۳۷۵.
۲. کرایب، یان. نظریه اجتماعی مدرن، از پارسونز تا هابرماس. ترجمه عباس مخبر. نشر آگه. تهران. ۱۳۸۱.
۳. بورديو، پی‌یر. نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی. ترجمه مرتضی مردیپا. انتشارات نقش و نگار. تهران. ۱۳۸۹.



### مقدمه

انتخاب محتوا و سازمان‌دهی آن می‌رسد. (تقی پورظهیر، ۱۳۸۳) تهیه و تدوین محتوای کتاب‌های درسی باید براساس اصول برنامه‌ریزی درسی باشد. در این زمینه تناسب محتوا با نیازها، علاقه‌ها و تجربیات زندگی دانش‌آموزان مورد توجه بوده به‌علاوه برخی ضوابط عملی انتخاب محتوا، شامل ارتباط با مسائل روز و توجه به میراث فرهنگی، پایه‌ای برای آموزش مداوم و فرصت مناسبی برای فعالیت‌های یادگیری چندگانه است و باید مورد توجه واقع شود (مارش، ۲۰۰۳).

«جهانی شدن» فرایند رو به گسترشی است که تمامی عرصه‌ها

«کتاب درسی» در نظام برنامه‌درسی متمرکز ایران اهمیت ویژه‌ای دارد؛ به‌طوری که اغلب فعالیت‌های آموزشی و پرورشی مدارس در چارچوب کتاب درسی و محتوای آن انجام می‌گیرد. (یارمحمدیان، ۱۳۹۰) با توجه به نقش و اهمیت کتاب‌های درسی، وظیفه انتخاب، تنظیم، تدوین و سازمان‌دهی محتوای کتاب‌های درسی بر عهده برنامه‌ریزان درسی است و انتخاب هدف، نخستین عنصر برنامه‌درسی محسوب می‌شود. (ملکی، ۱۳۸۸) بعد از تعیین هدف، نوبت به

# آموزش جهانی در تعلیمات اجتماعی ایران

دکتر رضا جعفری‌هرندی،

استادیار دانشگاه قم

رضا وفایی، حسن نجفی،

کارشناسان ارشد مطالعات برنامه‌درسی دانشگاه شاهد تهران





مرزهای ملی محدود باشد و باید به دانش‌آموزان و دانشجویان کمک کند تا راه‌هایی را که از طریق آن‌ها می‌توانند زندگی خود و دیگر انسان‌ها را در سراسر جهان غنی سازند، کشف و به آن‌ها عمل کنند. (کدیور، ۱۳۸۴)

تحولات جهانی از جمله گسترش روزافزون دامنه ارتباطات به یاری پیشرفت‌های علمی و فناوریانه سبب به هم پیوستگی و درهم تنیدگی مسائل جهانی شده است این وضعیت جدید اقتضات و الزاماتی را در همه حوزه‌های تأثیرگذار زندگی انسان و در ابعاد فردی و اجتماعی به دنبال داشته است و آموزش و پرورش به شکل عام و حوزه برنامه‌های درسی به شکل خاص نیز از این امر برکنار نبوده‌اند.

در این زمینه می‌توان گفت که نهاد اجتماعی آموزش و پرورش چون سایر نهادها در خلأ عمل نمی‌کند و نه تنها جزئی از کل به حساب می‌آید بلکه در معادلات بین‌المللی نیز جزئی از کل نظام جهانی به شمار می‌رود و طبعاً با سایر جریان‌های اجتماعی در کنش متقابل است. (علاقه‌بند، ۱۳۷۹)

جهانی شدن بر جوانب گوناگون زندگی تأثیر می‌گذارد. این تأثیر نه فقط بر اقتصاد و سیاست و مناسبات اجتماعی، بلکه بر فرهنگ‌ها، نظام‌های آموزشی و هویت مردمان نیز مشاهده می‌شود. برنامه‌ریزی ثمربخش و نوآوری در آموزش و پرورش زمان ما نمی‌تواند بدون توجه دقیق و عمیق به تأثیرات جهانی شدن در تعلیم و تربیت کشورها و ملت‌ها رخ دهد. سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در آموزش و پرورش نیازمند یافته‌های روشن پژوهشی درباره مفهوم جهانی شدن و چگونگی میزان تأثیر مستقیم و غیرمستقیم آن بر جوانب گوناگون برنامه‌ها و کارکردهای آموزش و پرورش است. (محمدجانی و همکاران، ۱۳۹۲)

نهاد آموزش و پرورش به شدت تحت تأثیر رویکردهای جهانی قرار دارد و با توجه به هدف مهم مدرسه که آماده‌سازی کودکان و نوجوانان برای زندگی در جامعه است، انتظار می‌رود که آموزش و پرورش با تغییرات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در سطح ملی و بین‌المللی متناسب، هم‌سو و هم‌جهت باشد. اگر آموزش و پرورش با رویکردهای جهانی هم‌سو نباشد، منسوخ خواهد شد و آموزش‌های غیررسمی و فراملی جای آن را خواهند گرفت. (تافلر، ۱۳۷۷)

**کلیدواژه‌ها:** تحلیل محتوا، کتاب درسی، دوره ابتدایی، مسائل جهانی

### بیان مسئله

آموزش و پرورش برای پویایی و بالندگی ناگزیر است مدرسه را به دنیای واقعی پیوند بزند و در کنار ارائه دانش‌های تخصصی در رشته‌های علمی، به دانش‌آموزان کمک کند دانش و مهارت‌هایی را کسب کنند تا بتوانند در مواجهه با وضعیت و اقتضات عصر جدید از جمله جهانی شدن، موفق باشند. در جهانی که فناوری در آن شتابان تغییر می‌کند و دانش به‌نحو روزافزون تولید می‌شود، آموزش و پرورش باید بیش از مجموعه‌ای خاص از اطلاعات را تعلیم

را درنور دیده و تمامی کشورهای جهان را به طریقی درگیر کرده است. در واقع جهان را به دهکده‌ای تبدیل کرده است که در آن، وظیفه مرزها حداقل تعیین قلمرو کشورهاست و همه چیز در دنیای بین‌الملل و جوامع در حال انتقال است. از این‌رو، جهانی شدن برنامه‌های درسی در صدد تدارک فرصت‌های رشد و توسعه شخصی و حرفه‌ای همه دانش‌آموزان و دانشجویان حاضر در صحنه جهانی و براساس نگرستن به تمام افراد در سطح جهان به‌عنوان شهروند جهانی است. در آموزش و پرورش جهانی نیز برنامه درسی نمی‌تواند به



دهد. آموزش و پرورش باید به بسط و شکوفایی قابلیت‌های آدمی بپردازد و مہیای پرورش شهروند جهانی باشد. (عطاران، ۱۳۸۲)

آموزش جهانی بر این موضوع تأکید دارد که آموزش باید دانش‌آموزان را به شیوه‌ای آماده سازد که بتوانند با حداقل مشکل با نیازهای جدید و پرشتاب و پرتغییری که در آن زندگی می‌کنند، کنار بیایند. آموزش‌های ارائه شده در آنچه آموزش جهانی نامیده می‌شود، باید به دانش‌آموزان کمک کند تا راه‌هایی را که از طریق آن‌ها می‌توانند زندگی خود و دیگر انسان‌ها را در سراسر جهان غنی سازند، کشف و به آن‌ها عمل کنند. به‌طور کلی، آموزش جهانی خواستار آن است که یادگیرندگان خود را به‌عنوان شهروند جهانی تلقی کنند؛ به‌طوری که توانایی مقابله و سازگاری با مسائل جهانی را داشته باشند. (کیامنش، ۱۳۸۳)

انسان امروزه صرفاً موجودی منحصر در خانواده، جامعه و کشور خود نیست، بلکه بخش جدایی‌ناپذیر از جهان بشری و مناسبات جهانی است. چه بخواهیم و چه نخواهیم، هر فردی متأثر از مناسبات جهانی است و به‌صورت موجود جهانی در آمده است. از این‌رو برنامه‌های درسی باید بر مهارت‌های فردی مورد نیاز فراگیرنده، مهارت‌های مورد نیاز زندگی جمعی و مهارت‌های مورد نیاز شهروند جهانی تأکید کنند. به‌طور کلی، طراحان برنامه آموزش جهانی، آموزش در راستای مسائل جهانی را از طریق اهداف جزئی‌تر و طرح مفاهیم خاصی نظیر محیط‌زیست، حقوق بشر، صلح، سلامتی و بهداشت، جامعه چندفرهنگی بیگیری می‌کنند. (لطف‌آبادی، ۱۳۸۵)

### ضرورت و اهمیت

با پذیرش اهمیت توجه به ابعاد جهانی در امر تعلیم و تربیت و ضرورت توجه به مؤلفه‌های آموزش جهانی در برنامه درسی، اگر آموزش و پرورش بخواهد در جهت توجه به تحولات جهانی حرکت کند، باید مواردی از قبیل رشد و توسعه، محیط‌زیست، فرهنگ شهروندی، بهداشت و سلامت، صلح‌دوستی، برابری و عدالت، فناوری و... توجه داشته باشد. در همه این موارد، آموزش صحیح حکم پیشگیری اولیه را دارد. برنامه‌های درسی محمل مناسبی برای ارائه دانش، تغییر نگرش و آموزش مهارت‌هایی به دانش‌آموزان، بزرگسالان و تصمیم‌گیرندگان اولیه خواهند بود. بررسی وضعیت موجود کتاب‌های درسی از این نظر اهمیت دارد که تصویر دقیقی از کم و کیف توجه به این مضامین به‌دست می‌دهد و در حکم بررسی وضعیت موجود، بینش‌های لازم را برای برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران طراحی برنامه‌های درسی به‌منظور تدوین برنامه‌ها و پوشش دادن حیطه‌ها و برنامه‌های درسی مغفول فراهم می‌آورد.

### پیشینه تحقیقات داخلی

**جعفری و همکارانش (۱۳۸۴)** در پژوهشی با عنوان «بررسی جهانی شدن در نظام‌های نوین آموزشی» به این نتیجه رسیدند که برنامه درسی آموزش جهانی، برای گروه‌های درون‌مدرسه‌ای و گروه‌های اجتماع بیرونی، در مدارس ارائه شود. برنامه‌ریزان،

دست‌اندرکاران و مربیان نظام آموزشی در راستای مسائل جهانی باید فعالیت‌هایی را به عهده بگیرند که این فعالیت‌ها شامل موارد زیرند:

**۱ اصلاح هدف‌های کلی و هدف‌های عینی برنامه‌های درسی.**

**۲ بسط محتوای آموزش جهانی به آن اندازه که در برنامه درسی منعکس شود.**

**۳ تقاضا برای برنامه درسی آموزش جهانی برای گروه‌های درون‌مدرسه‌ای و گروه‌های اجتماع بیرونی.**

**رضایی (۱۳۸۷)** پژوهشی با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی بر مبنای مؤلفه‌های آموزش جهانی» را به انجام رساند که هدف اصلی آن تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی در راستای مؤلفه‌های آموزش جهانی بود. مؤلفه‌های پژوهش شامل آموزش صلح، آموزش محیط‌زیست و آموزش سلامت می‌شد که لازمه تربیت شهروند جهانی در هزاره سوم هستند و توسط سازمان‌هایی چون یونسکو و یونسف نیز دنبال می‌شوند.

**حکیمزاده و همکارانش (۱۳۸۶)** در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره راهنمایی با توجه به مسائل و مباحث روز جهانی در حوزه برنامه‌های درسی» نشان داد که در حالی که به آموزش محیطی و آموزش چندفرهنگی بیش از حد انتظار، و آموزش شهروندی و توسعه در حد انتظار پرداخته شده است، به آموزش سلامت، آموزش، برابری، صلح و حقوق بشر، و آموزش رسانه‌ها و فناوری اطلاعات، کمتر از حد انتظار پرداخته شده است.

### پیشینه تحقیقات خارجی

**کرک‌وود (۲۰۰۱)** در پژوهشی برای رسیدن به فهم دیدگاهی جهانی، ابعادی را مطرح می‌کند که دانش‌آموز را برای دستیابی به آگاهی جهانی آماده می‌سازد. این ابعاد شامل آگاهی دیدگاهی، آگاهی از وضع کره زمین، آگاهی از فرهنگ‌های مختلف و آگاهی از تغییرات جهانی هستند. برای رسیدن به اولین بعد دانش‌آموزان باید دیدگاه‌های سایر مردم را درک کنند. بعد دوم، یعنی آگاهی از وضع کره زمین، نیازمند درک شرایط جهان و وسایل جهانی مانند رشد جمعیت، کمبود منابع و درگیری‌های داخلی و خارجی است و ضرورت دارد که دانش‌آموزان از دنیای اطرافشان آگاهی داشته باشند. در بعد سوم، او معتقد است ارتباط مداوم با فرهنگ‌های دیگر فاصله‌های فرهنگی را کم می‌کند. برای داشتن آگاهی از تغییرات جهانی، فرد باید دنیا را به‌صورت سیستمی به‌هم مرتبط از سازوکارهای پیچیده و نتایج غیرقابل پیش‌بینی بشناسد.

**جانل تاکر (۱۹۹۱)** در تحقیقی با عنوان «ضرورت آموزش جهانی برای درس مطالعات اجتماعی مدارس متوسطه»، در پاسخ به این سؤال که آیا اصلاً آموزش جهانی باید باشد یا نه؟ نتیجه گرفت که تغییرات اساسی جهانی در راه‌اند و مطمئناً ما در سال‌های آتی شاهد مسائل و مشکلات جهانی مختلفی خواهیم بود. به‌همین دلیل دانش‌آموزان ما باید درباره این مسائل و مشکلات آگاهی داشته





باشند و لازمه رسیدن به این آگاهی، آموزش جهانی خواهد بود. هدف آموزش جهانی گسترش درک فرد از دنیای پیرامونش است. افرادی که آگاهی جهانی دارند، چندفرهنگی و فراملیتی‌اند و شرایط انسان‌ها را درک می‌کنند. درس‌های مطالعات اجتماعی باید اطلاعات و دانش مربوط به سایر نقاط جهانی را در برگیرد تا دانش‌آموزان بتوانند روابطشان را با سایر مردم، سایر فرهنگ‌ها و مسائل جهانی بهتر درک کنند. لازمه رسیدن به این امر نیز دستیابی به دیدگاهی جهانی است.

**روزالی تربولو** (۱۹۹۸) در تحقیقی تحت عنوان «آموزش برای شهروندی جهانی و دیدگاه‌های جهانی در تدریس» اذعان می‌دارد که با وجود ارتباطات در جهان کنونی و پدیده‌های مشترک جهانی مانند نازک شدن لایه اوزون، فقط تعداد کمی از دانش‌آموزان خود را در دنیای به هم وابسته می‌بینند. به همین دلیل، این پژوهش به آگاه‌سازی معلمان از وجود یک دیدگاه جهانی در برنامه درسی و فهمیدن آن توجه دارد، ولی هدف نهایی آن توانمند کردن دانش‌آموز است تا بتوانند دانش، مهارت، ارزش‌ها و رفتارهایی مطابق با شهروندی جهانی کسب کنند.

**کنت تای** (۲۰۰۳) در پژوهشی با عنوان «جهانی شدن و آموزش

جهانی برای تربیت شهروندان جهان»، با تأکید بر اهمیت برنامه‌های درسی جهان‌نگر، به مطالعه در مورد برنامه‌های درسی ۵۲ کشور جهان پرداخت. نتایج این پژوهش نشان داد که با توجه به قضایای مشترک جهانی، مواردی که بیشتر مورد توجه بوده‌اند عبارت‌اند از: محیط‌زیست، توسعه، ارتباطات بین‌فرهنگی، صلح و حقوق بشر، جمعیت، بهداشت (ایدز) و تبعیض نژادی. در بیانیه «کنفرانس جهانی هلند در مورد آموزش جهانی (۲۰۰۲)»، با اشاره به اینکه زندگی هر روز ما تحت تأثیر ابعاد جهانی است، به آموزش توسعه، آموزش حقوق بشر، آموزش بقاء، آموزش صلح و نبود خشونت و آموزش چندفرهنگی در زمره مواردی اشاره کرده‌اند که باید برای تربیت یک شهروند جهانی در نظر گرفته شوند. به‌منظور شناسایی محورها و مؤلفه‌های مفهومی مطرح در حوزه آموزش جهانی، نتایج پژوهش‌های انجام شده پیشین و همچنین متون مطرح و موجود کشور درباره مسائل و مباحث روز جهانی مورد بررسی قرار گرفت که اطلاعات آن در جدول ۱ آورده شده است. جدول مذکور مبین هفت مؤلفه مفهومی است. قابل ذکر است، مؤلفه‌های مفهومی (واژه‌ها و مضامین) وقتی لحاظ می‌شوند (شمرده می‌شوند) که در متون کتاب‌ها معنای مسائل و مباحث روز جهانی را بدهند.

مؤلفه‌ها	محور
۱. <b>رشد و توسعه:</b> درک و اهمیت کار، آشنایی با اهمیت علم و دانش، توجه به افزایش جمعیت، برابری بیشتر در نظام تجارت جهانی، اهمیت صرفه‌جویی و استفاده درست از منابع	مؤلفه‌های آموزش جهانی در حوزه برنامه درسی
۲. <b>محیط‌زیست:</b> توجه به مشکلات محیط‌زیست و لزوم حفظ آن، معرفی سیاره زمین در حکم مکان مشترک زیست، حفظ جنگل‌ها و اهمیت درختکاری و فضای سبز، حفظ زیست‌بوم‌ها، و رعایت حقوق حیوانات	
۳. <b>فرهنگ:</b> انعکاس تنوع قومی، نژادی و دینی، محیطی و مذهبی، مطالعه فرهنگ‌های دیگر مردم جهان، تقویت روحیه تحمل و پذیرش افکار متفاوت، و ارتباط بین همه فرهنگ‌ها	
۴. <b>شهروندی:</b> مشارکت فعالانه در تصمیم‌گیری‌های مربوط به جامعه، توجه به فعالیت‌های گروهی، داشتن روحیه قانون‌مداری و احترام به قوانین و مقررات جامعه، معرفی سازمان‌های دولتی و وظایف دولت، درک اهمیت مردم‌سالاری، و معرفی سازمان‌های بین‌المللی	
۵. <b>بهداشت و سلامت:</b> بهداشت جسمانی و توجه به نظافت شخصی، آشنایی با کارکرد بدن و اعضای آن، تغذیه سالم و حفظ بهداشت محیط، کنترل هیجان‌ها و بروز احساسات به شکل صحیح، آگاهی در مورد بیماری‌ها، آگاهی در مورد سوء‌مصرف مواد، آگاهی در مورد زیان استعمال دخانیات، و اهمیت ورزش و تندرستی.	
۶. <b>صلح، دوستی، برابری و عدالت:</b> عفو و بخشش و نبود خشونت و درگیری، درک اهمیت صلح در زندگی انسان، پرورش دانش نگرش‌ها و مهارت‌های لازم برای دفاع از حقوق خویش و دیگران، به رسمیت شناختن تفاوت‌های فردی و احترام به حرمت انسان، و حق آزادی و آزادی بیان	
۷. <b>فناوری اطلاعات:</b> ارتباط با مدارس و دیگر دانش‌آموزان در دیگر مناطق از طریق اینترنت، آگاهی از تأثیر رسانه‌ها، مهارت‌های جست‌وجوی اطلاعات و استفاده از فناوری‌های جدید برای بهبود عملکرد درسی، و آموزش استفاده از رایانه و برنامه‌های کاربردی آن	

## روش پژوهش

جهت سؤال‌های پژوهش بود و کتاب‌هایی مورد توجه قرار گرفتند که توقع طرح آموزش جهانی در آن‌ها بیشتر وجود داشت.

### ابزار جمع‌آوری اطلاعات

ابزار گردآوری داده‌ها، فهرست‌وارسی (چک‌لیست) تحلیل محتوای کتاب‌های درسی محقق ساخته بوده که به‌منظور ساخت آن، ابتدا نتایج پژوهش‌های انجام شده در زمینه مؤلفه‌های آموزش جهانی در حوزه برنامه درسی و همچنین متون مطرح و موجود در زمینه فوق به‌منظور دستیابی به محورها و مؤلفه‌های مفهومی مرتبط با موضوع، مطالعه و بررسی شد که نتایج این بررسی با یک محور و هفت مؤلفه مفهومی در جدول ۱ آورده شده است.

### روش‌های تجزیه و تحلیل اطلاعات

تحلیل آماری داده‌های پژوهش در سطح توصیفی و تحلیلی انجام پذیرفت و در این ارتباط از شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی، چون فراوانی، درصد، میانگین، رتبه‌بندی و جدول‌های توصیفی استفاده شد.

### یافته‌های پژوهش

۱ مؤلفه‌های آموزش جهانی کدام‌اند؟

۲ در مجموع کتاب‌های تعلیمات اجتماعی پایه‌های دوره ابتدایی، به چه میزان به مفاهیم مرتبط با آموزش جهانی در حوزه برنامه درسی پرداخته شده است؟

بر اساس نتایج جدول ۲ و نمودار ۱، مجموع فراوانی مؤلفه‌های تحلیل شده در خصوص میزان توجه به مفاهیم مرتبط با آموزش جهانی در حوزه برنامه درسی در کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی، ۱۸۵ مورد است. از بین مؤلفه‌های مفهومی تحلیل شده، بیشترین توجه به مؤلفه صلح و دوستی و برقراری عدالت با ۵۰ مورد فراوانی، یعنی ۲۷ درصد و کمترین میزان توجه به مؤلفه بهداشت و سلامت با ۱ فراوانی، یعنی در حدود ۱ درصد صورت گرفته است. با توجه به جدول ۲، بیشترین میزان توجه به مؤلفه‌های مسائل و مباحث روز جهانی در پایه ششم ابتدایی با ۱۱۸ مورد فراوانی، یعنی ۶۴ درصد و کمترین میزان توجه به مؤلفه‌ها مسائل و مباحث روز جهانی مربوط به پایه اول ابتدایی با ۲۱ فراوانی، یعنی ۱۱ درصد است.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های آموزش جهانی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی (چهار کتاب) در راستای سؤال‌های اصلی پژوهش انجام شد و طی آن، هفت مؤلفه مرتبط با مفاهیم و آموزش جهانی در محتوای کتاب‌های درسی مذکور بررسی شد. نتایج حاصل از بررسی سؤال‌های پژوهش نشان داد که: کتاب تعلیمات اجتماعی پایه ششم (با ۱۱۸ مورد) نسبت به کتاب‌های تعلیمات اجتماعی پایه‌های دیگر ابتدایی، از جمله تعلیمات اجتماعی پایه پنجم (۲۴ فراوانی یعنی ۱۳ درصد)، کتاب

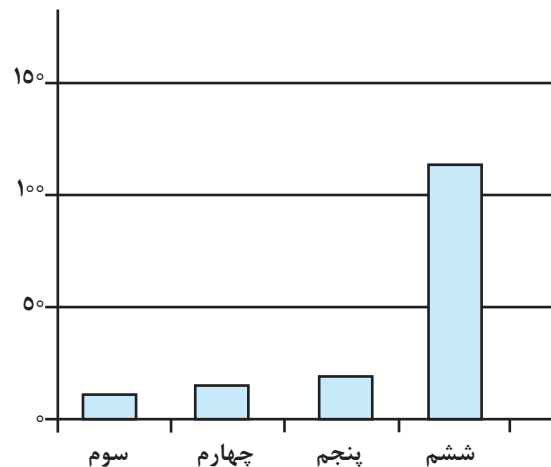
با توجه به تحلیل کمی، عینی و نظام‌دار کتاب‌های درسی در زمینه توجه به آموزش جهانی و همچنین ابزار مورد استفاده، روش پژوهش توصیفی و از نوع تحلیل محتوا بوده است. برلسون (۲۰۰۴) تحلیل محتوا را روشی پژوهشی برای توصیف عینی، منظم و کمی محتوا دانسته است. «واحد ثبت» در این تحقیق، مضمون است. واحد ثبت به بخش معنادار و قابل رمزگذاری محتوا اطلاق می‌شود و روش شمارش نیز، فراوانی است. مقوله‌بندی در این تحقیق با «روش جعبه‌ای» صورت گرفت. در این روش طبقات (مقوله‌ها) قبل از اجرای تحقیق تعیین می‌شوند و به‌همین دلیل به آن، روش از پیش تعیین شده نیز می‌گویند (نوریان، ۱۳۸۷).

### جامعه و نمونه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل کتاب‌های دوره ابتدایی، یعنی ۴۳ عنوان کتاب بود که وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۲ چاپ کرده است. انتخاب دوره ابتدایی به این دلیل بود که باید بر آموزش پایه در دوره ابتدایی تأکید شود و دانش‌آموزان برای شروع آموزش‌های عمومی آماده شوند. از این رو می‌توان انتظار داشت که در محتوای کتاب‌های درسی توجه بیشتری به آموزش‌های همه‌جانبه و جهان‌نگر و مرتبط با مسائل و قضایای مشترک جهانی مبدول شود. نمونه مورد بررسی شامل چهار کتاب دوره ابتدایی، یعنی تمام کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی بود. روش نمونه‌گیری هدفمند و در

پایه‌ها / مؤلفه‌ها	سوم	چهارم	پنجم	ششم	فراوانی	درصد
رشد و توسعه	۳	۲	۱۱	۲۳	۳۹	۲۱٪
محیط زیست	۱۸	۴	۵	۱۵	۴۲	۲۳٪
فرهنگ	۰	۰	۰	۳۰	۳۰	۱۶٪
شهروندی	۰	۸	۰	۷	۱۵	۸٪
بهداشت و سلامت	۰	۰	۱	۰	۱	۱٪
صلح و دوستی و برقراری عدالت	۰	۴	۷	۳۹	۵۰	۲۷٪
فناوری اطلاعات	۰	۴	۰	۴	۸	۴٪
جمع	۲۱	۲۲	۲۴	۱۱۸	۱۸۵	۱۰۰٪
درصد	۱۱٪	۱۲٪	۱۳٪	۶۴٪	۱۰۰٪	***

جدول ۲: نتایج تحلیل محتوای کتاب تعلیمات اجتماعی پایه‌های دوره ابتدایی به‌لحاظ توجه به مفاهیم مرتبط با آموزش جهانی به تفکیک مؤلفه و پایه



تعلیمات اجتماعی پایه چهارم (۲۲ فراوانی، یعنی ۱۲ درصد) و کتاب تعلیمات اجتماعی پایه سوم ابتدایی (با ۲۱ فراوانی، یعنی ۱۱ درصد)، بیشترین توجه را به مؤلفه‌های آموزش جهانی داشته است. رتبه اول توجه به مؤلفه‌های مرتبط با آموزش جهانی را مؤلفه صلح و دوستی و برقراری عدالت با (۵۰ فراوانی، یعنی ۲۷ درصد) به خود اختصاص داده است. در مجموع کتاب‌های مذکور توانسته‌اند تا حدودی به مؤلفه‌های مرتبط با آموزش جهانی در حوزه برنامه درسی توجه کنند؛ هرچند در برخی از کتاب‌های مذکور، مؤلفان می‌توانستند به آموزش جهانی در حوزه برنامه درسی اشاره بهتری داشته باشند. کتاب‌های درسی وظیفه انتقال و اشاعه مسائل و مباحث روز جهانی را به کودکان بر عهده دارند و نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که میزان توجه فعلی به مفاهیم مرتبط با آموزش جهانی، تحت تأثیر مواردی همچون نگرش برنامه‌ریزان درسی، ترجیحات مؤلفان کتاب‌های درسی در مورد مباحث گوناگون، محدودیت در حجم کتاب‌های درسی، و تلقی کافی بودن فراوانی‌های بیان شده در کتاب‌های درسی قرار دارد که لازم است، با بررسی‌های میدانی و استفاده از نظرات صاحب‌نظران، کافی بودن مباحث ارائه شده مورد بررسی دقیق‌تری قرار گیرد.

### پیشنهادهای عملی

● کارشناسان دفتر تألیف کتاب‌های درسی می‌توانند هنگام تألیف یا تغییر و اصلاح کتاب‌ها، از محورها و مؤلفه‌های این پژوهش استفاده کنند. در حال حاضر، با توجه به تغییر در نظام آموزشی و تغییر دوره ابتدایی از پنج سال به شش سال و تغییر در کتاب‌های درسی آن دوره، موقعیت مناسبی برای استفاده از محورهای مذکور ایجاد شده است. نتایج پژوهش نیز می‌تواند زمینه‌ای برای بررسی و بازنگری محتوای کتاب‌های درسی فراهم آورد تا دست‌اندرکاران تألیف کتاب‌های درسی با مرور نتایج حاصل به بسترهای موجود و احیاناً غفلت‌های انجام شده بیشتر واقف شوند و در بازنگری‌های پیوسته برنامه‌های درسی و پشتیبانی آن‌ها در نظام آموزشی کشور، به اصلاح، ترمیم و تکمیل مطالب کتاب‌های درسی مذکور بپردازند.

● از آنجا که تمام درس‌های مورد بررسی در پژوهش حاضر به تعبیر صاحب‌نظران از جمله درس‌هایی بوده‌اند که امکان توجه به مباحث مرتبط با آموزش جهانی در حوزه برنامه درسی را در خود داشته‌اند ولی در برخی موارد به‌طور شایسته عمل نشده است، می‌توان ضمن تشویق کارشناسان تألیف کتاب‌هایی که در این راستا موفقیت قابل‌قبولی داشته‌اند، از آن‌ها در راستای آشناسازی بیشتر سایر گروه‌های تألیف کتاب‌های درسی با نحوه انتقال و توسعه این مفاهیم کمک گرفت.

● انتظار می‌رفت کتاب‌های تعلیمات اجتماعی در این راستا به مفاهیم مرتبط با مسائل و مباحث روز جهانی در حوزه برنامه درسی توجه بیشتری نشان دهند که در طول راه پژوهش مشخص شد به این مقوله کم توجه شده است. شایسته است دست‌اندرکاران کتاب‌های مذکور حداقل در حد انتظار در این درس‌ها بیش از پیش به این مفاهیم توجه کنند.

● همه کتاب‌های مورد بررسی، همچنان زمینه توجه بیشتر به مبحث مهم مؤلفه‌های آموزش جهانی را در خود دارند، به‌طوری که طی بحث و نتیجه‌گیری مواردی از فرصت‌های احتمالی موجود در کتاب‌های درسی که مورد غفلت واقع شده بودند، بازگویی و بازشناسی شدند. در این راستا باید اذعان داشت که برای تغییر رفتار کودکان و نوجوانان لازم است، این موضوع از طرف نویسندگان در متن‌های مربوط به شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم در کتاب‌ها بیان شود. البته باید توجه داشت، سطح آموزش برخی از مفاهیم مرتبط با آموزش جهانی در حوزه برنامه درسی فراتر از دوره سنی دانش‌آموز ابتدایی است.

● در برخی از درس‌های کتاب‌های مورد بررسی، زمینه اینکه به‌طور روشن‌تری به محورها و مؤلفه‌های مفهومی مرتبط با آموزش جهانی در حوزه برنامه درسی پرداخته شود، وجود دارد، ولی چنانچه باید، از بسترهای مذکور استفاده نشده است.

● مؤلفان می‌توانند با گنجاندن مطالبی در خصوص مفاهیم مرتبط با آموزش جهانی در حوزه برنامه درسی در برخی از درس‌های دیگر همچون ریاضی، و... (مثلاً در تمرین‌های آن‌ها)، بر رسالت خود در انتقال این مباحث از طریق کتاب‌های درسی موفق‌تر باشند.

● دست‌اندرکاران آموزش و پرورش می‌توانند به کمک آموزش‌های ضمن خدمت، اهمیت پرداختن به مفاهیم مرتبط با آموزش جهانی در حوزه برنامه درسی را برای معلمان، دبیران و... توضیح دهند و تشریح کنند تا آنان نیز به نوبه خود در فرصت‌ها و مناسبت‌های گوناگون موضوع را برای دانش‌آموزان شرح دهند تا این مباحث به برنامه درسی پنهان یا برنامه درسی مغفول تبدیل نشوند.

● معلمان می‌توانند با دعوت از افراد مطلع در این حوزه به کلاس، موضوع را بهتر برای دانش‌آموزان تشریح کنند.

منابع در دفتر مجله موجود است

مروری بر آرا و اندیشه‌های تربیتی امانوئل کانت

# تربیت اخلاقی و مهارت اجتماعی



دکتر افضل السادات حسینی

دانشیار دانشگاه تهران

طاهره جلالوند

کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

## اشاره

**امانوئل کانت** فیلسوف گران قدری است که علاوه بر فلسفه نظری، مسائل و مشکلات حوزه اجتماعی آدمیان را مورد توجه قرار داده است. وی در این مسیر با طرح این پرسش که آیا آدمیان طی تاریخ رو به پیشرفت بوده‌اند، به این پاسخ می‌رسد که آنچه بشر، به ظاهر آن را پیشرفت می‌بیند، در شکل ظاهری آن یعنی نهادها و سازمان‌های مدنی است، نه پیشرفت در اخلاق و قانون اخلاقی. (ذکاوتی قره‌گوزلو، ۱۳۸۷) به نظر کانت، فیلسوفان و مربیان باید گرد هم آیند و آرمان‌هایی برای یک نظام جدید مدرسه‌ای پدید آورند که مبتنی بر قانون اخلاقی و مقام فردی باشد.

## کلیدواژه‌ها: کانت، تربیت اخلاقی، مهارت‌های اجتماعی، خودآگاهی، ثبات رأی

کانت تعلیم می‌دهد که انسان باید حس اخلاقی خویش را پرورش دهد و در این رابطه همه دست‌اندرکاران طرح‌های آموزش و پرورش را متوجه یک اصل تربیتی می‌کند؛ اصلی که همواره باید پیش روی خود داشته باشند؛ این اصل که تربیت باید همواره با ایده کل انسانیت و با کل سرنوشت انسان سازگار باشد. (کانت، ۱۳۷۴) وی معتقد است اخلاقی بودن باید از راه تربیت حاصل شود و بر حس وظیفه‌شناسی شدید بنا شود. بدین ترتیب کانت با طرح فرمان‌های اخلاقی و تحلیل مفهوم وظیفه و تکلیف، پرورش منش و اراده نیک، توانسته است نگرش خاص و منحصر به فردی را که زمینه‌ساز توفیقات بسیاری در زمینه رفتار و کردار اجتماعی است، ارائه کند.

بنابر نظر وی، سرچشمه اخلاق و قانون اخلاقی، وجدان آدمی یا خرد عملی است. این قانون که چون قطب‌نمایی راهنمای آدمی است با دو اصل قابل ارزیابی است:

«چنان رفتار کن که بتوانی بخواهی اصل رفتار تو، قانونی همگانی شود.

«چنان رفتار کن که در رفتار تو، انسان و انسانیت همواره هدف باشد و هیچ‌گاه چون وسیله صرف در نیاید.» (سالیوان، ۱۳۸۹)

## مهارت‌های اجتماعی

اجتماعی شدن مستلزم بیان الگوها و ارزش‌هایی است که توسط جامعه و گروه‌های اجتماعی انتقال می‌یابند. متغیرهای مربوط به الگوها و ارزش‌ها، اخلاقیات، دیگر دوستی، تعلق و... همگی از متغیرهای اجتماعی شدن به حساب می‌آیند. (برزینکا، ۱۳۷۱) پژوهش‌های به عمل آمده در زمینه مهارت‌های اجتماعی نشان داده‌اند که رفتارهایی نظیر همکاری، مسؤلیت‌پذیری، همدلی، خویش‌داری و خودانگیزی در دسته‌بندی‌های مربوط به مهارت‌های اجتماعی قرار می‌گیرند. (نصر اصفهانی، فاتحی‌زاده و فتحی، ۱۳۸۳: ۷) براساس دیدگاه روانی اجتماعی که توسط **گرشام** (۲۰۰۲) ارائه شده است، مهارت‌های اجتماعی رفتارهای خاصی هستند که فرد برای عملکرد شایسته روی یک تکلیف اجتماعی نشان می‌دهد. از نظر **مک گوایر و پریستلی** (۱۹۸۱) مهارت‌های اجتماعی رفتارهایی هستند که شالوده ارتباط‌های موفق رودرو را تشکیل می‌دهند (خانزاده، ۱۳۸۹: ۲۵).

دیدگاه‌های مربوط به مهارت‌های روابط انسانی و مردمی، اجتماعات بشری را مهم‌ترین بخش از واقعیت‌های زندگی می‌دانند و بر این نظرند که فرد باید یاد بگیرد که جای خود را در اجتماعات پیدا کند، دیگران را مراعات کند، امیال خودخواهانه را مهار سازد و حس عدالت، شهامت، دوست داشتن و شادی خدمت به دیگران را به خوبی درک کند. (بولتون، ۱۳۸۳) بنابراین، رفتارهای اجتماعی مناسب پایه‌های سازش‌یافتگی شخصی و اجتماعی را در زندگی تشکیل می‌دهند و برخورداری از مهارت‌های اجتماعی در این راستا، به افزایش توانایی‌های افراد منجر می‌شود و نشان‌دهنده میزانی از قابلیت‌هایی است که تمامی افراد برای مقابله و سازش با نیازهای روزمره محیط اجتماعی به آن‌ها نیازمندند. پس از مفهوم‌شناسی تربیت اخلاقی کانتی و مهارت‌های اجتماعی، به بررسی نسبت‌های بین این دو حوزه که متناظر بر یکدیگرند، می‌پردازیم.

## نسبت میان تربیت اخلاقی و مهارت اجتماعی

توجه دقیق به مفاهیم تربیت اخلاقی کانت و مهارت‌های اجتماعی نشانگر آن است که این دو حوزه در چشم‌انداز خود مفاهیمی را مدنظر قرار می‌دهند که در تعاملات روزمره افراد به شدت مطرح‌اند، به طوری که می‌توان مقصود هر دو را مبنایی اساسی برای قواعد و معیارهای رفتاری انسان‌ها در نظر گرفت. آنچه که در پی می‌آید قواعد مشترک متناظر بر تربیت اخلاقی کانت و مهارت‌های اجتماعی است که در قالب هفت قاعده مشترک بیان می‌شود:

### ۱ قاعده آگاهی از خویش‌ستن (خودآگاهی و خودپنداره فرد): از نظر کانت، هنگامی که به خویش‌ستن

و جهان، از نظرگاه عملی می‌نگریم، باید هم در مقام عامل عمل کنیم و هم درباره عمل خویش بیندیشیم و از این نظر، ضرورتاً خویش‌ستن را آزاد و مسئول منش اخلاقی خود بدانیم. (صانعی دره‌بیدی، ۱۳۸۸: ۲۵) از این روی کانت معتقد است باید از حیث عملی، آگاهی خود از خویش‌ستن را به عنوان عامل تحلیل کنیم. فاعل فعل اخلاقی به گونه‌ای عمل می‌کند که اعمال و افعال او دارای علت‌اند و به همین دلیل وی می‌تواند تصمیم بگیرد و نیاتش را از امیالش متمایز سازد. او اجازه نمی‌دهد که امیالش همواره بر او غلبه کنند، بلکه گاهی در برابر آن‌ها مقاومت می‌ورزد و آن‌ها را منقاد می‌سازد. (کورنر، ۱۳۸۹) در نگاه صاحب‌نظران دیدگاه‌های اجتماعی نیز نخستین و زیربنایی‌ترین مهارت از مهارت‌های مورد نیاز، مهارت خودآگاهی است. خودآگاهی، توانایی شناخت خود، و آگاهی از ویژگی‌ها، نقاط ضعف و قوت، خواسته‌ها، ترس‌ها و انزجارهاست. خودپنداره نیز تصویری است که هر کس درباره خود دارد و نقش مهمی در خودآگاهی و در نتیجه، سلامت روانی افراد ایفا می‌کند. سرانجام، خودشناسی مقدمه ارتباط مؤثر با دیگران قلمداد می‌شود. (بولتون، ۱۳۸۳) واقف بودن به خصوصیات و توانایی‌های خویش به این منجر خواهد شد که به افکار و احساساتمان بیندیشیم، قادر به حل مشکل خویش باشیم و بتوانیم یک سلسله رفتارهای جهت‌دار را آغاز کنیم یا مانع بروز آن‌ها شویم. (ماسن و همکاران، ۱۳۶۸: ۱۹۳)

### ۲ قاعده عزم و ثبات رأی (قاطعیت و جرئت ورزی): کانت عزم و ثبات رأی را پایه و مایه منش آدمی و

آن را برخاسته از اراده ذکر می‌کند. پس اراده مبنای اخلاق است و برای رشد اخلاقی، بی‌شک داشتن اراده‌ای نیرومند لازم می‌آید. (شکوهری، ۱۳۷۴: ۵۵) دیگر پژوهشگران اخلاقی، عزم و ثبات رأی را جوهره انسانیت و حیات انسان‌ها را حیات ارادی آن‌ها دانسته و آن را موجد تقید برای انسان‌ها برشمرده‌اند؛ تقیدی که به عمل انسان‌ها بر مبنای

شناخت و آگاهی منجر می‌شود. (عالمزاده‌نوری، ۱۳۸۹) از دیدگاه روابط انسانی و مردمی، قاطعیت و «جرئت ورزشی» به نوعی تداعی‌کننده قاعده عزم و ثبات رأی در نگاه کانت است. این دیدگاه بر آن است که مهارت قاطعیت و ثبات، در عین اینکه موجب ایستادگی فرد بر موضوعات و نظرات خویش می‌شود، اما متوجه آن است که ضمن حفظ رابطه مسالمت‌آمیز با دیگران و سطحی از احترام متقابل، به انتخاب نظرات و عقاید صواب خویش همت گمارد. ایوب و گرشام (۱۹۹۱) نیز در مهارت جرئت ورزشی، از پاسخ‌دهی قاطع به دیگران یاد می‌کنند. در همین زمینه، **رین و مارکل**، (۱۹۸۷) قاطعیت و رد تقاضای غیر معقول و مخالفت با آن را به عنوان یکی از طبقات چهارگانه مهارت اجتماعی خویش معرفی می‌کنند. (نصر اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳) شایان ذکر است، هر دو دیدگاه بر اراده‌ای که مستلزم ثبات شخصیتی و قاطعیت لازم برای انجام امور است، اصرار می‌ورزند.

### ۳ **قاعده مسئولیت‌پذیری و تعهد (مسئولیت و الزام در برابر دیگران):** کانت، مسئولیت‌پذیری انسان

را در دو حیطه «تکالیف انسان نسبت به خود» و «تکالیف انسان نسبت به دیگران» تعریف می‌کند. او در این راستا معتقد است تکالیف انسان نسبت به خویش در درجه عالی و اول قرار دارد و مهم‌ترین و اصلی‌ترین تکالیف به‌شمار می‌رود. زیرا بدون توجه به اینکه انسان چه تکالیفی نسبت به خود دارد، نمی‌توان از او انتظار داشت که نسبت به تکالیفش درباره دیگران آگاهی پیدا کند و به خوبی از عهده برآید. وی در توصیف تکالیف انسان نسبت به دیگران، آن را حرمت نهادن به حقوق دیگران ذکر می‌کند و اذعان می‌دارد: «این تکلیف ماست که حقوق دیگران را مراعات کنیم و به عنوان امری مقدس آن را پاس بداریم. در تمام جهان هیچ چیز به اندازه حقوق مردم، مقدس و محترم نیست. حقوق مردم چیزی نیست که بتوان درباره آن چون و چرا کرد و آن را مورد تعرض قرار داد.»

وی به صراحت هر چه تمام‌تر اعلام می‌دارد: «حقوق مردم مأمّن آن‌هاست و از هر سد و مانعی محکم‌تر است. در جهان قانون‌گذار مقدسی وجود دارد و این قانون‌گذار این حق را به‌عنوان امری مقدس به مردم عطا کرده است. (صانعی دره‌بیدی، ۱۳۸۸: ۲۵۵) وی از جمله تکالیف در برابر دیگران را باری رساندن به بهروزی آن‌ها ذکر می‌کند و در این باره می‌گوید: «جایز نیست به افراد نگاه منفعت‌گرایانه و ابزاری داشته باشیم و صرفاً به‌عنوان وسیله‌ای برای ارضای تمایلات شخصی به آن‌ها بنگریم. هرگز جایز نیست از حق محترم شمردن انسان‌ها دست بشوییم و آن‌ها را تا سطح اشیای محض پایین آوریم.» (سالیوان، ۱۳۸۹)

در همین راستا **فیلیپس** (۱۹۷۸) کسی را دارای مهارت اجتماعی می‌داند که بتواند به حقوق، الزامات و وظایف خود دست یابد، بی آنکه به حقوق و الزامات و رضایت خاطر دیگران دست‌اندازی کند. وی همچنین معتقد است که دانستن اینکه چگونه با مردم باید رفتار کرد،

در زمره برخورداری از مهارت اجتماعی قلمداد می‌شود. (کارتلج، میلبرن، ۱۳۷۲) **رین و مارکل** (۱۹۷۸) نیز مهارت اجتماعی را رفتاری می‌دانند که موجب پیشگیری از عواقب نامطلوب می‌شود و بدون آزار و آسیب زدن به دیگران، به نتیجه خوبی می‌رسد. بدین ترتیب دیدگاه‌های اجتماعی نیز معتقدند که مسئولیت‌پذیری انسان‌ها صرفاً در ارتباط با وظایف و تکالیف در قبال خویش تعریف نمی‌شود، بلکه این تکالیف الزاماتی را در پی دارد که این خود سبب می‌شود در برابر این الزامات و تعهداتی که نسبت به دیگران ایجاد می‌شود، بی تفاوت نباشیم و مجهول عمل نکنیم.

### ۴ **قاعده همدلی (هم‌تأثری و همدلی):** کانت فرهنگ انسانی را در دو چیز معنا می‌کند: یکی همدلی و

هم‌تأثری با دیگران، و دیگری توانایی بیان درونی‌ترین احساسات. (ذکاوتی، قره‌گوزلو، ۱۳۸۹) کانت معتقد است که اخلاق نوعاً به وفاداری‌های خاص نیاز دارد. هر چه رابطه‌ای نزدیک‌تر باشد، می‌باید به افراد دخیل در این رابطه بیشتر ببندیشیم و برنامه‌ها و نیازهایشان را با همدلی، از آن خویش بدانیم و بیشتر باید به تحقق دل‌مشغولی‌ها و تعهدات اهمیت دهیم و کمک کنیم. حساسیت ما در قبال آنچه نزد دیگران اهمیت دارد، نشانه احترامی است که به ارزش ذاتی آنان می‌گذاریم. (سالیوان، ۱۳۸۹: ۱۳۵) همدلی از اهم امور در حفظ ارتباطات اجتماعی و میان افراد است. تلاش برای فهم موقعیت زندگی دیگران و زمینه‌سازی برای پذیرش خود در میان دیگران، بخشی از مهارت‌های مهم در همدلی به‌شمار می‌رود. افراد زمانی می‌توانند به یکدیگر کمک کنند که عواطف و تجربه‌های یکدیگر را دریابند. اگر

این تکلیف ماست که حقوق دیگران را مراعات کنیم و به عنوان امری مقدس آن را پاس بداریم در تمام جهان هیچ چیز به اندازه حقوق مردم، مقدس و محترم نیست. حقوق مردم چیزی نیست که بتوان درباره آن چون و چرا کرد و آن را مورد تعرض قرار داد

توانایی درک احساسات و ادراکات دیگران با خودآگاهی صورت گیرد، همدلی اتفاق افتاده است. (بولتون، ۱۳۸۳: ۱۹۳)

**برتراند راسل** در اشاره به همدلی در دامنه‌ای وسیع‌تر به آن پرداخته و اهمیت «هم تأثری» را در این نکته می‌داند که به خویشان و نزدیکان محدود نشود بلکه حتی کسانی را که به هیچ رو به ما وابسته نیستند، دربرگیرد. وی معتقد است اگر چنین شود، بخش بزرگی از بیدادگری‌ها از میان بر خواهد خاست. (نقیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۷۳)

**لوئیس و مایکلسون** نیز همدلی را اولین شرط رشد خودشناسی می‌خوانند که فرد خود را به جای دیگری ببیند و احساسات فرد دیگری را تجربه کند. (خانزاده، ۱۳۸۹: ۵۸)

**۵ قاعده احترام به دیگران (حفظ حقوق متقابل):** انسان‌ها در جامعه نسبت به یکدیگر وظایف متقابل دارند. شناخت این حقوق و انجام آن‌ها و مراعات دو جانبه، ضامن تصحیح روابط و سالم‌سازی معاشرت‌ها و کاهش اختلافات است. (بولتون، ۱۳۸۳: ۱۵۲) از منظر کانت، بی‌حرمتی به دیگران یعنی امتناع کردن از ادای احترام به انسانیتی که به‌طور کلی در وجود آن‌هاست. این امتناع کردن از هر جهت خلاف تکلیف است، زیرا آن‌ها انسان‌اند و حتی هیچ انسان شروزی را به‌عنوان انسان نمی‌توان از احترام محروم کرد. اصولاً کیفیت انسانیت نمی‌تواند مورد بی‌حرمتی واقع شود. هر انسانی طالب احترام از جانب دیگران و متقابلاً ملزم به مراعات احترام دیگران است. (صناعی دره‌بیدی: ۱۳۸۸: ۱۷۵). کانت انسانیت را یک ارزش می‌داند و تصریح می‌کند که همگان ملزم هستند که این ارزش را در هم‌نوعان خویش عملاً پاس دارند و آن را تکلیفی مهم بر عهده انسان‌ها بر می‌شمرد که ضرورتاً لازم است همه مراعات کنند.

**۶ قاعده اطاعت خودآیین (خودتصمیمی و خودمدیریتی):** کانت فرد «خودآیین» را کسی می‌داند که اراده خویش را در دست دارد و اجازه نمی‌دهد کسی دیگر، رهبری او را به‌دست گیرد. «خودمختاری» مورد نظر کانت به روشنی همان اراده «خود پیروی» است که خودآیینی را به منصفه ظهور می‌رساند. خودآیینی در اصطلاح کانت، دال بر توانایی و مسئولیت ماست به دانستن اینکه اخلاق از ما چه می‌خواهد و اینکه چگونه طبق آن عمل کنیم. بنابراین، شخص خودآیین در نگاه کانت کسی است که توانایی لازم خویش را به کار اندازد و مسئولیت انجام آن را بر عهده گیرد. (کانت، ۱۳۷۴: ۴۳) در حقیقت، خودآیینی موجب پرورش حرمت نفس می‌شود و به قول کانت، این کار بیش از هر چیز دیگر به ما انگیزه خواهد داد که آن‌گونه شخصی بشویم که باید باشیم و به نحوی زندگی کنیم که بایسته است. خودآیینی مورد نظر کانت با طرح واژگانی چون «خود تنظیمی»، «خودتصمیمی»، و یا «خودگردانی» در دیدگاه‌های اجتماعی و روابط انسانی تعبیر می‌شود. برخی نظریه‌پردازان، «خودمدیریتی» را در واژگان اخلاقی پیچیده‌اند و اذعان می‌دارند که خودمدیریتی رفتاری از معرفت‌پذیری اجتماعی نشئت می‌گیرد و از نظر اخلاقی قابل دفاع‌تر است. (رضائیان، ۱۳۷۲: ۶۴) خودمدیریتی که با واژگانی چون خودگردانی و «خودمهارگری» هم‌پوشانی دارد، نوعی توانایی پیروی از درخواست معقول، تعدیل رفتار مطابق با موقعیت، به تأخیر انداختن ارضای یک خواسته در چارچوب پذیرفته شده اجتماعی، بدون مداخله و هدایت مستقیم فرد دیگر تعریف شده است. اساس خودگردانی یا خودمهارگری در کنترل فرایندهای درونی و برون‌دادهای رفتاری است که می‌تواند سبب تسهیل رشد اخلاق و وجدان اخلاقی شود. بدین ترتیب می‌توان خودگردانی و خودتنظیمی را بازتاب رشد خویشتن در هر شخصیتی دانست.

**۷ قاعده حسن معاشرت و سلوک اجتماعی (تعادل و ارتباط):** کانت درباره قاعده حسن معاشرت یا قابلیت اجتماعی و سلوک اجتماعی، چنین عنوان می‌کند که انسان موجودی اجتماعی است و در شرایط اجتماعی احساس می‌کند که می‌تواند نیازهای خود را به دیگران ابراز کند. بدین ترتیب وی در جست‌وجوی کسی برمی‌آید که بتواند با اطمینان کامل عقاید خود را ابراز کند و با او عقاید مشترکی داشته باشد. تکلیف انسان هم در قبال خود و هم در قبال دیگران این است که کمالات اخلاقی خود را در روابط اجتماعی به کار اندازد و خود را از جامعه منزوی نکند. (کانت، ۱۳۷۴: ۴۷) در رویکردهای مربوط به دیدگاه‌های اجتماعی نیز از همکاری و همدلی، و روابط میان فردی و پرهیز از عکس‌العمل‌های نامعقول اجتماعی در تعاملات روزمره زندگی اجتماعی سخن بسیار رفته است و اغلب این دیدگاه‌ها بر این نظرنند که به‌دنبال همکاری و همدلی، نه تنها آغاز و تداوم روابط مثبت و متقابل مطرح است، بلکه خود این کار نیل به اهداف فردی و اجتماعی را میسر خواهد ساخت. آر جیل (۱۹۸۱)، یکی از محققان اجتماعی، با تأکید بر رفتار اشخاص، معتقد است رفتار اجتماعی ماهرانه رفتارهایی است که به تعامل گران کمک می‌کنند. به اهداف خویش دست‌یابند. (خانزاده، ۱۳۸۹: ۵۸)

منابع در  
دفتر مجله  
موجود است.

## مقدمه

مدتی است که نظام آموزش و پرورش ایران با هدف تشویق معلمان و مربیان به تحقیق و پژوهش، «طرح اقدام پژوهی عوامل مدارس» را اجرا می‌کند. اما به راستی اقدام پژوهی چیست و به چه کار می‌آید و مهم‌تر اینکه در چه مواقعی می‌توان از آن بهره برد. اقدام پژوهی یکی از راهبردهای تحقیق محسوب می‌شود. در حقیقت، هر نوع تحقیق تجربی، طرحی تحقیقی ولو ضمنی و تلویحی دارد. به ساده‌ترین بیان، طرح تحقیق عبارت است از تسلسل منطقی‌ای که داده‌های تجربی را به پرسش‌های اولیه تحقیق و سرانجام به نتیجه‌گیری‌های آن پیوند می‌دهد. راه دیگر تجسم طرح تحقیق، تجسم آن به صورت نقشه تحقیق است که به قول یین، دست‌کم با چهار مسئله سروکار دارد:

۱. چه پرسش‌هایی مورد بررسی قرار می‌گیرند؟

۲. چه داده‌هایی مناسب و مربوطاند؟

۳. چه داده‌هایی باید گردآوری شوند؟

۴. چگونه باید نتایج را تحلیل کرد؟

در حقیقت، طرح تحقیق چیزی بیش از برنامه کار است.

(Yin, 2003: 21)

**کلیدواژه‌ها:** اقدام پژوهی، راهبرد تحقیق، چارچوب نظری، دستورالعمل علی



## اقدام پژوهی به مثابه راهبرد تحقیق

اقدام پژوهی به مثابه راهبرد تحقیق، نوعی روش هنجاری است و زمانی به کار می‌رود که مبتنی بر اهداف مشخص و دقیقی باشد (2001, Schlechty; 2006, Somekh; 2008, McIntyre; 2011, Cotello). در این رابطه، بیکر می‌گوید: «اقدام پژوهی بر نتیجه‌ای تأکید می‌کند که ممکن است از تحقیق حاصل گردد.» او دو هدف عمده را برای این روش ذکر می‌کند:

۱. تشویق مشارکت کنندگان به اینکه مورد مطالعه واقع شوند.

۲. دست یافتن به نتایج تجربی. (Baker, 1999: 241)

روش‌شناسان تأکید می‌کنند که این روش در محیط‌های سازمانی، به‌ویژه مدارس معمول است. بیکر یادآوری می‌کند که شکلی از اقدام پژوهی، «اقدام پژوهی مشارکتی» (PAR) است. این نوع تحقیق، غالباً با اجتماع‌هایی صورت می‌گیرد که سعی در پیروز شدن بر شرایط منفی یا سرکوبگر دارند. بنابراین، اقدام پژوهی مشارکتی نه تنها به‌عنوان تولیدکنندگان دانش مفید برای سازماندهی در نظر گرفته می‌شود بلکه به‌عنوان ارتقای بخش آگاهی اعضای گروه به کار برده می‌شود.

(Baker, 1999; McIntyre, 2008; Cotello, 2001)

بنابراین، اقدام پژوهی در یک مدرسه زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که عوامل مدرسه به‌منظور دستیابی به اهداف والاتر، سعی در تغییر شرایط دارند. با این وصف، اگر عوامل مدرسه در نظر داشته باشند که از وضعیت موجود به وسیله روش اقدام پژوهی به سطح مطلوب برسند، ضروری است که این چهار مرحله را پشت سر بگذارند:

۱. شناخت دقیق وضعیت موجود، و طراحی اهداف به‌مثابه

نقاط عینی قابل شناسایی و دسترسی؛

۲. اقدام (یا اقدامات) موثق و روشمند؛

# اقدام پژوهی در مدرسه

دکتر وحید نقدی

جامعه‌شناس، دبیر و عضو بنیاد ملی نخبگان



۳ سنجش دقیق نتایج اقدامات انجام شد؛

۴ مقایسه نتایج با وضعیت‌های پیشین (میزان اثربخشی اقدامات انجام شده).

چهار مرحله فوق مؤید آن‌اند که اقدام پژوهی نوعی تحقیق طولی است. تحقیق طولی، به تحقیقات متناوب و پی‌درپی گفته می‌شود که تغییرات نمونه تحقیق را در زمان‌های متوالی مورد واکاوی قرار می‌دهد. توالی تحقیقات، بنا به اقتضات تحقیق و شرایط نمونه‌ها، می‌تواند نزدیک به هم یا در فواصل زمانی طولانی‌تر باشد. (Cotello, 2011; McIntyre, 2008; Somekh, 2006)

در این فرصت محدود، در مورد نقش چارچوب نظری و دانش محتوایی در تحقیقات اجتماعی - به‌ویژه اقدام پژوهی - توضیحاتی ارائه می‌شود و تشریح چگونگی اقدامات و سنجش‌ها به فرصتی دیگر موقوف خواهد شد.

### اهمیت چارچوب نظری در اقدام پژوهی

اهمیت وجود چارچوب نظری در همان گام‌های نخستین اقدام پژوهی، و شناخت دقیق وضعیت موجود آشکار می‌شود. برای مثال، یک معلم درس فیزیک را در نظر بگیرید که از نمرات و نتایج یادگیری شاگردانش راضی نیست. او به‌منظور یادگیری بیشتر دانش‌آموزان، شیوه «معلم‌محوری» را به «مباحثه گروهی» تغییر می‌دهد. سؤال این است که: آیا این تغییر روش در تدریس را می‌توان اقدام پژوهی دانست؟ پاسخ این است که اقدام پژوهی باید موثق و روشمند باشد. به عبارت دیگر، اگر اقدام این معلم، معطوف به نظریه‌های متفاوتی باشد و مثلاً دیدگاه‌های یادگیری اجتماعی، فراوانی معاشرت، و نظریه‌های الگو را لحاظ و مسیرهای یادگیری را رصد کند، او به درستی مراحل اول و دوم اقدام پژوهی را انجام داده است. ولی اگر اقدامات او عاری از پایگاه‌های نظری مناسب باشد، فعالیت او فقط در حد اقدامی کور شناخته می‌شود؛ هر چند با تغییر قابل ملاحظه در نمرات شاگردان مواجه شود.

وجود چارچوب نظری در هر گونه مطالعه اجتماعی و روان‌شناختی، به منزله چراغ راهنما و تبیین‌کننده وقایع است. (Schlechty, 2001; Somekh, 2006; McIntyre, 2008; Cotello, 2011)

از این‌رو، فارغ از چارچوب نظری، معلم مزبور به فرض آنکه تغییرات چشمگیری در یادگیری دانش‌آموزان خود مشاهده کند، با این نقص‌ها در پژوهش خود روبه‌روست:

۱ سازوکار این تغییر در یادگیری را نخواهد فهمید.

۲ نمی‌تواند یافته‌های خود را به‌طور نظام‌مند به کس دیگری منتقل سازد.

۳ اقدامات او اعتبار علمی ندارند.

روش‌شناسان، قالب نظری را به تور ماهیگیری تشبیه می‌کنند. برای گرفتن ماهی‌هایی در اندازه‌های متفاوت باید از تورهای مناسب با اندازه‌ها و کمیت‌های گوناگون استفاده کرد. برخی دیگر، از مجموعه نظریه‌ها به‌مثابه فیلترهای متنوع برای عینک یاد می‌کنند. (پوپر، ۱۳۸۴) به عبارت ساده‌تر، محقق به کمک یک

نظریه خاص، وجه مشخصی از واقعه را مشاهده و درک می‌کند. طبعاً، وجوه دیگر واقعه به کمک نظریه‌های دیگر مشاهده، توصیف و حتی تبیین می‌شوند. به این ترتیب، هم مشاهده مسئله محتاج نظریه است و هم شناخت و ارائه راه‌حل نیازمند قالب یا قالب‌های نظری است.

پس از تعیین قالب نظری، و اهداف مبتنی بر آن، اقدامات حساب‌شده و دقیقی باید انجام شوند. هر چند محیط اجتماعی را به هیچ‌وجه نمی‌توان مانند محیط آزمایشگاه تحت کنترل درآورد، محقق تا آنجا که می‌تواند باید مترصد تغییرات و همچنین تأثیر شرایط دیگر نیز باشد. هر گونه تغییری نیازمند دانش لازم نسبت به اثر متغیرهای مختلف، و نیز صرف زمان لازم است. در این مورد، ریگین از مفهوم «دستورالعمل علی»<sup>۲</sup> نام می‌برد. این مفهوم استعاره از آن است که چگونگی ترکیب عناصر اجتماعی و به وجود آمدن یک پدیده اجتماعی را می‌توان مانند دستورات آشپزی دانست. (Ragin, 1999, 2000, 2008)

ریگین با این تمثیل بر دو بُعد مرتبط به هم در تغییر یا تشکیل یک پدیده تأکید می‌کند:

۱ زمان لازم برای اثربخشی عناصر تشکیل‌دهنده؛

۲ رعایت توالی عناصر.

در این منظر نیز، آگاهی از نظریه‌های مختلف برجستگی بیشتری پیدا می‌کند. زیرا دانش لازم برای پیش‌بینی و فرضیه‌سازی، و همچنین ایجاد تغییرات لازم، مبتنی بر وجود نظریه‌های بهتر و کارگشایتر است.

در این رابطه، برای تکمیل چارچوب نظری و ارائه فرضیه‌های قوی‌تر، می‌توان به «دانش محتوایی»<sup>۳</sup> نیز اتکا کرد. دانش محتوایی، مجموعه دانش بومی است که حاصل مطالعه نسبتاً دقیق و منظم محیط پژوهش توسط افرادی متخصص و صاحب‌نظر است؛ افرادی که همواره سنجیده سخن می‌گویند و دقیق مشاهده می‌کنند.

دانش محتوایی یکی از منابعی است که محققان به راحتی از کنار آن نمی‌گذرند. زیرا، در مواردی ممکن است برای شناخت مسئله و نائل آمدن به اهداف مورد نظر، نظریه‌های مناسب در دست نباشند. در چنین شرایطی، دانش محتوایی منبع خوبی برای مطالعات اجتماعی فراهم می‌آورد. ضمن اینکه دانش محتوایی می‌تواند تکمیل‌کننده چارچوب نظری نیز باشد و نقاط مبهم و جدید محیط تحقیق را پوشش دهد. (Ragin, 2008, 2000; 1999)

لذا، محققان به‌ویژه در روش‌های کیفی، نه‌تنها دانش محتوایی را دست‌کم نمی‌شمرند بلکه آن را پراهمیت نیز قلمداد می‌کنند.

لازم به ذکر است که شأن چارچوب نظری به دو دلیل از شأن دانش محتوایی والا تر است:

۱ دانش محتوایی، از جانب افراد ذی‌صلاح، به علت اینکه از بوته آزمون بیرون نیامده، ممکن است در حد برآوردی شخصی و سلیقه‌ای باشد و جامعیت لازم را نیز نداشته باشد.

۲ ممکن است افرادی که قدرت لازم را برای اعمال تغییرات

و بدنی سوق پیدا می‌کردند. البته، این درگیری‌ها توجیه مناسبی برای معلمانی فراهم می‌ساخت که تنها راه تربیت این دانش‌آموزان را تنبیه بدنی می‌دانستند.

یکی دیگر از شیوه‌های تربیتی که مورد استفاده اکثر معلمان است، دعوت اولیای دانش‌آموزان خاطی (بی‌انضباط یا درس‌نخوان) به مدرسه و مطلع کردن آنان از روند تحصیل فرزندشان بوده است. در حقیقت، زمانی اولیا به مدرسه می‌آمدند که دعوت‌نامهٔ مدرسه به‌عنوان شکایت از فرزندشان به دست آنان می‌رسید. اما اولیا با مراجعه به مدرسه، به علت بر هم زدن نظم مدرسه توسط فرزندشان، عمدتاً با کم‌محلّی و رفتارهای تحقیرآمیز مربیان و کادر مدرسه روبه‌رو می‌شدند.

دارند، دانش غیرموتوق و محدود خود را به‌مثابه دانش محتوایی موتوق قلمداد کنند و با تکیه بر آن، اقداماتی کور، عجولانه، و غیر علمی انجام دهند و هر نتیجه‌ای را مطلوب ارزیابی کنند. لذا همواره تأکید می‌شود که پژوهش‌های اجتماعی و تغییرات هدفمند، باید توسط افرادی ذی‌صلاح انجام شوند که بر ضوابط دقیق علمی مسلط‌اند. دبیران و معلمان، افرادی هستند که در حوزه کار خود شایستگی دارند و اگر با چارچوب‌های نظری متنوع مجهز شوند، کار آنان بازدهی بیشتری خواهد داشت. در ادامه، به‌منظور درک بیشتر اهمیت و نقش چارچوب نظری و دانش محتوایی، به نمونهٔ اقدام‌پژوهی در «دبیرستان ولایت» که مبتنی بر چارچوب نظری اجتماع مراقب انجام شده است، اشاره می‌شود. اقدام‌پژوهی مزبور، به‌عنوان یک تحقیق طولی، مربوط به سال‌های تحصیلی ۱۳۸۹-۹۰ و ۱۳۹۰-۹۱ است.

## دبیرستان ولایت:

### تجربه‌ای درخشان در پرورش اخلاقی

دبیرستان ولایت در حوزه آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران، و از دبیرستان‌های دولتی است. تعداد دانش‌آموزان این دبیرستان حدود ۵۰۰ نفر است. یگانه منبع بودجه در این مدرسه، سرانهٔ سالانهٔ دانش‌آموزان است که آموزش و پرورش آن را در طول سال طی چند مرحله پرداخت می‌کند. خانواده‌های دانش‌آموزان، عمدتاً درآمد بالایی ندارند. واکاوی پرونده‌های دانش‌آموزی سال ۹۰-۱۳۹۰، نشان می‌دهد که حدود ۱۰ درصد از خانواده‌های این دانش‌آموزان تحت پوشش کمیتهٔ امداد بوده‌اند. سطح سواد والدین نیز به‌طور متوسط کمتر از هفت کلاس است.

نتایج کمی و کیفی تحقیق نشان می‌دهد، در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۹۰، دانش‌آموزان این دبیرستان در انصاف عام‌گرا، و تعهد عام‌گرا، در میان ۹ دبیرستان منتخب، از همه بالاتر بوده‌اند. تحقیقات کیفی حاکی از آن است که رابطهٔ میان دانش‌آموزان و مربیان مدرسه نیز نسبت به سال‌های گذشته بسیار روان‌تر و به‌طور قابل ملاحظه‌ای با اصطکاک بسیار کمتری همراه بوده است. در صورتی که در سال‌های قبل، یعنی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۸، روابطی شدیداً خشونت‌آمیز به همراه گروه‌بندی‌های خاص‌گرایانه در آنجا حاکم بوده است.

در سال‌های تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ و ۸۷-۱۳۸۶ به غیر از بی‌انضباطی‌های روزمره و آوردن تلفن همراه، اختلافات گروهی میان دانش‌آموزان اتفاق افتاده است. غالباً، دامنهٔ این تضادها و درگیری‌ها به بیرون از مدرسه نیز کشیده شده و هر یک از آن‌ها، یک تا دو هفته به طول انجامیده است. تحقیقات کیفی نشان می‌دهند که منشأ این درگیری‌ها تضادهای فردی و اختلاف نظرهای دانش‌آموزی بوده است ولی به‌سرعت به سطح درگیری‌های محله‌ای گسترش یافته‌اند.

با انتقال التهاب و تب خشونت به محیط کلاس‌ها، عمدتاً معلمان به‌منظور آرام کردن کلاس به سمت تنبیهات گفتاری



اگر عوامل مدرسه در نظر داشته باشند که از وضعیت موجود به وسیلهٔ روش اقدام‌پژوهی به سطح مطلوب برسند، ضروری است که این چهار مرحله را پشت سر بگذارند:

۱ شناخت دقیق وضعیت موجود، و طراحی اهداف به‌مثابه نقاط عینی قابل شناسایی و دسترسی

۲ اقدام (یا اقدامات) موثق و روشمند

۳ سنجش دقیق نتایج اقدامات انجام شد

۴ مقایسهٔ نتایج با وضعیت‌های پیشین (میزان اثربخشی اقدامات انجام شده)

به این ترتیب، فضای ارتباطی مدرسه، عمدتاً به دو گروه متخاصم دانش‌آموزان و کادر مدرسه تقسیم می‌شود؛ دو گروهی که فقط به فکر دوام و بقای خود و حذف و شکست رقیب بودند. از این‌رو، بیشتر معلمان (نه همه آنان)، از توجه دانش‌آموزان به درس شکوه داشتند و برخی به علت بی‌انضباطی شاگردان، از کلاس‌های خود راضی نبودند. طبعاً بازده تدریس آن‌ها تعریفی نداشت و سطح نمرات در مقایسه با دیگر مدارس پایین بود.

در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹، با تغییر کادر مدیریت و مشاوران، پس از توجیه کادر مدیریت توسط مشاوران، با توجه به جو حاکم بر مدرسه و محله‌ها، دو هدف به‌عنوان برنامه راهبردی در دستور کار قرار گرفت:

برقراری ارتباط سیال میان خانواده‌ها و مدرسه؛

۱ گسترش تعهد دانش‌آموزان، و رای گروه‌های طبیعی.

۲ مشاوران که در تابستان ۱۳۸۹ با مدل تربیتی کشور سوئد و اجتماع مراقب آشنا شده بودند، مدیریت مدرسه را از نحوه برقراری ارتباط اجتماعی و استمرار جلسات اولیا و مربیان، مطابق الگوی سوئدی آشنا کردند. به این ترتیب، مدیر مدرسه در جریان کارکردهای اجتماعی روابط میان خانه و مدرسه قرار گرفت و رضایت خود را برای برگزاری مستمر جلسات اولیا و مربیان ابراز داشت.

برای ناظر آمدن به هدف اول، مدیریت و مشاوران از هفته اول به برگزاری جلسات اولیا و مربیان اقدام کردند و تا پایان سال به‌طور متوسط هر دو ماه، سه جلسه اولیا و مربیان برگزار شد. این در حالی است که در مدارس دیگر فقط در مهر ماه، یک جلسه اولیا و مربیان تشکیل می‌شود. با توجه به اینکه حفظ احترام اولیا مبتنی بر کرامت انسانی در کانون توجه کادر مدرسه قرار گرفته بود، برقراری ارتباط میان خانواده‌ها در جلسات گروهی، و تبادل نظر میان خانواده‌ها با مدیریت و مشاوران، از دو وجه موجب برقراری و تقویت روابط اجتماعی شد:

مشاوران در جلسات گروهی، روابط اجتماعی میان خانواده‌ها

۱ سهیل کردند و همین روابط موجب آشنایی و الفت خانواده‌های ساکن در محله‌های مختلف شد.

ارتباط مستمر و قوی میان خانواده‌ها و مدرسه، موجب ارتقای

۲ روعیت مدیریت مدرسه شد و میزان آشنایی کادر مدرسه با خانواده‌ها را افزایش داد.

از آنجا که مطابق نظریه‌های تربیتی، در تربیت پسران ارتباط با پدر نقش بسیار مهمی دارد، مشاوران سعی بلیغ کردند که پدران را به مشارکت در جلسات اولیا و مربیان تشویق کنند. در هر جلسه، حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد اولیا شرکت می‌کردند اما کمتر از پنج درصد آنان، پدران دانش‌آموزان بودند و جمعیت اصلی شرکت‌کنندگان را مادران تشکیل می‌دادند. مشاوران این موضوع را یک ضعف بزرگ قلمداد می‌کردند. تا اینکه در تابستان ۱۳۹۰، مشاوران با مطالعه مدل‌های تربیتی در کشورهای چین، کره جنوبی، و ژاپن دریافتند که در میان متغیرهای مربوط به خانواده، اقتدار اخلاقی

مادر به قدری مهم است که می‌تواند نقش اصلی را در تربیت اخلاقی جوانان ایفا کند. از این‌رو تصمیم گرفته شد که در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰، تمرکز اصلی بر مادران و تقویت اقتدار اخلاقی آنان قرار گیرد.

تشکیل جلسات آموزش خانواده و مشاوره خانواده در قالب مشاوره‌های فردی و گروهی و مددکاری، خانواده‌ها را برای حل مشکلاتشان به سمت مدرسه سوق می‌داد. پیگیری مشاوران برای حل مشکلات خانواده‌ها، روابط نسبتاً صمیمانه‌ای میان اولیا و کادر مدرسه پدید آورده بود. از این‌رو، خانواده‌ها مدام به مدرسه رفت‌وآمد می‌کردند و دانش‌آموزان حضور مستمر و داوطلبانه اولیای خود و دوستانشان را در حیاط، راهروها، اتاق دبیران، و دفتر مدیر مدرسه مشاهده می‌کردند. همچنین، تغییرات حاصل‌شده در محیط خانواده را - که حاصل ارتباط خانواده و مدرسه بود - درک می‌کردند.

از طرف دیگر، مشاوران و کادر مدرسه با حفظ احترام دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها، به‌طور مستمر متذکر می‌شدند که فعالیت‌های آنان فقط به علت ارزش دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان است و اینکه دانش‌آموز در حقیقت یک عنصر اجتماعی و فرهنگی است و باید به او کمک کرد تا موانعش را شناسایی و برطرف سازد و نهایتاً اوست که در آینده به دیگران کمک خواهد کرد. به این ترتیب، اعتماد دانش‌آموزان نسبت به مشاوران و معلمان دبیرستان افزایش یافت. یافته‌های کمی نیز نشان می‌دهند که بین ۹ دبیرستان منتخب در این پژوهش، اعتماد به معلم و مشاور در دبیرستان‌های «مفید» و «ولایت» به ترتیب از دیگر مدارس به‌طور معنی‌داری بیشتر است. (همان)

راهکار دیگری که مشاوران پیشنهاد و آن را تقویت کردند، گرایش مدیریت مدرسه به شیوه مجاب‌سازی در مقابل شیوه‌های ایجاد ترس و ارعاب در مدیریت پیشین بود. مبتنی بر این راهکار، مدیر دبیرستان در مواجهه با کوچک‌ترین مشکل، با صبر و حوصله به‌طور فردی و گروهی، به دانش‌آموزان و اولیای آنان وقت زیادی اختصاص می‌داد و در آن مورد با استدلال صحبت می‌کرد تا اینکه آنان به اندازه قابل توجهی مجاب می‌شدند. نتایج کمی نیز تأیید می‌کنند که در میان ۹ دبیرستان منتخب در این تحقیق، اقتدار اخلاقی مدیریت دبیرستان ولایت نزد دانش‌آموزان از دیگر مدارس به‌طور معنی‌داری بیشتر بوده است. (همان)

البته مشاوران با اظهار رضایت نسبت به همکاری مدیر دبیرستان با آنان، اذعان می‌کنند که نه‌تنها برخی معلمان به هیچ‌وجه همسو با روند جدید مدرسه حرکت نکردند بلکه برخی اقدامات مدیر و معاون پرورشی تا اندازه‌ای موجب تضعیف نتایج به دست آمده شد. مشاوران - که نویسنده نیز جزو آنان بوده است - اظهار می‌کنند که با توجه به نظریه‌ها و تأییدات تجربی در کشورهای دیگر، ما می‌دانستیم که پس از ارتقای

تربیتی دانش‌آموزان، می‌توانیم منتظر رشد نسبی آنان در زمینه آموزشی نیز باشیم. آنان با رضایت نسبی اذعان می‌کنند که در پایان سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰، در ۱۱ درصد رشد در قبولی دانش‌آموزان دبیرستان ولایت فرضیه تجربی ما را تقریباً تأیید می‌کند. (همان)

مشاوران معتقدند که برای تغییر در شیوه‌های تربیتی مدرسه، از جمله تغییر بینش معلمان، تغییر در روش‌های تربیتی و تنبیهی، چگونگی تقسیم کار در کادر مدیریت مدرسه زمان زیادی لازم است. آنان تأکید می‌کنند که:

● با تغییر در شیوه‌های تربیتی مربیان و کادر مدیریت مدرسه،

● با توجه به سطح سواد خانواده‌ها،

● سطح ضریب هوشی دانش‌آموزان، و از همه مهم‌تر،

● با اتکا به اقدام‌پژوهی و پژوهش‌های تجربی موثق

می‌توان رشد اخلاقی دانش‌آموزان را ارتقا بخشید و به دنبال آن، در بازه آموزشی این دانش‌آموزان بهبودی نسبی به‌وجود آورد. (همان)

لازم به ذکر است که در تابستان ۱۳۹۱، آموزش‌وپرورش منطقه مربوطه، برخی اقدامات ساختاری را علی‌رغم هشدارهای محقق (نویسنده)، در مورد دبیرستان «ولایت» اعمال کردند. در پی این تغییرات، پس از مدت کوتاهی، شیوه‌های تربیتی و طراحی «اجتماع مراقب» تضعیف و از دستور کار مدرسه خارج شدند و متعاقباً، روند پرورش اخلاقی با پیشی گرفتن سیاست‌های پیشرفت آموزشی از کیفیت افتاد. این در حالی بود که این‌جانب (نویسنده) با استناد به تحقیقات موجود، اصرار به ابقای ساختار موجود مدرسه داشتم و از رئیس منطقه و معاون آموزشی او می‌خواستم که نه‌تنها چنین اقداماتی را انجام ندهند بلکه با تقویت حمایت‌های بالادستی، به مدرسه فرصت بیشتری بدهند تا شاید بتوان این رشد چشم‌گیر را افزایش داد، تثبیت کرد و به یک نمونه بسیار عالی و برجسته در سطح کشور دست یافت.

به دو دلیل عمده نویسنده با تغییر ساختاری در دبیرستان ولایت مصرانه مخالفت می‌ورزید:

۱ آگاهی از اثربخشی تغییرات و ضرورت تداوم آن‌ها در طول زمان؛

۲ لزوم اقدامات دقیق و علمی دیگر، مبتنی بر توالی شرایط، و مترصد بودن نسبت به تغییرات بطئی در واحد آموزشی مزبور. در سال ۱۳۹۳، دبیرستان «ولایت» به دلیل اقدامات غیرعلمی و سلیقه‌ای و تغییرات ساختاری گفته شده از پایگاه تربیتی خود در سال ۱۳۹۱ دور شده و از دبیرستان «مفید» و دیگر دبیرستان‌های پیش‌ناز در تربیت اخلاقی عقب افتاده است ولی هنوز هم سایه‌هایی از رشد فرهنگی سال‌های ۹۱-۱۳۹۰ بر آن سیطره دارد و در پرورش اخلاقی از بسیاری مدارس پیش‌تر است.

## جمع‌بندی

اقدام‌پژوهی و نتایج آن، در عین حال که می‌تواند بسیار مطلوب و کارآمد باشد، بدون پشتوانه‌های سطوح بالادستی و شرایط عام، می‌تواند بسیار شکننده و موقتی باشد. مهم‌ترین دلیل پشتیبانی نکردن مدیران آموزش‌وپرورش از معلمان پژوهنده در سطح مناطق، تضاد نسبی میان دانش علمی پژوهندگان و دانش محتوایی مسئولان مزبور است. در چنین شرایطی نه‌تنها پشتیبانی لازم از جانب مدیران انجام نمی‌شود بلکه موانع ساختاری نیز بر سر راه معلمان پژوهنده ایجاد خواهد شد.

بنابراین، در کنار اقدام‌پژوهی‌هایی با پشتوانه علمی قوی، شایسته است متولیان امر تربیت در مورد ضرورت پژوهش‌های موثق و دقیق، توجه بیشتری نشان دهند و نتایج آن‌ها را جدی بگیرند. این مهم انجام نمی‌شود، مگر آنکه مسئولان آموزش‌وپرورش در سطح مناطق،

● نسبت به تقویت دانش علمی خود اقدام کنند؛

● از چارچوب‌های نظری متعدد و موثق بهره ببرند؛

● در تصمیم‌گیری‌هاشان عجلانه و سلیقه‌ای عمل نکنند؛

● شأن والای پژوهش را حفظ کنند.

امروزه بر همگان آشکار است که پژوهش در زمینه تعلیم‌وتربیت، به‌ویژه اقدام‌پژوهی‌های قوی در سطح مدارس، از ضرورت‌های همیشگی جوامع است و با اتکا به نتایج آن‌ها می‌توان به اهداف بلندمرتبه تربیتی و آموزشی نائل آمد و جامعه را به سمت رشد و تعالی سوق داد.

## پی‌نوشت‌ها

1. participatory action research
2. causal recipe
3. substantive knowledge

## منابع

۱. پوپر، کارل. منطق اکتشاف علمی. ترجمه حسین کمالی. انتشارات علمی و فرهنگی. تهران. ۱۳۸۴.
۲. نقدی، وحید. «بررسی جامعه‌شناختی تربیت اخلاقی در آموزش‌وپرورش ایران: با تأکید بر هنجارهای اخلاقی انصاف و صداقت.» رساله دکتری به راهنمایی مسعود چلبی، استاد جامعه‌شناسی گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی. تهران. ۱۳۹۱.
3. Baker, Therese L. (1999). *Doing Social Research*, second edition, published by McGraw Hill.
4. Cotello, Patric j. (2011). *Effective Action Research: Developing Reflective Thinking and Practice*. 2<sup>nd</sup> edition, Continuum Press.
5. McIntyre, Alice (2008). *participatory Action Research; Qualitative Research Methods Series*, Sage Publication.
6. Ragin, Charls C. (2008). *Residing Social Inquiry; Fuzzy Sets and Beyond*, The University of Chicago Press, Ltd., London.
7. Ragin, Charls C. (2000). *Fuzzy- Set Social Science*, The University of Chicago Press, Ltd. London.
8. Ragin, Charls C. (1987). *The Comparative Methods*, University of California Press, Ltd. London, England.
9. Schlechty, Philip C. (2001). *Inventing Better Schools: An Action Plan for Educational Reform*, Published by Jossey- Bass Inc.
10. Somekh, Bridget (2006). *Action Research: a Methodology for Change and Development*, McGraw-Hill House.



قصد بر این بوده است که از هرگونه تغییر در نقش‌ها و ارزش‌های فرهنگی جلوگیری شود. این در حالی است که این الگوهای فرهنگی، تابعی از سنت‌ها و باورهای پیشین هستند و نمی‌توانند نیاز جامعه فعلی را به توسعه انسانی و اجتماعی برآورده سازند. (گرانپایه، ۱۳۷۷: ۳۱)

اصولاً پیام‌هایی که در کتاب‌های داستانی و تصویری به کودکان انتقال داده می‌شوند، به دگرگونی‌هایی که طی دهه‌های اخیر در محیط‌های اجتماعی روی داده‌اند، توجه نمی‌کنند. برای مثال،

بین مشاغل رایج، از منزلت و ارزش کمتری برخوردارند به‌طور عمده مشاغل دست‌فروشی و دوره‌گردی به این شرح هستند: کوپن فروش، سیگار فروش، نمکی، واکسی، فروشنده بلیت اتوبوس، کارگر پمپ بنزین، گرمابه‌دار، گارسون رستوران، تلفنچی و رفتگر. در پژوهش حاضر هدف اصلی عبارت است از: بررسی نحوه انتقال نقش و جایگاه ارزش طبقاتی مشاغل مختلف جامعه به کودکان در تصویرسازی کتاب و اهداف فرعی نیز عبارت‌اند از:

● ارزیابی تغییر یا عدم تغییر و معرفی نقش و جایگاه اجتماعی زن و مرد در مشاغل مختلف با توجه به واقعیت جامعه در کتاب «دایرةالمعارف شغل‌ها».

● بررسی تفاوت ارزش‌گذاری بین مشاغل مختلف، ویژگی‌های بارز شخصیتی و ظاهری (توجه به آراستگی در چهره و لباس)، توجه به پرداخت، توجه به احساسات بارز، نوع و رنگ لباس، توجه به اندام و قد و قواره، تناسب شخصیت با شغل، وضعیت طبقاتی، موفقیت، قدرت، تلاش جسمانی که در جامعه مربوط به هر شغل دیده می‌شود و انعکاس آن‌ها در تصویرهای کتاب کودک.

● بررسی مقوله‌های شغلی مناسب برای زنان و مردان در جامعه و انعکاس آن‌ها در تصویرهای کتاب کودک و نوجوان.

با توجه به این مطالب ضرورت دارد که نحوه آموزش نقش‌های اجتماعی مشاغل مختلف و ارزش هر شغل به کودکان مطالعه شود و سپس تأثیرات آموزش مناسب و نامناسب را بر کودکان به بحث بکشیم. در این پژوهش، ۵۵ شغل که هر کدام مربوط به هفت طبقه اصلی مشاغل است، انتخاب شدند.

**کلیدواژه‌ها:** ارزش طبقاتی، تصویرسازی، جامعه، مشاغل، کتاب کودک و نوجوانان

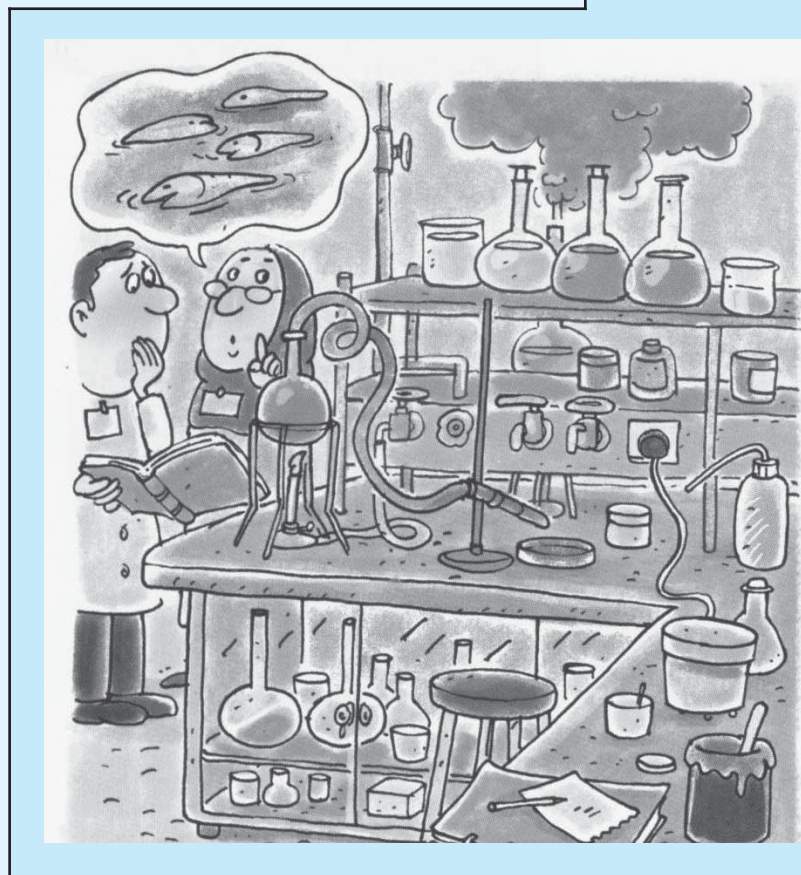
### روش تحقیق

این پژوهش بر مبنای ماهیت، از نوع پژوهش‌های بنیادین کیفی است و با رویکرد جامعه‌شناسی، و روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. ماهیت تحلیلی این پژوهش موجب می‌شود که وجه کمی و آماری کمتر اهمیت داشته باشد. جامعه آماری این پژوهش کتاب «دایرةالمعارف شغل‌ها» است که بیشتر جنبه تفسیری و تأویلی دارد و آثاری که از ویژگی‌های عینی و ظاهری آن منبعث شده، مورد توجه قرار گرفته است.

متغیرهای تحقیق که نقش و ارزش اجتماعی مشاغل را در این پژوهش تبیین می‌کنند، عبارت‌اند از: شغل، حوزه شغلی، جنسیت، سن، احساسات بارز هر جنس، ویژگی بارز شخصیتی، مکان حضور، وضعیت قرارگیری و ترکیب‌بندی، رنگ لباس، ویژگی ظاهری، فضاسازی، توجه به پرداخت، تلاش جسمانی و فکری، فناوری.

طبقه‌بندی مشاغل مورد بررسی به شرح زیر است:

● **بهداشتی و درمانی:** دندانپزشک، پزشک، داروساز، فیزیوتراپیست، پرستار و کارشناس علوم و صنایع غذایی. نتایج حاصل از بررسی تصویرهای گروه‌های نام‌برده به شرح زیرند:



زنانی که در محیط اجتماعی و فرهنگی گوناگون ثابت کرده‌اند که می‌توانند در عرصه‌هایی نقش درجه اول را بازی کنند که تاکنون به‌طور سنتی در انحصار مردان بوده است. اما کتاب‌های داستانی، براساس شواهد، این دگرگونی‌ها را اصلاً یا دست‌کم به تمامی نشان نمی‌دهند. (غفوری و مقصودی، ۱۳۸۱: ۵۵) یا نحوه قرارگیری مشاغل در ساختارهای اجتماعی - اقتصادی جامعه تحول پیدا می‌کند و در نتیجه مشاغل نیز از منزلت و ارزش‌های متفاوتی برخوردار می‌شوند. نتایج به‌دست آمده در تحقیقی توسط **کاظمی پور** نشان داد که مشاغل با منزلت اجتماعی بالا عبارت‌اند از استاد دانشگاه، پزشک متخصص، وزیر، سفیر، خلبان، رئیس قوه قضائیه، قاضی دادگستری، دکتر داروساز، مهندس مکانیک، فرماندار، کارخانه‌دار بزرگ و مهندس رایانه. و مشاغلی که در

● با توجه به کاربرد یکسان هر دو جنس (مذکر و مؤنث)، در تصویرهای بررسی شده تمایز جنسیتی مشاهده نشد.

● عمده‌ترین ویژگی‌های شخصیتی در زنان و مردان، عطوفت و مهربانی و روحیه شاد در چهره هر دو جنس در حین انجام کار، عدم وجود ترس، بی‌انضباطی و فضولی در مردان و انتقال روحیه ضعیف و ناتوانی زنان در حین انجام کار است (مقصودی، ۱۳۸۳: ۴۹) اما با بررسی تصویرهای کتاب درمی‌یابیم که زنان برخلاف دیدگاه مقصودی دارای خصوصیتی مشترک با مردان از قبیل:



● موفق، متکبر، تصمیم‌گیر و مقتدر هستند که خود بیانگر تغییر در دیدگاه جامعه و تصویرگران است.

● لباس کار مرتبط با هر حرفه از نکات مورد توجه در تصویرهاست که رنگ سبز و آبی را بیشتر به خود اختصاص داده است و کاربرد رنگ‌های گرم را در فضا سازی (ابزار و وسایل، و شخصیت‌های



فرعی) شاهد هستیم.

● اندام‌ها از نظر قد و وزن غالباً به شکل مطلوب ترسیم شده‌اند و نسبت سر به تن شامل یک به سه، یک به چهار و یک به پنج است.

● خصوصیات ظاهری شخصیت اصلی (ریش و مو، چشم و ابرو، مدل مو و لباس، و ...) بیش از سایر شخصیت‌های مکمل (دوستان، مردم و خانواده) مورد نظر است.



● ارزش‌گذاری بر شخصیت‌های فرعی و ابزار به‌طور یکسان صورت گرفته و این دیدگاه به جهت سیستم ارتباطی این قشر با عموم مردم است. به‌ویژه حساسیت رفتاری با کودکان مورد توجه قرار گرفته است. به‌طور کلی، ارتباط صمیمانه میان مردم و این گروه از شاغلان از نکات مشترک تصویرهای مزبور است.

● مشاهده ابزار و وسایل مربوط و اختصاص دادن بخشی از فضا سازی به خود، نتیجه حضور مؤثر فناوری و ضرورت و اهمیت این پدیده در این حرفه است.

● استفاده از «کادر افقی» در این گروه بیشترین کاربرد را به خود اختصاص داده و این به‌خاطر آرامش و سکونی است که توسط کادر افقی به مخاطب القا می‌شود. ترکیب‌بندی متمرکز نیز بخش مهمی را در بردارد که سبب تقویت رابطه میان مخاطب و عناصر تصویر می‌شود.

● نسبت اندازه شاغل به فضا نسبتاً در حد متوسط است و اندازه پیکره شاغل نسبت به بقیه پیکره‌ها در مشاغل دیگر، متوسط طراحی شده است.

● رنگ گرم و سرد به شکل یکسانی میان شخصیت اصلی و شخصیت فرعی تقسیم شده است.

● عمده‌ترین ویژگی شخصیتی زن و مرد در این گروه از مشاغل، جدیت و تفکر است و تلاش فکری را که در این مشاغل دارای اهمیت است، کاملاً درک می‌کنیم.

● **امور اجتماعی:** جامعه‌شناس، روان‌شناس و مددکار.

● نقش یکسان زن و مرد مانند دیگر مشاغل مشاهده می‌شود.

● محدوده سنی تشکیل‌دهنده این قشر، زنان و مردان میان سال هستند.

● قد متناسب و نسبت سر به تن یک به سه و یک به چهار است و اندامی مطلوب (نه چاق و نه لاغر) تصویر شده است.

● پوشش این قشر غیررسمی و نزدیک به پوشش عموم و مردم در جامعه است.

● از آنجا که این گروه ارتباط کاملاً مستقیمی با افراد جامعه دارند،

● با توجه به کاربرد یکسان هر دو جنس (مذکر و مؤنث)، در تصویرهای بررسی شده تمایز جنسیتی مشاهده نشد.

● عمده‌ترین ویژگی‌های شخصیتی در زنان و مردان، عطوفت و مهربانی و روحیه شاد در چهره هر دو جنس در حین انجام کار، عدم وجود ترس، بی‌انضباطی و فضولی در مردان و انتقال روحیه ضعیف و ناتوانی زنان در حین انجام کار است (مقصودی، ۱۳۸۳: ۴۹) اما با بررسی تصویرهای کتاب درمی‌یابیم که زنان برخلاف دیدگاه مقصودی دارای خصوصیتی مشترک با مردان از قبیل:

● موفق، متکبر، تصمیم‌گیر و مقتدر هستند که خود بیانگر تغییر در دیدگاه جامعه و تصویرگران است.

● لباس کار مرتبط با هر حرفه از نکات مورد توجه در تصویرهاست که رنگ سبز و آبی را بیشتر به خود اختصاص داده است و کاربرد رنگ‌های گرم را در فضا سازی (ابزار و وسایل، و شخصیت‌های

فرعی) شاهد هستیم.

● اندام‌ها از نظر قد و وزن غالباً به شکل مطلوب ترسیم شده‌اند و نسبت سر به تن شامل یک به سه، یک به چهار و یک به پنج است.

● خصوصیات ظاهری شخصیت اصلی (ریش و مو، چشم و ابرو، مدل مو و لباس، و ...) بیش از سایر شخصیت‌های مکمل (دوستان، مردم و خانواده) مورد نظر است.

● ارزش‌گذاری بر شخصیت‌های فرعی و ابزار به‌طور یکسان صورت گرفته و این دیدگاه به جهت سیستم ارتباطی این قشر با عموم مردم است. به‌ویژه حساسیت رفتاری با کودکان مورد توجه قرار گرفته است. به‌طور کلی، ارتباط صمیمانه میان مردم و این گروه از شاغلان از نکات مشترک تصویرهای مزبور است.

● مشاهده ابزار و وسایل مربوط و اختصاص دادن بخشی از فضا سازی به خود، نتیجه حضور مؤثر فناوری و ضرورت و اهمیت این پدیده در این حرفه است.

● استفاده از «کادر افقی» در این گروه بیشترین کاربرد را به خود اختصاص داده و این به‌خاطر آرامش و سکونی است که توسط کادر افقی به مخاطب القا می‌شود. ترکیب‌بندی متمرکز نیز بخش مهمی را در بردارد که سبب تقویت رابطه میان مخاطب و عناصر تصویر می‌شود.

● **اداری و مالی:** اقتصاددان، حقوق‌دان، آماردان، بانک‌دار و حساب‌دار.

● با بررسی تصویرهای این گروه از مشاغل نتایج زیر حاصل شد:

● حضور زن و مرد در تصویرها مؤثر و یکسان است.

● غالباً محدوده سنی این حرفه را دوره میان‌سالی به خود اختصاص می‌دهد؛ البته به غیر از شغل بانک‌داری که بیشتر با رده سنی جوان روبه‌رو می‌شویم.

● قد و قواره افراد، نه خیلی بلند و نه خیلی کوتاه ترسیم شده است.

● وضعیت جسمانی به شکل مطلوب ترسیم شده و به‌ویژه در طبقه بانک‌داری شاهد این نکته هستیم. این موضوع خود ناشی از ارتباط بیشتر بانک‌دار با عموم مردم است و این‌گونه نگاه



بنابراین بر خورداری از مهارت‌های برقراری ارتباط مؤثر، لازمه این شغل است. به همین دلیل، چهره خندان و آرام از مواردی است که در شخصیت‌های ترسیم شده، به‌عنوان یکی از نشانه‌های ارتباط موفق به کار برده شده است و فضای شغلی آن‌ها «تیپ اجتماعی» است که در این فضا، ارزش ویژه‌ای برای افراد باری‌رسان، دوست‌مآب و امین قائل‌اند. (معمارزاده و مهرنیا، ۱۳۸۸: ۲۳۷)

● میزان رضایتمندی اشخاص با توجه به شخصیت‌ها، در حد متوسط توسط مخاطب دریافت می‌شود.

● آراستگی و تمیزی در پوشش و آرایش چهره، تا حد متوسط مورد توجه بوده است.

● تلاش و زحمات شخصیت بیشتر به‌صورت فعالیت فکری و نوع نگاهی که میان شاغل و مردم برقرار است، به مخاطب منتقل می‌شود و فعالیت جسمانی بسیار کم به چشم می‌خورد.

● توجه به شخصیت‌های اصلی و فرعی و فضاسازی‌ها یکسان بوده است. با دقت به این نکته که برای پلان‌بندی تصویر، شخصیت اصلی غالباً روی خط افق و نقاط طلایی ترسیم می‌شود و به‌علت قرارگیری آن در نقاط توجه و جلب توجه مخاطب به اندازه کافی، بنابراین شخصیت اصلی به نسبت دیگر عناصر چندان بزرگ ترسیم نشده است.

● توجه به پرداخت در شخصیت اصلی در حد متوسط است و غالباً شخصیت روی خط افق و خطوط و نقاط طلایی ترسیم شده است. ● کاربرد رنگ سرد و گرم برابر است و فضایی آرام را به مخاطب خود القا می‌کند.

● **خدما تی:** پلیس، خلبان، آتش‌نشان، راننده، نانوا، آشپز و خیاط. ● در بررسی تصویرها، برابری گروه‌های شغلی نام‌برده مشاهده می‌شود که برخلاف دیگر مشاغل که متشکل از دو جنس مذکر و مؤنث هستند، تنها جنس مذکر ترسیم شده است و تنها در شغل آشپز و خیاط با جنس مؤنث روبه‌رو می‌شویم.

● این گروه از شخصیت‌های واقع‌گرا هستند که کار با ابزار و ماشین‌آلات را دوست دارند و فضای کاری آن‌ها «تیپ واقع‌گرا» است و در این فضا افرادی با شخصیت واقع‌گرا حاکم هستند. (معمارزاده و مهرنیا، ۱۳۸۸: ۲۳۷)

● در شغل آشپز و خیاط زنان جوان و مردان میان‌سال تصویر شده‌اند. ● قد و قواره افراد نه خیلی بلند و نه خیلی کوتاه است و اندامشان اکثراً در حد میانه است.

● پوشش‌های رسمی، غیررسمی و لباس فرم از جمله ویژگی‌هایی است که برخلاف دیگر مشاغل، هر سه پوشش در این طبقات شغلی قابل ملاحظه است.

● فعالیت جسمانی که خاصه این مشاغل است، به خوبی نشان داده شده است. رضایتمندی در این گروه‌ها کم و متوسط و چهره‌ها خندان، آرام و خسته است.

● آراستگی در چهره و پوشش در شغل خلبان، بیش از دیگر گروه‌ها مورد توجه واقع شده است.

● توجه به فضاسازی و شخصیت‌ها (همکار، دوستان، خانواده، مردم و ...) یکسان است.

● توجه به پرداخت در شخصیت اصلی، ابزار و فضای اطراف در حد متوسط است و این نشان می‌دهد این است که این گروه، از مشاغل قشر متوسط جامعه تعریف می‌شوند.

● شخصیت اصلی در فضا، روی خط افق و خطوط و نقاط طلایی است.

● نسبت پیکره شاغل به فضا در حد متوسط است اما نسبت به بقیه پیکره‌ها در تصویرهای دیگر، بعضی شغل‌ها مانند آشپز و نانوا بزرگ‌تر و خیاط، آتش‌نشان و راننده کوچک‌تر، خلبان و پلیس متوسط‌تر ترسیم شده‌اند.

● رنگ لباس در شخصیت اصلی رنگ سرد و در شخصیت‌های فرعی و وسایل و ابزار ترکیبی رنگ‌های سرد و گرم است.

● **کشاورزی و محیط‌زیست:** محیط‌بان، زیست‌شناس، باغبان، پرورش‌دهنده ماهی، دام‌دار، کشاورز، مرغ‌دار، زنبوردار و گل‌کار. ● در این گروه شغلی به‌جز محیط‌بان، نقش‌های شغلی را هم زنان و هم مردان بر عهده دارند.

● سنین جوان و میان‌سال برای زنان و میان‌سال به مردان اختصاص داده شده و تناسب اندام در شخصیت‌های تصویر شده مشهود است.

● قد و قواره زنان و مردان به‌جز تعداد کمی که کوتاه‌تر ترسیم شده‌اند، در بقیه افراد، نه خیلی بلند و نه خیلی کوتاه است.

● لباس شاغلان بیشتر لباس غیررسمی و لباس کار است و دقیقاً با نوع لباسی که در این گروه از مشاغل در جامعه می‌بینیم، انطباق دارد.

● در این گروه از مشاغل ما بیشتر شاهد چهره خندان و آرام انسان‌ها هستیم و ارتباطی که این افراد با طبیعت دارند، ما را با افراد آرام‌تری روبه‌رو می‌سازد.

● میزان رضایتمندی شاغل از موقعیت خود در چهره، تا حد متوسط قابل تشخیص است و بیشترین رضایت را در شخصیت‌های باغبان و زیست‌شناس می‌بینیم.

● میزان اهمیت دادن به آراستگی و تمیزی لباس در حد متوسط و میزان توجه به آراستگی در چهره (مدل مو و ریش، مدل لباس و ...) کم است و این یکی از تمایزاتی است که نسبت به مشاغل دیگر می‌بینیم. در مشاغلی مانند کشاورز، باغ‌دار و دام‌دار توجه و





- میزان رضایتمندی شاغل از شغلش در چهره او زیاد و متوسط است و رضایت بیشتر را در چهره مهندس برق و مکانیک و شیمی دان می توانیم ببینیم.
- به آراستگی در لباس و چهره در سه شغلی که در بالا ذکر شد، بیشتر اهمیت داده شده است و در بقیه شاغلان میزان آراستگی در لباس، در حد متوسط و آراستگی در چهره هم، به جز آهنگر و جوشکار، در حد متوسط است.
- میزان تلاش و زحمت هر فرد در هر حرفه متفاوت است. بدین ترتیب که درودگر، آهنگر و نجار و شیمی دان بیشترین زحمت را می کشند و در رشته های مهندسی، به ویژه عمران کمترین زحمت را توسط افراد در تصویرها شاهد هستیم.
- میزان اهمیت دادن به فضا سازی و شخصیت های دیگر و ابزارها، با شغل اصلی مساوی است و فضا سازی بیشتر با شخصیت های انسانی و غیر انسانی و طبیعت صورت گرفته است.
- توجه و پرداخت شخصیت اصلی، در ابزار و در فضای اطراف، به طور معمول انجام شده است.
- محل استقرار شخصیت ها بیشتر روی خط افق و نقاط طلایی است.
- نسبت اندازه شاغل به فضا متوسط است و در مقایسه با بقیه پیکرها در مشاغل دیگر، نه خیلی بزرگ و نه خیلی کوچک است.
- رنگ لباس در شغل های درودگری، مهندس عمران و شیمی دان، رنگ سرد و در بقیه شخصیت ها رنگ گرم و سرد است.
- **فراوری داده ها:** کتابدار
- حضور مشترک هر دو جنس مذکر و مؤنث در این حرفه در تصویرها مشاهده می شود.
- اکثر زنان، جوان و مردان، میان سال اند.
- قد و قواره افراد، مانند بقیه مشاغلی که تا به اینجا بررسی شدند، نه خیلی بلند و نه خیلی کوتاه است و اندام هم نه خیلی لاغر و نه خیلی چاق تصویر شده است. تفاوت کمی بین اندام و قد زنان و مردان مشاهده می کنیم.
- افراد دارای پوشش رسمی هستند.
- چهره فرد شاغل در حین انجام کار معمولی و آرام است.
- میزان رضایتمندی را در چهره ها در حد متوسط می توان دید.
- به آراستگی و تمیزی لباس، در حد معمولی اهمیت داده شده است.
- شخصیت های اصلی و فرعی و فضا سازی دارای ارزش یکسانی هستند.
- حالت نشسته بیشترین حالت فیزیکی قابل ملاحظه در این تصویرهاست و سختی و زحمت در آن ها در حد متوسط دیده می شود.
- توجه به پرداخت شخصیت اصلی و شخصیت های فرعی و همه عناصر تشکیل دهنده تصویر متوسط و یکسان است.
- شخصیت اصلی در فضا، بالاتر، پایین تر و روی خط افق تصویر شده است.

- اهمیت به ظاهر کمتر از دکتر و کارمند مشاهده می شود.
- تلاش و کوششی که کشاورز در حین انجام کار در مزار دارد، در تصویرها به طور کامل به بیننده منتقل می شود.
- به جز دو شغل پرورش دهنده ماهی و دام دار که اهمیت به فضا سازی و شخصیت های دیگر بیشتر از شغل اصلی است، بقیه مشاغل به طور مساوی به شخصیت ها و فضا سازی پرداخته اند و فضا سازی با شخصیت انسانی و غیر انسانی و طبیعت را می توانیم مشاهده کنیم.
- نحوه قرار گیری شخصیت اصلی متغیر است و در ترکیب بندی، فضای یکسانی را به خود اختصاص نداده و همیشه روی خطوط افق و نقاط طلایی قرار نگرفته است.
- نسبت اندازه شاغل به فضا و همچنین نسبت پیکرها به تصویرهای مشاغل دیگر، متوسط است.
- رنگ در لباس های شخصیت اصلی، ابزار و شخصیت های اطراف، هر دو رنگ سرد و گرم است.
- **فنی و مهندسی:** شیمی دان، آهنگر، جوشکار، درودگر، نجار، زمین شناس، مهندس برق، مهندس شیمی، مهندس عمران، مهندس رایانه، مهندس مکانیک.
- در این گروه شغلی، به جز درودگر، نجار، آهنگر، جوشکار و مهندس عمران، که مرد ترسیم شده اند، در بقیه مشاغل در تصویر سازی از هر دو جنسیت زن و مرد استفاده شده است.
- مشاغلی همچون آهنگری، جوشکاری و نجاری از جمله مشاغلی در جامعه ما هستند که به جنس مذکر اختصاص دارند و در تصویرهای آن ها این نکته مشهود است.
- سن مردان در این مشاغل بیشتر میان سال و از سن ۳۵ به بالاست. اما در بقیه مشاغل که بیشتر شامل مهندسی هاست، زنان غالباً جوان و مردان هم جوان و هم میان سال هستند.
- تناسب اندام از نظر قد و وزن در تمام شخصیت ها رعایت شده است.
- نوع لباس، غیر رسمی است و در بعضی تصویرها افراد لباس کار بر تن دارند.
- چهره افراد بیشتر خندان و آرام است و کمتر خستگی و عصبانیت را در چهره این افراد می بینیم. بعضی هم در حال اندیشیدن هستند.

- نسبت اندازه شاغل به فضا و حتی نسبت به بقیه پیکرها در تصویرهای مشاغل دیگر، در حد متوسط است.
- برای رنگ لباس شخصیت اصلی و شخصیت‌های اطراف، از رنگ‌های گرم و سرد استفاده شده است.

## یافته‌ها

### ● جنسیت

نتیجه پژوهش **لادن نوروزی**، طی سال‌های ۷۶ تا ۸۰ حاکی از آن است که به‌رغم میزان روزافزون جمعیت زنان دارای تحصیلات بالا، نابرابری جنسی در بخش‌های دولتی مشهود و میزان دستیابی زنان به موقعیت‌های سازمانی تقریباً نصف مردانی است که تحصیلات مشابه آنان را دارند. همچنین، تنوع شغلی برای زنان محدود است و مشاغل به دو گروه زنانه و مردانه تعریف می‌شوند. به‌گونه‌ای که در جامعه کنونی، بخش عمده‌ای از جمعیت زنان تحصیل کرده، همچنان در مشاغل زنانه آموزشی و بهداشت اشتغال دارند. در حالی که براساس تصویر و تفسیرهای این کتاب، زن و مرد

یا دارای مشاغلی تصویر شده‌اند که به‌طور مستقیم به تولید سودی نمی‌رسانند. در صورتی که ما در تصویرهای این کتاب، حضور زنان را در تولید می‌توانیم ببینیم. (مقصودی، ۱۳۸۳: ۵۰)

در تحقیقی دیگر که توسط مقصودی و **غفوری** انجام شده بود، مردان در اکثر داستان‌ها و تصویرهای کتاب‌ها، یا کشاورزند یا مشاغلی دارند که برای کودکان شهری ناشناخته‌اند؛ مانند شکارچی، هیزم‌شکن و ... اما در تصویرهای این کتاب تفاوتی بین جامعه شهری و روستایی نیست و زنان همراه با مردان به این کار مشغول‌اند و در بسیاری از عرصه‌های اجتماعی حضور فعال دارند. زنان در سال‌های اخیر، نقش‌های مهم اجتماعی را در عرصه‌های متفاوت شغلی بر عهده داشته‌اند اما همواره از آن‌ها در نقش‌های عادی - اجتماعی یاد می‌شود که شامل زن خانه‌دار و پرستار است. در حالی که در بررسی تصویرهای این کتاب شاهد هستیم که زنان هم مانند مردان در نقش‌های دیگر اجتماعی مانند مدیر، متخصص، تکنسین، صنعتگر و ... ظاهر شده‌اند.

### ● سن

نتایج به‌دست آمده در مورد سن افراد در تصویرهای کتاب نشان می‌دهند که در اکثر مشاغل، هم زنان و هم مردان، جوان و میان‌سال تصویر شده‌اند و حدود سن افراد با واقعیت‌هایی که در جامعه مشاهده می‌شود، تطابق دارد.

### ● قد و قواره

بررسی‌های انجام شده در تصویرهای این کتاب نشان می‌دهد که قد و قواره شاغلان، اکثراً در حد متوسط و زنان و مردان نه خیلی بلند و نه خیلی کوتاه تصویر شده‌اند. نسبت سر به تن در اکثر تصویرها یک به سه یا یک به چهار است و در بعضی از شخصیت‌ها در طبقه مشاغل اداری و مالی، سر بزرگ‌تر ترسیم شده است. این افراد جزو شخصیت‌های کاوشگر هستند که به مطالعه و حل مسائل ریاضی یا علمی تمایل دارند. (معمارزاده و مهرنیا، ۱۳۸۸: ۲۳۷)

همچنین، اندام فرد شاغل با توجه به میزان زحمت و فعالیت شغل، نه لاغر و نه چاق ترسیم شده است؛ به غیر از بانک‌دار و پزشک در گروه مشاغل اداری و مالی و بهداشتی درمانی که خوش‌اندام‌تر تصویر شده‌اند.

### ● نوع لباس و رنگ لباس

نتایج به‌دست آمده از این متغیر و بررسی‌های تفسیر شده نشان می‌دهند، در اکثر طبقات شغلی مختلف، لباسی که تصویر شده است، هم لباس رسمی و هم غیررسمی و لباس کار می‌باشد، که با توجه به حوزه کاری شاغلان و جامعه این نتیجه معنادار است. بیشترین رنگی که در تصویرهای کتاب به کار برده شده، رنگ سرد (سبز و آبی) است و بیشترین حضور رنگ‌های گرم در لباس شاغلان را در طبقه شغلی امور اجتماعی شاهد هستیم. صاحبان این گروه از مشاغل، لباس‌هایی مانند مردم دیگر بر تن دارند. حضور



حضور مساوی در هشت طبقه شغلی دارند، البته به‌جز برخی از مشاغل گروه خدماتی که در تصویرهای آن‌ها، مردان بیش از زنان حضور دارند و این نکته، بازتاب واقعیت‌هایی است که در جامعه وجود دارند. در این گروه از مشاغل، شخصیت تصمیم‌گیرنده، مبتکر، موفق، قهرمان و قوی مرد است (غفوری، ۱۳۸۱: ۶۵). این موضوع به کودک می‌آموزد که نقش مردان در این گروه از مشاغل بیشتر خدماتی است و کودک با دیدن تصاویر می‌پذیرد که کارهایی که میزان دشواری آن‌ها زیاد و میزان خطرآنها بیشتر است، به مردان اختصاص دارند و نقش‌های اجتماعی و ارزشی مربوط به هر شغل را می‌پذیرد.

**مقصودی** نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسید که تعداد تصویرهای مردان چهار برابر تعداد تصویرهای زنان است (۱۶۴۵ مرد به ۴۰۸ زن). همچنین در همین پژوهش، زنان غالباً خانه‌دار

رنگ سرد را در طبقه شغلی خدماتی و فنی و مهندسی می‌بینیم. نوع تصویرسازی متأثر از شرایط کنونی جامعه است.

### ● چهره شاغل و میزان رضایتمندی

چهره شاغلان در اکثر مشاغل خندان و آرام ترسیم شده است و بیشترین میزان خستگی را در چهره گروه مشاغل خدماتی که فعالیت جسمانی بیشتری دارند، و بیشترین میزان آرامش را به دلیل موفقیت بیشتر و ارتباط مؤثرتر، در گروه مشاغل امور اجتماعی و همچنین در طبقه شغلی کشاورزی و محیط‌زیست به دلیل ارتباط بیشتر با طبیعت شاهد هستیم.

### ● میزان رضایتمندی شاغل از شغل در چهره

میزان رضایتمندی در طبقات شغلی بررسی شده، اکثراً در حد متوسط دیده می‌شود و در شغل باغبانی و زیست‌شناسی رضایتمندی کمی بیشتر از حد متوسط است. تنها در گروه مشاغل فنی و مهندسی، در مشاغل مربوط به مهندسی و کمتر فنی، این میزان رضایتمندی را بیشتر درک می‌کنیم.

### ● میزان اهمیت به آراستگی و تمیزی لباس

میزان اهمیت به آراستگی و تمیزی لباس در اکثر مشاغل در حد متوسط و معمولی است، اما بیشترین اهمیت به آراستگی در لباس را در شغل‌های پزشکی، داروسازی، خلبانی و مهندسی می‌توانیم ببینیم. توجه به آراستگی در چهره (مدل ریش و مو، چشم و ابرو، مدل عینک و کلاه و...)، معمولاً در حد متوسط است اما در شغل‌های پزشکی و داروسازی بیشترین اهمیت، و در گروه مشاغل کشاورزی و محیط‌زیست، کمترین اهمیت را می‌بینیم که با توجه به موقعیت اجتماعی شغل‌ها در جامعه، این نوع اهمیت دادن را می‌توان معنادار دانست.

### ● میزان نشان دادن زحمت شغل مربوطه در حین کار و فعالیت

زحمت شغلی در اکثر طبقات شغلی متوسط ترسیم شده است، به جز مشاغل خدماتی که بیشترین زحمت جسمانی را دارند و همچنین در طبقه مشاغل فنی و مهندسی، شغل‌های آهنگری و درودگری. طبق تصویرها، در این طبقه کمترین میزان زحمت را مهندس عمران می‌کشد. می‌توان از نتایج به‌دست آمده از این متغیر، با توجه به فعالیت‌های شغلی موجود در جامعه، این نتایج را معنادار دانست. زیرا در بقیه مشاغل مورد بررسی، کمتر از فعالیت جسمانی استفاده می‌شود و بیشترین فعالیت‌ها، فکری‌اند.

● اهمیت دادن به فضا سازی و شخصیت‌های دیگر (شاگرد، همکار، دوستان، خانواده و ...) و ابزار نسبت به شغل اصلی در اغلب تصویرها، میزان اهمیت دادن به شخصیت‌های فرعی با شاغلان اصلی مساوی است و این رابطه با مردم را در طبقه

شغلی بهداشتی - درمانی و امور اجتماعی بیشتر می‌توانیم ببینیم. فضا سازی با شخصیت انسانی و غیر انسانی و طبیعت صورت گرفته است. حتی حضور فناوری را به‌عنوان ابزار و وسایل مربوط به شغل را هم‌زمان در فضا سازی و محیط با شخصیت انسانی و غیر انسانی شاهد هستیم. در این کتاب سعی شده است، تفاوتی بین شاغلان و بقیه مردم که در ارتباط با آن‌ها هستند، دیده نشود.

### ● نحوه قرارگیری شخصیت اصلی در فضا

بررسی‌های به‌دست آمده از این متغیر نشان می‌دهند که نحوه قرارگیری شخصیت اصلی در فضا و کادر اکثراً روی خط افق و خطوط و نقاط طلایی ترسیم شده است. این ترکیب‌بندی در مشاغل امور اجتماعی، خدماتی و فنی مهندسی بیشتر دیده می‌شود و در مشاغل مربوط به طبقه شغلی کشاورزی، محیط‌زیست و فراوری داده‌ها متغیر است و در بیشتر تصویرها، روی خط افق و حتی بالاتر یا پایین‌تر از خط افق تصویر شده‌اند. بنابراین می‌توان از این متغیر، با توجه به نوع قرارگیری افراد در کادر چنین استنباط کرد که مشاغل مطرح‌تر در جامعه، در نقاط تأکید کادر طلایی تصویر شده‌اند؛ در حالی که در مشاغلی مانند مشاغل مربوط به محیط‌زیست این نقاط تأکید را در پایین‌تر و روی خط افق می‌توانیم شاهد باشیم.

### ● نسبت اندازه پیکر شاغل به فضا و بقیه پیکر‌ها در تصویرهای مشاغل دیگر

اندازه پیکر شاغل نسبت به فضا و بقیه شاغلان، غالباً در حد متوسط و نه خیلی بزرگ و نه خیلی کوچک ترسیم شده است و فقط در طبقه شغلی خدماتی، این اندازه نسبت به پیکر‌های شاغلان دیگر در تصویرها بزرگ‌تر است و شاید بتوان گفت تصویرگر سعی داشته است تلاشی را که در این طبقه شغلی وجود دارد، با بزرگ‌تر نشان دادن پیکر و اهمیتی که این شغل در جامعه دارد، نشان دهد.

### ● ترکیب‌بندی، کادر و رنگ لباس

کادر تصویرها معمولاً افقی ترسیم شده است و ترکیب‌بندی در بیشتر مشاغل متمرکز است. بیننده در تصویرها، هم‌زمان شاغل و تمام ابزار و افرادی را که با هم در تعامل هستند، می‌تواند ببیند. در بررسی‌های مربوط به رنگ لباس در شخصیت اصلی و شخصیت‌های اطراف و وسایل و ابزار، حضور رنگ گرم و سرد را شاهد هستیم، اما در طبقه شغلی خدماتی و فنی مهندسی، حضور رنگ سرد در شخصیت اصلی بیشتر مورد توجه است و در شخصیت‌های اصلی بیشتر مورد توجه است و در شخصیت‌های دیگر در شاخه‌های متفاوت شغلی، رنگ گرم و سرد به کار برده شده است.

منابع در دفتر مجله موجود است.

## مقدمه

فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی به همه فضاها، اجتماعی، سازمانی و فردی در جوامع بشری وارد شده و شیوه زندگی روزمره، کار و معرفت او را به درجات گوناگون تحت تأثیر قرار داده‌اند. برخورداری از این فناوری‌ها، به مثابه وقوع یک «چرخش پارادایمی» در زندگی فردی و اجتماعی انسان است که در آن حتی مفاهیم کهن نیز با هندسه معرفتی جدیدی قابل شناخت هستند. به تعبیر مانوئل کاستلز، فناوری‌های نوین اطلاعاتی نقاط دور عالم را در شبکه‌های جهانی بهم پیوند می‌دهند، ارتباطات رایانه‌ای مجموعه‌ای از جوامع مجازی را به وجود می‌آورند و در نتیجه آن، همه ساختارها و فرایندهای مادی و معنوی بشری دگرگون می‌شوند. (کاستلز، ۱۳۸۰: ۴۸)

از سوی دیگر مشکلات زندگی شهری، مسئولان و شهروندان را مجبور می‌کند به دنبال راه‌حل‌های ممکن باشند. وجود فضای مجازی در کنار جهان فیزیکی می‌تواند به میزان قابل توجهی مشکلات شهری را برطرف کند. «با ظهور صنعت هم‌زمان ارتباطات، رایانه و به دنبال آن ارتباطات شبکه‌ای از طریق «آرپانت» و سپس شکل فراگیر این ارتباط در قالب «اینترنت»، فضای جدیدی برای شهر به وجود آمد که از آن به شهر مجازی تعبیر می‌شود.» (عاملی، ۱۳۸۴: ۱۱۸)

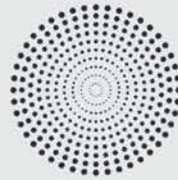
در هزاره سوم، فناوری اطلاعات به‌عنوان عمده‌ترین محور تحول و توسعه در جهان در نظر گرفته می‌شود و دستاوردهای ناشی از آن چنان با زندگی مردم عجین شده است که بی‌توجهی به آن اختلالی عظیم در جامعه و رفاه و آسایش مردم به وجود می‌آورد. نقش کلیدی فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات را در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نمی‌توان نادیده گرفت. امروزه شهر و شهر الکترونیکی به‌عنوان راهکار بی‌بدیل حل معضلات شهری مورد توجه شهرسازان و مدیران شهری واقع شده است. (کیانی، ۱۳۹۰: ۳۹)

تأثیرات شهرهای مجازی  
بر رفتار و کنش‌های افراد  
از دیدگاه جامعه‌شناسی

# شهر مجازی نوع دیگر زندگی

عباسعلی زارعی سورکی

دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه تهران



کلیدواژه‌ها: شهر مجازی، کنش افراد، فضای مجازی

## تعریف مفاهیم

**کنشگر:** مفهوم کنشگر از دیدگاه کاستلز به گستره‌ای از موضوعات مرتبط با کنش، همچون کنشگران فردی، کنشگران گروهی، سازمان‌ها، نهادها و شبکه‌ها اشاره دارد. حتی اگر این عملکرد به واسطه فرایندهایی در گذشته نهادینه یا سازمان‌دهی شده باشد، اما آنچه مهم تلقی می‌شود این است که در نهایت تمام سازمان‌ها، نهادها، و شبکه‌ها به‌گونه‌ای بر عملکرد کنشگران انسانی دلالت می‌کنند. (CASTELLS, 2009: 11)

**خانیکی** نیز معتقد است روزنامه‌نگارانی که فاقد مهارت‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاری هستند ولی به عنوان یک فعال اجتماعی یا هوادار در یک شبکه اجتماعی عضو می‌شوند و در آن شبکه به تولید محتوای رسانه‌ای می‌پردازند، کنشگر محسوب می‌شوند. (خانیکی، ۱۳۹۱: آنلاین) به این ترتیب، کنشگر اکنون عنصری مؤثرتر از گذشته تعریف می‌شود.

**کنشگری:** کنشگری یا «کتیویسم» به فعالیت‌های گوناگون در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و غیره گفته می‌شود که با هدف ایجاد تغییر در این سامانه‌ها انجام می‌گیرند. فعالیت‌های مرتبط با کنشگری گستره وسیعی دارند و از نوشتن نامه‌های سرگشاده به مسئولان و رسانه‌ها، تا برگزاری کارزارهای سیاسی، بایکوت اقتصادی، راه‌پیمایی خیابانی، اعتصاب، تحصن و اعتصاب غذا را دربرمی‌گیرند. برخی از کنشگران تلاش می‌کنند به‌جای اعمال فشار بر دولت‌ها، برای تغییر و بازنگری در قوانین، مردم را نیز به تغییر رفتار ترغیب کنند. (Shaw, 2001:43)

**کنشگری اینترنتی:** آنجلاچی آگوآیو در دانش‌نامه «رسانه‌های جنبش اجتماعی»، ذیل مدخل «کنشگری و رسانه‌های جدید»، کنشگری را مفهومی برآمده از رسانه‌های جدید تعریف کرده است که «غالباً با محتوای تولیدشده از سوی کاربران و دروازه‌بانی از سوی آن‌ها، ده‌ها میلیون بیننده و خواننده را به مشارکت و تعامل در خصوص محتوای به اشتراک گذاشته شده، فرا می‌خواند. کنشگری در مصادیق خود از رسانه‌های اجتماعی پرطرفدار مانند فیس‌بوک و توئیتر تا وبلاگ‌های شخصی، سوبه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره کسب می‌کند». به همین دلیل، اینترنت و به‌ویژه رسانه‌های اجتماعی مجازی مانند فیس‌بوک، توئیتر، «یوتیوب»، «مای اسپیس» و حتی وبلاگ‌ها، پادکست‌ها، فروم‌ها و «جماعت‌های محتوایی» نیز می‌توانند شیوه‌هایی از کنشگری را دنبال کنند. این امر باعث تسریع حرکت‌های شهروندی و بسیج اجتماعی افراد یا کاربران این سایت‌ها می‌شود (Angela, 2011:362)

به این ترتیب، کنشگری اینترنتی نوعی کنشگری اجتماعی است که در فضای واقعی نیز امکان انعکاس می‌یابد.

## شهر مجازی

شهر مجازی می‌تواند محل زیست جدیدی برای انسان‌ها فراهم کند که ناشی از امکانات و قابلیت‌های فضای مجازی است. «ولین

شهر مجازی در آمستردام هلند در سال ۱۹۹۴ شکل گرفت و به سرعت بسیاری از شهرهای اروپایی، آمریکایی و بعضی از شهرهای آسیایی مثل توکیو و سنگاپور وارد این فضای شهری شدند.» (عاملی، ۱۳۸۴: ۱۲۰) با توجه به افزایش جمعیت و آلودگی شهرها در ایران، ایجاد شهر مجازی را باید امری ضروری و جدی تلقی کرد. «در شهر مجازی خدمات اطلاعاتی بدون هیچ محدودیت زمانی و مکانی ارائه می‌شود. مفهوم شهر و دولت مقید به زمان و کار اداری، به شهر و دولت ۲۴ ساعته در هفت روز هفته تبدیل می‌شود و شهروندان در همه ساعات و دقیقاً روز امکان بهره‌مندی از خدمات دولتی و شهری را خواهند داشت.» (همان: ص ۱۲۱) زمانی که محدودیت‌های دسترسی به خدمات شهری با استفاده از شهر مجازی از بین برود، دیگر شهروندان مجبور به تحمل صف‌های طولانی و اتلاف وقت نخواهند شد.

در شهر مجازی مفهوم شهر شلوغ و پر ازدحام از بین می‌رود؛ چراکه حضور شهروندان از حضور فیزیکی به حضور مجازی تبدیل می‌شود. با این اتفاق، همه کسانی که برای خرید به یک پایگاه مراجعه می‌کنند، به‌طور هم‌زمان می‌توانند جنس مورد نظر خود را انتخاب و خریداری کنند؛ بدون اینکه برای دیگران مزاحمتی به‌وجود آورند. یکی دیگر از نیازهای شهروندان نیاز به محل‌های تفریحی است که این نیاز نیز می‌تواند تا حدودی در شهر مجازی برطرف شود. (لطیفی و دبیری، ۱۳۸۹: ۴۳)

بنابر آنچه گفته شد، می‌توان با طراحی شهر مجازی در کنار شهر فیزیکی بسیاری از مشکلات موجود در شهر فیزیکی را حل کرد. «باید توجه داشت که با رویکرد دو فضایی شدن شهر، شهر مجازی منهای شهر واقعی، و برعکس شهر واقعی منهای شهر مجازی، شهری ناکارآمد و بی‌معناست... از لحاظ نظری، دو فضایی شدن شهر، در ارتباط عمیق با پارادایم دو جهانی شدن هاست. پارادایم دو جهانی شدن‌ها بر این نظریه تأکید می‌کند که صنعت ارتباطات به‌طور عامل شرایط سرعت یافته‌ای را برای حرکت جمعیت، ارتباطات بین‌فردی و نزدیک کردن فضاها فراهم آورده است.» (عاملی، ۱۳۸۴: ۱۲۴)

## کاستلز: قدرت و کنشگری، ظرفیتی مخلوق جامعه شبکه‌ای

کاستلز در بین نظریه‌پردازان، اندیشمندی ویژه تلقی می‌شود. او حوزه‌های جامعه‌شناسی شهری، مطالعات سازمانی، مطالعات فضای مجازی، جنبش‌های اجتماعی، جامعه‌شناسی فرهنگ و اقتصاد سیاسی را در کنار هم مطالعه کرده است و بر این اساس، تحلیلی بین رشته‌ای از جهان پیچیده رسانه‌ای شده امروز به‌دست می‌دهد. نظریات وی در آخرین کتابش با عنوان «قدرت ارتباطات»، منعکس شده است. کاستلز در این کتاب بر نقش شبکه‌های ارتباطی در قدرت‌سازی در جامعه و به‌ویژه قدرت سیاسی تأکید می‌کند. او قدرت را این‌طور تعریف کرده است: «ظرفیتی رابطه‌ای است که یک کنشگر اجتماعی را قادر می‌سازد به‌گونه‌ای ناهم‌سنگ



و از راه‌هایی که خواسته‌ها، منافع و ارزش‌های کنشگران صاحب قدرت را برآورده می‌سازد، بر تصمیمات سایر بازیگران یا کنشگران اجتماعی تأثیر گذارد. قدرت، یا با اجبار و تحمیل (و با امکان بروز آن) معنا می‌یابد، و یا از طریق مفهوم‌سازی بر مبنای گفتمان‌هایی که کنشگران اجتماعی عملکردشان را با توجه به آن گفتمان‌ها هدایت می‌کنند. روابط قدرت بر مبنای حاکمیت شکل می‌گیرد و این همان قدرتی است که درون نهادهای جامعه قرار داده شده است. ظرفیت رابطه‌ای قدرت، مشروط به ظرفیت ساختاری حاکمیت است اما به واسطه آن تعیین نمی‌شود. نهادهایی می‌توانند در روابط قدرت سهیم باشند که بر حاکمیتی که برای این نهادها پیرامون حوزه‌های موضوعی‌شان به‌وجود آمده است، متکی باشند.» (Castells, 2009:427)

بر این اساس، قدرت یک ویژگی فردی یا گروهی نیست بلکه یک رابطه است. این تعریف به‌صورت آشکار با شبکه‌ها و نظریه‌های جامعه شبکه‌ای و نقش مناسب که توضیح داده می‌شود، متناسب است. ادعای اصلی کاستلز این است که:

۱ شبکه‌های ارتباطی، نقش اصلی را در قدرت‌سازی در هر شبکه‌ای، از جمله شبکه‌های شرکتی، مالی، صنایع فرهنگی، فناوری با شبکه‌های قدرت دارند.

۲ برنامه‌ریزی تک‌شبکه‌ها و انتقال داده‌ها میان شبکه‌های گوناگون، از منابع اصلی قدرت محسوب می‌شوند (همان: ص ۴۲۹) شناخت ساختار روابط قدرت از طریق ارتباطات در یک جامعه شبکه‌ای نیازمند تلفیق سه جزء اصلی فرایندی است که کاستلز آن‌ها را این‌گونه معرفی کرده است:

● تعینات ساختاری مرتبط با قدرت سیاسی و اجتماعی در یک جامعه شبکه‌ای جهانی.

● تعینات ساختاری مرتبط با فرایند ارتباط جمعی تحت تأثیر شرایط سازمانی، فرهنگی، و فناوری در زمان ما

● پردازش شناختی مرتبط با علائم ارائه شده توسط نظام ارتباطاتی به ذهن بشر، به‌گونه‌ای که به لحاظ سیاسی با کنش اجتماعی ارتباط یابد. (همان: ۴۵۱)

## تأثیر شهر مجازی بر رفتارها

با مطالعه تفاوت‌هایی که شهر مجازی با شهر واقعی دارد می‌توان به دیدگاه جامعی درباره امکانات و محدودیت‌های شهر واقعی و شهر مجازی رسید. «با نگاه کارکردگرایانه، شهر در فضای مجازی با چهار خصیصه کلی مربوط به «مکان» «کار»، «سرعت» و «نظام پاسخ‌گویی»، از شهر در جریان واقعی متمایز می‌شود.» (عاملی، ۱۳۸۴: ۱۲۵). این چهار مفهوم هویتی متفاوت در محیط واقعی با فضای مجازی پیدا می‌کنند. «زندگی در شهر واقعی با پدیده‌های کاملاً برجسته و مشخص مواجه است و از اجزای محسوس و طبیعی مثل مردم، حیوانات، گل و گیاه، درخت، سنگ، ابر، باران و خورشید و تغییر فصول و عناصر طبیعی و صنعتی مثل ساختمان‌ها، خیابان‌ها، میدان‌ها و کارخانجات برخوردار

است... خصیصه مشترک همه آن‌ها بدن داشتن، حجم داشتن و محسوس بودن است.» (پیشین) که این بدن داشتن، حجم داشتن و محسوس بودن در شهر مجازی از بین می‌رود. این امر یکی از تفاوت‌های اساسی بین مجازی و شهر واقعی را برجسته می‌کند. «با شکل‌گیری دولت الکترونیک و شهر مجازی، مفهوم کار عوض می‌شود. کار از یک بستر، چسبیده به مکان مشخص و مرکزی، به یک هویت جدا از مکان و به‌صورت غیرمرکزی شده تغییر می‌یابد.» (دوران، ۱۳۸۱: ۴۴)

در شهر مجازی کارمند می‌تواند کارهای خود را با استفاده از فناوری نوین اطلاعاتی انجام دهد. مثلاً مدیر یک کتابخانه می‌تواند اطلاعات وارد شده برای تقاضای عضویت را پس از مطالعه تأیید کند و پاسخ را از طریق رایانامه برای مراجعه‌کننده بفرستد. جدا شدن کار از محیط فیزیکی و انتقال آن به فضای مجازی می‌تواند بسیاری از مشکلات موجود در شهر فیزیکی را رفع کند. (بعلی، ۱۳۸۲: ۵۴)

«سرعت» یکی دیگر از مفاهیمی است که موجب تفاوت شهر فیزیکی و شهر مجازی می‌شود. درک سرعت انتقال در این فضا، شهرنشینی متفاوتی را نسبت به شهرنشینی سنتی قدیم به‌وجود می‌آورد. پرداخت قبض آب، تلفن، برق و گاز همراه با بسیاری از نقل و انتقال‌های مالی و یا انجام امور مربوط به شهرداری‌ها، مراکز خدمات درمانی، بیمه و تأمین اجتماعی و یا مراجعات مربوط به خرید انواع کالاها و یا مراجعات به مراکز نیروی انتظامی، دادگاه‌ها و مراکز حقوقی با سرعت اشاره به دکمه موس و یا دادن و گرفتن یک مجموعه اطلاعات می‌تواند صورت بگیرد.» (عاملی، ۱۳۸۴: ۱۲۷) پس سرعت انجام کارها در شهر مجازی به میزان قابل توجهی بالا می‌رود.

مسئله دیگری که وجود دارد این است که «در شهر واقعی، مراجعات و پاسخ‌گویی به‌صورت چهره به چهره و به‌صورت غیرموازی صورت می‌گیرد. یعنی یک فرد به‌طور هم‌زمان امکان پاسخ‌گویی به بیش از یک نفر را ندارد. در بسیاری از موارد، پاسخ‌گیرنده و یا فرد مراجعه‌کننده، یک دریافت‌کننده یا یک کنشگر غیرفعال محسوب می‌شود که صرفاً باید منتظر اقدام مسئول مربوطه باشد تا کار الف صورت گیرد.» (همان: ۱۲۸) در حالی که در شهر مجازی علاوه بر اینکه کارها به سرعت انجام می‌شوند، مراجعه‌کننده می‌تواند نظر خود را درباره انجام کارها در سیستم ثبت کند و در حین انجام یک کار به امور دیگری نیز بپردازد و از حضور هزاران نفر دیگر که برای انجام یک کار مشترک مراجعه کرده‌اند، اطلاعی نیابد.

## کار در شهر واقعی و مجازی

با شکل‌گیری دولت الکترونیک و شهر مجازی مفهوم کار عوض می‌شود. کار از یک بستر چسبیده به مکان مشخص و مرکزی به یک هویت جدا و به‌صورت غیرمرکزی شده تغییر شکل می‌یابد. در شهر و دولت مجازی، کار لزوماً با حضور کارمند در اداره مشخص و یا فضا و مکان متمرکز تحقق پیدا نمی‌کند بلکه با حضور در



تعهدات و... فراوان دیده می‌شود و این نوع ارتباطات اعتماد را دچار مشکل اساسی می‌کند (Hoag, 2003: 377) علی‌رغم وجود اختلاف فرهنگی و طبقه اجتماعی افراد، آداب و رسوم، زبان و ملیت، در شهر الکترونیک ارتباطات بسیار مؤثر و مفید مبتنی بر اعتماد نیز وجود دارد اما متأسفانه جو بی‌اعتمادی در فضای الکترونیکی نسبت به فضای فیزیکی بیشتر است. (دوبریک، ۲، ۲۰۱۱: ۴۴)

### انواع بی‌اعتمادی‌های موجود در شهر الکترونیک

گروهی از بی‌اعتمادی‌هایی که در شهر الکترونیک صورت می‌پذیرند، از این قرارند

● بی‌اعتمادی درونی بین سازمان‌های شهری و شهروندان به علت دور بودن از یکدیگر و نداشتن ارتباط رو در رو.

● بی‌اعتمادی بیرونی بین شهر الکترونیک و سایر سازمان‌ها که نیاز به رابطه کاری با هم دارند.

● بی‌اعتمادی به ساختار شهر از نظر بعد زیرساخت (فناوری) به علت عدم شناخت یا ضعف زیر ساخت مورد استفاده در سازمان..

● بی‌اعتمادی به سطح عملیات، فرایندها، سازوکارها و نرم‌افزارهای شهر الکترونیک.

● بی‌اعتمادی ناشی از احساس کنترل شدید و ماشینی بودن شهر به علت قابلیت کنترل آسان و گسترده در این نوع از شهرها.

● بی‌اعتمادی ذاتی ناشی از عدم تشخیص هویت واقعی شهروندان.

● بی‌اعتمادی ناشی از ناتوانی پیش‌بینی وضعیت و شرایط در شهر الکترونیک به دلیل رویارویی با تغییرات سریع در این شهرها.

● بی‌اعتمادی روانی ناشی از عدم احساس امنیت در فضای الکترونیکی.

● بی‌اعتمادی ناشی از عملیات خرابکارانه الکترونیکی (نفوذ و حمله و ویروسی یا هکرها یا...).

● بی‌اعتمادی ناشی از خطاهای سخت‌افزاری. (قاسم‌زاده و صفری، ۱۳۸۰: ۴۴)

### نتیجه‌گیری

رشد روزافزون شبکه‌های اجتماعی نشان‌دهنده تغییر بنیادین رفتارهای شخصی و اجتماعی کاربران اینترنت است. این شبکه‌ها در میان جوانان به یک وسیله ارتباطی ضروری تبدیل شده‌اند.

در فضای مجازی رفتارهای اجتماعی به تبعیت از شرایط فضای مجازی شکل می‌گیرند و مفهوم کار، ارتباطات اجتماعی، نحوه تعامل اجتماعی تغییر می‌یابد. از آنجا که شهرهای مجازی در آغاز راه خود هستند، هیچ نوع شهرسازی قطعی در این خصوص شکل نگرفته است. در نهایت، می‌توان گفت که شهر مجازی با تکیه بر ارتباطات شبکه‌ای گسترده شکل می‌گیرد. فضاهای شهر مجازی با رویکرد چند مرکزی و معطوف به نیازهای روزمره مردم پاسخ‌گویی فراگیر به نیازهای مزبور ساخته می‌شوند.

منابع در دفتر مجله موجود است.

فضای واحد، افراد از محل خانه به انجام وظایف شغلی مشغول می‌شوند. این امر مفهوم کار فراگیر با خصوصیت غیرمتمرکز بودن، ناپیوسته بودن و برای همگان و از همه‌جا قابل اجرا بودن را تحقق می‌بخشد. به دلیل فشرده شدن مراحل کار در فرایندهای تعریف‌شده دیجیتالی، زمان انجام کار به صورت غیرقابل تصویری کوتاه می‌شود و موجب تسهیل کار و کاهش ساعت تا حد دو ساعت در روز خواهد شد (Thorns, 2002:28)

مسئله دیگر تعامل جمعی شهروندان در فضای شهر مجازی است. در فضای معمولی مجازی، کاربران از حضور یکدیگر با خبر نمی‌شوند و از این رو ارتباط متقابل برقرار نمی‌شود. در نتیجه احساس زندگی کردن در جمع ضعیف می‌شود که این موضوع بعد واقعی بودن فضای مجازی را تضعیف می‌کند. (Waddell & Borning:2004:33)

### اعتماد در شهر الکترونیک

از آنجا که شهر الکترونیک (مجازی) را از نگاه مدیریتی می‌توان یک سازمان در نظر گرفت، اعتماد در آن محیط قابل بررسی است و از آنجا که دارای ویژگی‌های خاص خود است، این مفهوم باید با در نظر گرفتن ابعاد شهر جدید تبیین شود. اگر اعتماد در شهر سنتی اهمیت دارد، در شهر الکترونیک بسیار مهم‌تر است و اهمیت آن به این دلیل است که اعتماد تحت شرایط تغییر و بی‌ثباتی نقش ویژه‌ای ایفا می‌کند. زمانی که قوانین، سیاست‌ها، معیارها، قواعد و اصول سنتی وجود ندارند، افراد برای هدایت به روابط شخصی رو می‌آورند و کیفیت این روابط تا حد زیادی با سطح اعتماد تعیین می‌شود. در یک تقسیم‌بندی کلی، موضوع اعتماد را در گروه‌های الکترونیک که در سازمان‌های الکترونیک فعالیت می‌کنند، در سه سطح زیر می‌توان مورد بررسی قرار داد (Ishaya and Macaulay, 2009:57):

● اعتماد در سطح فناوری؛

● اعتماد در سطح رسانه؛

● اعتماد در سطح اجتماع

تعمیم این سه سطح از اعتماد در رابطه با اعتماد فردی بین شهروندان و یا اعتماد بین چند شهر الکترونیک امکان‌پذیر است. سطح فناوری و سطح رسانه به سازوکارها و نرم‌افزارهای مورد استفاده مربوط می‌شوند و به قدرت عملیات، ظرفیت و توانایی‌های سیستم همکاری ارتباط دارد. این دو سطح از سطوح بنیادین شهر الکترونیک هستند. ایجاد اعتماد در این سطوح با پیشرفت‌های فناوری‌های ارتباطی امکان‌پذیر است.

اما سطح اجتماعی اعتماد در شهر الکترونیک بسیار پیچیده‌تر از سطوح دیگر است. در شهر الکترونیک به علت نبود ارتباطات چهره به چهره، از انسان‌ها حرکات و رفتارهایی سر می‌زند که در شهر سنتی به ندرت وجود دارد. متأسفانه در ارتباط رایانه‌ای حقه و نیرنگ، خود را به جای دیگران جای زدن، شایعه‌پراکنی، تقاضای بی‌دلیل، رد درخواست‌های ضروری، گزافه‌گویی، قصور در انجام



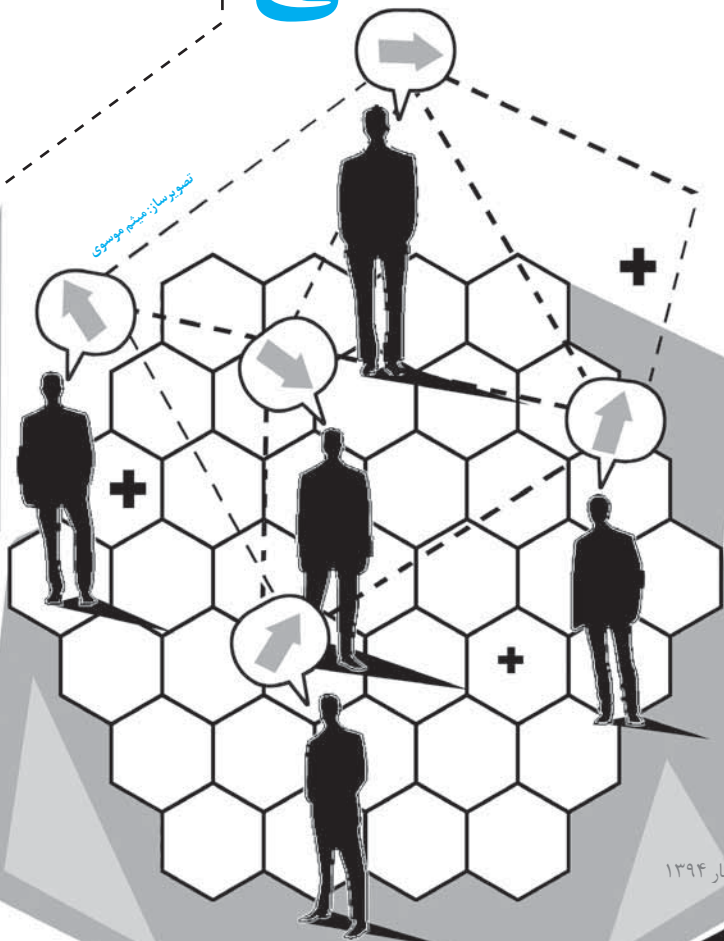
## چکیده

رشد و گسترش عقلانیت به معنای عقلانیت ابزاری و بری در دوران جدید، موجب شده است که کنش انسان‌ها با یکدیگر و نیز ساختارهای اجتماعی دگرگون شود و از این رو تحلیل جدیدی می‌طلبد. نظریهٔ گزینش عقلانی بر آن است که با تبیین‌های بدیع و متفاوتی از رفتار آدمی، ساختارهای اجتماعی و تعامل این دو با یکدیگر، دریچهٔ تازه‌ای را در تحلیل جامعه‌شناختی بگشاید. (مقدس و اسلام، ۱۳۸۵: ۱۷۶) به دلیل نقش نظریهٔ گزینش عقلانی در فراهم کردن انسجام تئوریک در کل رشته‌های علوم اجتماعی، این نظریه به عنوان «زبان مشترک» علوم اجتماعی توصیف شده است. علاوه بر ارائهٔ انسجام نظری در علوم اجتماعی، انتخاب عقلانی در علوم انسانی نیز گسترش یافته و بنیانی را برای بسیاری از کارهای جاری در فلسفهٔ قوم‌شناسی و قانون فراهم آورده است. (هکارتون، ۲۰۰۳) نظریهٔ گزینش عقلانی فرض را بر این می‌گیرد که هدف‌ها و ترجیح‌های فردی، معین و تثبیت شده‌اند و کنشگران در تعقیب این هدف‌ها، تنها باید میان انواع راه‌های کنش گزینش معقولی به عمل آورند. (هکتر، ۱۹۸۳: ۸، نقل در: ریتزر، ۱۳۷۴: ۶۱۱) شمار هواداران این نظریه در جامعه‌شناسی رو به افزون است. هر چند بر مقاومت هواداران دیدگاه‌های دیگر که عمدتاً از سنت محافظه‌کارانهٔ جامعه‌شناسی هستند، در برابر این نظریه افزوده می‌شود. در این نوشتار بر آنیم تا زیرعنوان‌های ریشه‌های فکری، تعریف و ابعاد، مفروضات، صاحب‌نظران، رویکردهای مختلف مطرح در نظریهٔ گزینش عقلانی و انتقادات، به معرفی این نظریه بپردازیم.

**کلیدواژه‌ها:** عقلانیت، فایده‌گرایی، گزینش عقلانی، فردگرایی، روش‌شناختی

# درآمدی بر نظریهٔ گزینش عقلانی

تصویر ساز: نسیم موسوی



دکتر محمد جواد زاهدی  
دانشیار دانشگاه پیام‌نور  
پروین علی‌پور  
دانشجوی دکتری دانشگاه پیام‌نور



## ریشه‌های فکری نظریه‌گزینش عقلانی

اصول بنیادی «نظریه‌گزینش عقلانی» از اقتصاد نوکلاسیک و فایده‌گرایی سرچشمه گرفته است. (ریترز، ۱۳۸۹: ۲۸۱) مهم‌ترین ریشه نظریه‌گزینش عقلانی از دیدگاه صاحب‌نظران، اقتصاد کلاسیک و نوکلاسیک است. اقتصاددانان کلاسیک انسان‌ها را جست‌وجوگرانی منطقی می‌شناسند که به دنبال حداکثر کردن سود خویش هستند. **آدام اسمیت** تقسیم کار و اشتغال افراد به مشاغل مختلف را نتیجه منطقی تمایل افراد به مبادله می‌داند که منشأ آن نفع شخصی است. اقتصاددانان نوکلاسیک در ادامه همین راه می‌خواستند علم اقتصاد را براساس این اصل که «انسان در جست‌وجوی تمتع بیشتر با کوشش کمتر است»، پایه‌ریزی کنند. مفهوم «انسان اقتصاد» برای آن‌ها انسانی فرضی است که به‌طور منطقی و با روش کاملاً عقلانی در تعقیب منافع شخصی خود است (قدیری اصلی ۱۳۷۶: ۴-۳۲۳) که البته نفع شخصی افراد در کنار هم تشکیل دهنده نفع اجتماعی نیز هست.

فایده‌گرایی یکی دیگر از بنیادهای نظریه‌گزینش عقلانی است. این نظریه مقیاس مشترکی به‌دست می‌دهد برای سنجش انواع نیکی‌ها از قبیل: نیکی درآمد و فراغت، نیکی تغذیه و صرف هزینه و نیکی بحث‌های روشن‌فکرانه و محیط اجتماعی حاصل از آن. غرض نظریه‌فایده‌بخشی صوری ساختن این قابلیت است. این نظریه منطقاً بر سه اصل استوار است:

۱. فایده تابعی است از متغیر نیکی، و نهایتاً هم ارزش هر نیکی را برای شخص فاعل مشخص می‌سازد.

۲. عاقلان همواره پیامدهایی را اختیار می‌کنند که فایده بیشتری داشته باشد.

۳. مقیاس فایده، مقیاسی پیوسته و لذا قابل ادامه و افزایش است. (لیتل، ۱۳۸۱: ۷۱)

دیگر سرچشمه نظریه‌گزینش عقلانی دیدگاه **وبر** در باب «عقلانیت» است. وبر چهار نوع کنش را از یکدیگر تفکیک می‌کند که عبارت‌اند از کنش سنتی، کنش عاطفی، کنش معطوف به ارزش و کنش عقلانی. تمرکز وبر بر کنش در مدرنیته یا همان کنش عقلانی است. کنش عقلانی وقتی اتفاق می‌افتد که کنشگر بهترین و کاراترین راه را برای رسیدن به هدفی مشخص می‌سنجد و محاسبه می‌کند. نه اینکه «چنین می‌کنم چون فلان را می‌خواهم»، بلکه «چنین می‌کنم چون تصور می‌کنم بهترین و

کاراترین راه برای رسیدن به فلان هدف است». به اعتقاد وبر، مدرنیته مستلزم فائق آمدن عقلانیت محدود بر همه دیگر اشکال کنش است. (جلائی‌پور و محمدی، ۱۳۸۷: ۶۰)

## تعریف و ابعاد نظریه‌گزینش عقلانی

نظریه‌گزینش عقلانی، جامعه را مجموعه‌ای از افراد می‌داند که کنش عقلانی دارند. یعنی براساس این نظریه، کنشگر کنشی را انتخاب می‌کند که حداکثر فایده را برای او دارد. (کلمن، ۱۳۷۷) **پاره‌تو**، جامعه‌شناسی را علم کنش‌های غیرمنطقی و اقتصاد را علم کنش‌های منطقی می‌داند (بودون، ۱۳۷۰) اما در جامعه‌شناسی نیز گرایش عمده‌ای وجود دارد که براساس انتخاب عقلانی، رفتارهای بشری را تبیین می‌کند.

در نظریه‌گزینش عقلانی، جامعه مجموعه‌ای از افراد است که کنش عقلانی دارند. کنش عقلانی در این منظر، کنش عقلانی معطوف به هدف در تعریف وبر یا کنش مبتنی بر عقلانیت ابزار است. این افراد آگاه، مختار و هدفمند در هر شرایطی به دنبال بیشینه کردن سود خود هستند. کار فاعلانی عاقلانه است که در چارچوب اعتقاداتشان، نسبت به شقوق ممکنه و عواقب مختار شقوق، شقی را برگزینند که برای رسیدن به غایاتشان بهترین راه باشد. (لیتل، ۱۳۸۱: ۶۹)

از این‌روست که تأکید و تمرکز نظریه‌گزینش عقلانی روی کنشگران است. به اعتقاد نظریه‌پردازان گزینش عقلانی، کنشگران دارای هدف و نیت هستند؛ یعنی مقاصد یا اهدافی برای کنش‌هایشان در نظر دارند. کنشگران همچنین دارای رجحان‌ها (یا ارزش‌ها و منفعت‌ها)ی هستند و نظریه‌گزینش عقلانی به این قضیه کاری ندارد که این اولویت‌ها یا منابع آن‌ها چه چیزهایی هستند. از جمله نکات مهم این نظریه آن است که کنش در راستای نیل به اهدافی عمل می‌کند که با سلسله مراتب رجحان کنشگر هماهنگی دارد. باید توجه داشت که کنش دارای دو محدودیت عمده است:

مورد نخست کمبود منابع است. کنشگران از منابع متفاوتی برخوردارند و نیز از لحاظ دستیابی به منابع دیگر در شرایط یکسانی نیستند. احتمالاً نیل به اهداف برای کسانی که به منابع فراوانی دسترسی دارند، نسبتاً آسان است اما برای آن‌هایی که منابع کمی در اختیار دارند، ممکن است دستیابی به اهداف دشوار و یا حتی غیرممکن باشد.

دومین منبع محدودکننده کنش فردی نهادهای اجتماعی هستند. کنش‌های فرد نوعاً از گهواره تا گور تحت‌الزام قواعد خانوادگی و مدرسه، قوانین و احکام، خط‌مشی‌های محل کار و... درمی‌آید. این قیدوبندهای نهادی تقویت‌کننده‌های منفی و مثبتی را فراهم می‌آورند که کنش‌های خاصی را تشویق و از وقوع کنش‌های دیگر جلوگیری می‌کنند. (ریترز و گودمن، ۱۳۹۰: ۴۱۰-۴۰۰).

**فریدمن و هکتور** دو ایده دیگر را نیز برمی‌شمارند که به‌نظر

## کنش عقلانی وقتی اتفاق می‌افتد که کنشگر بهترین و کاراترین راه را برای رسیدن به هدفی مشخص می‌سنجد و محاسبه می‌کند نه اینکه چنین می‌کنم چون فلان را می‌خواهم، بلکه چنین می‌کنم چون تصور می‌کنم بهترین و کاراترین راه برای رسیدن به فلان هدف است

معتقد به عدم مداخله دولت در بازار و نظم خود به خودی است که توسط سازوکارهای درونی بازار ایجاد می‌شود، نظریه انتخاب عقلانی جامعه را در وضعیت عادی خویش سرشار از توافق می‌داند. **کرایب** اشاره می‌کند: «ثبات و نظم را افرادی پدید می‌آورند که دست به انتخاب‌های عقلانی آزاد می‌زنند. در چنین حالتی ماهیت نظام‌یافته جامعه نتیجه آن چیزی تلقی می‌شود که **آدام اسمیت** آن را **دست نامرئی** نامیده است. (کرایب، ۱۳۸۵: ۹۱-۹۰). لذا بی‌دلیل نیست که این نظریه را ایدئولوژی جریان‌های لیبرال و جناح راست می‌دانند.

### مفروضات

نظریه کنش عقلانی الگوهای جمعی کنش در نظام‌های اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد. بدین منظور، غالباً فرض‌های ساده شده‌ای در مورد رفتار به کار گرفته می‌شوند که از همه مهم‌تر اصل موضوعه عقلانیت است و براساس آن افراد، کنشگران هدفمند در نظر گرفته می‌شوند که به دنبال بهینه‌سازی منافع خویش‌اند. مطابق با این نظریه، افراد با توجه به مجموعه‌ای از کنش‌های بالقوه، کنشی را برمی‌گزینند که برای آن‌ها بهترین نتیجه را در برداشته باشد.

در این نظریه، فرض بر این است که انسان‌ها عقلانی هستند و کنش آن‌ها مبتنی بر این است که از مؤثرترین وسایل برای نیل به اهداف خود استفاده کنند. در جهانی که منابع کمیاب است، لازم است پیوسته وسایل مختلف رسیدن به اهداف مختلف و نیز انتخاب بین آن‌ها مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرد. اصطلاح انتخاب عقلانی نیز از همین بنیان ناشی می‌شود. (والاس و ولف، ۱۹۹۹: ۲۰۳؛ آب، ۲۰۰۳ نقل شده در: مقدس و اسلام، ۱۳۸۵)

براساس اصل موضوعه عقلانیت فرض‌هایی ساخته می‌شوند که قابل تعمیم به کنش‌های اجتماعی و سطوح ساختاری و نهادی هستند. **تورنو** (۱۹۹۸: ۳۰۴) فرض‌های نظریه انتخاب عقلانی را به قرار زیر فهرست کرده است:

- ۱ «انسان‌ها هدف‌دار و هدف‌جو هستند.
  - ۲ انسان‌ها دارای مجموعه‌ای از ترجیحات یا منافع‌اند که به شکل سلسله مراتبی تنظیم یافته‌اند.
  - ۳ انسان‌ها در گزینش مسیرهای رفتاری خود، به اشکال زیر به محاسبه عقلانی می‌پردازند:
- سود مسیرهای مختلف رفتار با توجه به سلسله مراتب ترجیحات؛
  - هزینه‌های هر گزینه بر حسب منافع صرف نظر شده؛
  - بهترین راه بیشینه‌سازی منافع.

آن‌ها برای نظریه گزینش عقلانی اهمیت اساسی دارند: اولی عبارت است از نوعی سازوکار جمعی یا فرایندی که از طریق آن «کنش‌های فردی جداگانه به منظور تولید فرآورده‌های اجتماعی معینی با هم ترکیب می‌شوند.» (همان، به نقل از فریدمن و هکتر، ۱۹۸۸: ۲۰۳) ایده دوم، اهمیت اطلاعات در انجام گزینش‌های عقلانی است. زمانی فرض بر این بود که کنشگران از اطلاعات کامل یا دست‌کم کافی برای انتخاب گزینه‌های هدفمند از بین مسیرهای متفاوت کنش برخوردارند اما این قضیه بیش از پیش مورد تأیید قرار می‌گیرد که کمیت و کیفیت اطلاعات موجود، متغیر است و این تغییر تأثیر شدیدی بر گزینه‌های کنشگران دارد. (همان، به نقل از هکتورن، ۱۹۹۷) البته روایت جامعه‌شناختی انتخاب عقلانی تمام رفتارهای بشری را عقلانی تصور نمی‌کند، بلکه اعتقاد دارد که مردم به تعداد و دفعات کافی دست به کنش عقلانی می‌زنند که نظریه انتخاب عقلانی را به یک گزاره کارآمد تبدیل می‌کند. دیگر اینکه کنش عقلانی ابزاری، از لحاظ روش‌شناختی مقدم است؛ یعنی وقتی می‌کوشیم کنش انسانی را درک کنیم، باید تبیین‌ها و الگوهای عقلانی را در اولویت قرار دهیم. (کرایب، ۱۳۸۶: ۹۷) با اولویت دادن به کنش عقلانی راه را برای نگاه کردن به سایر انگیزه‌ها باز می‌کنیم. نظریه انتخاب عقلانی با این تعبیر، به مفهوم سنخ آرمانی و بر بسیار نزدیک‌تر می‌شود. با نگاه کردن به شیوه تفاوت واقعیت با آنچه در صورت عقلانی بودن کنش افراد می‌توان انتظار داشت، می‌توانیم جنبه‌های شالوده‌ای - یا دست‌کم غیرعقلانی - رفتار آن‌ها را کشف کنیم. این برداشت دفاع نیرومندی از تبیین انتخاب عقلانی است. (همان: ۹۸)

### مفروضات نظریه گزینش عقلانی

براساس تقسیم‌بندی **ریترز** از انگاره‌های جامعه‌شناختی، نظریه گزینش عقلانی را باید در زمره انگاره تعریف اجتماعی دانست. ریترز موضوع مطالعه انگاره تعریف اجتماعی را جهان ذهنی خرد و آن بخش از جهان عینی خرد می‌داند که به فرآیندهای ذهنی (یعنی کنش) می‌پردازد. (ریترز، ۱۳۷۴: ۶۴۵) از بعد تقسیم‌بندی توافق - تضاد، انتخاب عقلانی را باید طرفدار توافق دانست. بنا بر پیش فرض اقتصاد کلاسیک که

۴ باز تولید پدیده‌های اجتماعی همچون ساختارهای اجتماعی، تصمیم‌های جمعی و نیز رفتار جمعی، نتیجه انتخاب‌های عقلانی افرادی است که به دنبال بیشینه‌سازی سودند.

۵ پدیده‌های اجتماعی نوظهوری که از انتخاب‌های عقلانی ناشی می‌شوند، مجموعه‌ای از عوامل را برای انتخاب‌های عقلانی بعدی افراد فراهم می‌کنند، به نحوی که عوامل تعیین‌کننده زیر را مدنظر دارند:

• توزیع منابع در میان افراد؛

• توزیع فرصت‌ها برای مسیرهای مختلف رفتار؛

• توزیع هنجارها و تعهدات در یک موقعیت» (نقل شده در مقدس و اسلام، ۱۳۸۵: ۱۸۰)

همان‌گونه که پیداست، هر چه از فرض ۱ به فرض ۵ و زیرمجموعه‌های آن نزدیک‌تر می‌شویم، سطوح ساختاری و نهادی اهمیت بیشتری می‌یابند. ادعای طرفداران نظریه انتخاب عقلانی در تحلیل مسائل سطح کلان اجتماعی با فرض‌های ساده و قابل آزمون، دقیقاً در این فرض‌های طرح‌شده به‌وسیله ترنر آشکار است.

به دلیل تأکید بسیاری که در نظریه انتخاب عقلانی بر فردیت و عقلانیت می‌شود، می‌توانیم با اطمینان بگوییم که بین ماهیت مدرنیته و نظریه انتخاب عقلانی پیوند و رابطه وجود دارد. (کرایب، ۱۳۸۶: ۸۷)

به عقیده مارگارت آرچر: «ادعای گزافی نیست اگر بگوییم که انتخاب عقلانی، بر نظریه کلان مدرنیته متأخر استوار است. فراروایت‌های این نظریه، اساساً به عقلانی شدن پیشرونده غرب و سپس جهان مربوط می‌شود. به همین دلیل است که این رهیافت، در نهادهای اقتصادی و مالی بین‌المللی تا این حد نفوذ یافته است. مادامی که نیروهای جهانی دست اندر کار افسون‌زدایی هستند، این نظریه می‌تواند گام‌هایی بزرگ و این چنین مؤثر بردارد. (آرچر و تریتز، ۲۰۰۱، نقل شده در مقدس و اسلام، همان)

همچنین، **استفان فیشر** (۲۰۰۳) مفروضه‌های نظریه گزینش عقلانی را به‌صورت خلاصه، چنین بیان می‌کند:

• هدف نظریه مزبور تولید قواعد جهانی یا عمومی حاکم بر رفتار اجتماعی، از طریق تعریف تعادل است. تعادل وقتی وجود دارد که هیچ‌کس به تغییر رفتار خود تمایل نداشته باشد. این تعادل وقتی است که افراد (نه گروه‌ها) نفع مورد انتظار خود را به حداکثر می‌رسانند.

• نظریه گزینش عقلانی بر پایه فردگرایی روش‌شناختی است. یعنی انتخاب عقلانی وجود گروه‌ها را انکار نمی‌کند بلکه ادعا می‌کند که فقط افرادند که عمل می‌کنند. (جوادی یگانه، ۱۳۸۷)

**ریمون بودون** نیز نظریه گزینش عقلانی را مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌ها تلقی می‌کند که عبارت‌اند از:

• پدیده‌های اجتماعی معلول و نتیجه تصمیمات، کنش‌ها و نگرش‌های افراد هستند.

• اصولاً هر کنشی دست‌کم قابل فهم است.

• کنش‌ها معلول استدلال‌های ذهنی افراد هستند.

• استدلال‌ها و رویکرد عقلانی، برآمده از توجه کنشگر به نتایج کنش اوست (نتیجه‌گیری ابزارگرایانه)

• کنشگران عمدتاً به نتایج کنش برای خودشان توجه می‌کنند. کنشگران می‌توانند سود و زیان کنش‌های خود را محاسبه کنند و آن نوع کنشی را انجام دهند که به نفع آن‌هاست. (به حداکثر رساندن و بهینه‌سازی - بودون، ۲۰۰۳: ۶).

از جمله صاحب‌نظران برجسته نظریه گزینش عقلانی می‌توان به جیمز کلمن، ریمون بودون و مایکل هکتر اشاره کرد.

### فردگرایی روش‌شناختی و نظریه گزینش عقلانی

نظریه گزینش عقلانی (یا به تعبیر کلمن «انگاره کنش عقلانی»، ۱۹۸۹: ۵) تنها نظریه‌ای است که امکان ایجاد تلفیق انگاره‌ای را در خود دارد. به اعتقاد کلمن، رویکرد مذکور بر مبنای «فردگرایی روش‌شناختی»<sup>۱</sup> عمل می‌کند. از این‌رو، نظریه گزینش عقلانی را به‌عنوان مبنای سطح خرد برای تبیین پدیده‌های سطح کلان مورد استفاده قرار می‌دهند. کلمن می‌گوید جامعه‌شناسی باید توجه خود را روی نظام اجتماعی متمرکز کند اما این پدیده‌های کلان باید به واسطه عوامل درونی نظام‌های اجتماعی، مثلاً افراد، تبیین شوند. او به چند دلیل فعالیت در این سطح را می‌پسندد؛ از جمله این واقعیت که داده‌ها معمولاً در سطح فردی گردآوری و سپس برای کاربرد در سطح نظام با یکدیگر تجمیع و یا ترکیب می‌شوند. از دلایل دیگر علاقه کلمن به کار در سطح فردی این است که سطح فردی همان جایی است که معمولاً «مداخله‌ها» برای ایجاد دگرگونی‌های اجتماعی صورت می‌پذیرند. نکته اساسی در دیدگاه کلمن این عقیده است که نظریه اجتماعی صرفاً یک فعالیت دانشگاهی نیست بلکه می‌باید از طریق چنین «مداخلاتی» بر جهان تأثیر گذارد.

کلمن با توجه به تأکیدش بر فرد اذعان می‌کند که یک فردگرایی روش‌شناختی است؛ هر چند که دیدگاه ویژه‌اش را به‌عنوان «گونه خاصی» از این جهت‌گیری به‌شمار می‌آورد. دیدگاه او از این حیث خاص است که ایده ظهور را می‌پذیرد و بر عوامل درونی نظام تمرکز دارد، اما آن عوامل را لزوماً شامل کنش‌ها یا جهت‌گیری‌های فردی نمی‌داند. یعنی به‌جز افراد، پدیده‌های سطح خرد دیگر نیز نمی‌توانند در تحلیل او گنجانده شوند. (ریتزر و گودمن، ۱۳۹۰: ۴۴۱-۴۴۰)

### رویکردهای مختلف در نظریه گزینش عقلانی

«مهم‌ترین نظریه‌های بنا شده بر پایه نظریه گزینش عقلانی،

«نظریه تصمیم‌گیری»، «نظریه کنش جمعی» و «نظریه بازی» است. (جوادی یگانه، ۱۳۸۷: ۳۶)

**نظریه تصمیم‌گیری:** این نظریه بر مفروضاتی چند به این شرح مترتب است:

۱ هر فرد مجموعه‌ای منظم و رتبه‌بندی شده از اهداف دارد.

۲ در هر موقعیتی چند راه پیش پای فرد قرار دارد.

۳ هر کدام از این راه‌ها پیامدهایی را به دنبال دارند که میزان مثبت یا منفی بودن این پیامدها در برآورده ساختن اهداف مدنظر فرد است.

در نتیجه، فرد بر حسب پیامدی که برای هر راه وجود دارد، راهی را برمی‌گزیند که بهترین پیامد را برای فرد در پی داشته باشد. اهدافی که ذکر شد، متنوع و گوناگون‌اند؛ تحصیل درآمد، فراغت، فرهیختگی و مانند آن، و به عبارت دیگر، اهداف مادی و عینی و اهداف غیرمادی. (لیتل، ۱۳۸۱)

**نظریه مسابلقه:** عقلانیت موجود در نظریه تصمیم‌گیری به بیان **الستر** «عقلانیت پارامتریک» است عقلانیت پارامتریک مستلزم تصمیمات کنشگر است، اما نوع دیگری از عقلانیت نیز وجود دارد که الستر آن را عقلانیت راهبردی نامیده است و مربوط به موقعیت‌هایی می‌شود که فرد برای تصمیم‌گیری باید تصمیمات افراد دیگر را نیز لحاظ کند. برای مثال، یک فرمانده عاقل باید علاوه بر عقلانیت تصمیمات خود، تصمیمات دشمن را که او نیز عاقلانه رفتار می‌کند، در نظر گیرد. در حقیقت، عقلانیت راهبردی خویشاوندی و پیوند نزدیک‌تری با علوم اجتماعی دارد؛ زیرا با تعاملات اجتماعی سروکار دارد. نظریه مسابلقه جزو عقلانیت راهبردی است.

مسابقه دو گونه هستند: مسابقات سرجمع صفر که برد یک طرف برابر است با باخت طرف دیگر. مثل پرتاب سکه و مسابقات سرجمع ناصفر که به جز حالت برد و باخت، تساوی نیز وجود دارد؛ مثل قرارداد میان سرمایه‌دار و کارگر که ممکن است یکی از دو طرف بیشتر سود برد و یا هر دو به یک اندازه سود برند. مسابقات سرجمع صفر زمینه‌ساز رقابت صرف‌اند؛ در حالی که مسابقات سرجمع ناصفر آمیخته‌ای از همکاری و رقابت هستند و از این نظر بیشتر مورد توجه علوم اجتماعی قرار گرفته‌اند.

یک نمونه از مسابقات سرجمع صفر «دو راهی<sup>۲</sup> شخص زندانی» است. در این وضعیت، دو کنشگر وجود دارند که هر کدام دو راه پیش‌رو خواهد داشت: همکاری یا ترک همکاری. در این مسابقه اگر هر دو همکاری کنند، هر دو یک امتیاز مثبت کسب می‌کنند. اگر هر دو ترک همکاری کنند، هر دو یک امتیاز منفی و اگر یکی همکاری و دیگری ترک همکاری کند، کسی که همکاری کرده است، دو امتیاز منفی و طرف مقابل دو امتیاز مثبت کسب می‌کند. حال پرسش این است که بنا بر مفروضات نظریه انتخاب عقلانی، هر کدام از دو طرف چه

خواهند کرد. بهترین انتخاب برای هر کدام به‌طور مجزا حداکثر کردن سود، یعنی ترک همکاری است ولی نتیجه چنین امری ضرر هر دو خواهد بود. این وضعیت را «پارادوکس عقلانیت جمعی» نامیده‌اند؛ زیرا عقلانیت فردی هر بازیگر در تضاد با نفع شخصی اوست. گویی در اینجا عقلانیت فردی به ضرر جمعی می‌انجامد. (لیتل، ۱۳۸۱)

نظریه کنش جمعی بیان می‌کند که افراد عاقل به دنبال کسب کالاهای همگانی گروه خود نمی‌روند بلکه در ترجیحات خود، طفیلی‌گری را انتخاب می‌کنند. بنابراین، اکثر تصمیمات جمعی با شکست روبه‌رو می‌شوند. **مکنور اولسون** در کتاب «منطق کنش جمعی» (۱۹۶۵)، به دنبال بررسی مسئله کنش جمعی بود؛ بدین معنی که چگونه افرادی که در راستای منافع شخصی خویش عمل می‌کنند، نمی‌توانند تدارک کالاها یا خدماتی را که از لحاظ جمعی به نفع همه‌شان است، تضمین کنند. (همان: ۹۲)

از سوی دیگر، بر اساس مدل انتخاب عقلانی، هر کنشگر عاقل ممکن است در موقعیت‌هایی قرار گیرد که عقلانیت ابزاری به وی حکم کند که نفع فردی (آنی) را انتخاب کند اما منطق آن نوع خاص از موقعیت، به گونه‌ای باشد که انتخاب گزینه نفع فردی توسط او (و بسیاری دیگر از کنشگران عاقل)، نتیجه‌ای را به دنبال داشته باشد که به زیان همگان (از جمله آن کنشگران عاقل) باشد. بازی دو راهی زندانی به خوبی نشان دهنده این ساخت فاسد است؛ ساختی که در آن، هر زندانی به دنبال کم کردن زمان زندان خود است و انتخابی می‌کند که نتیجه آن، ماندن بیشتر هر دو زندانی در زندان خواهد شد؛ چیزی که هیچ‌کدام از دو زندانی، انتظار آن را ندارند.

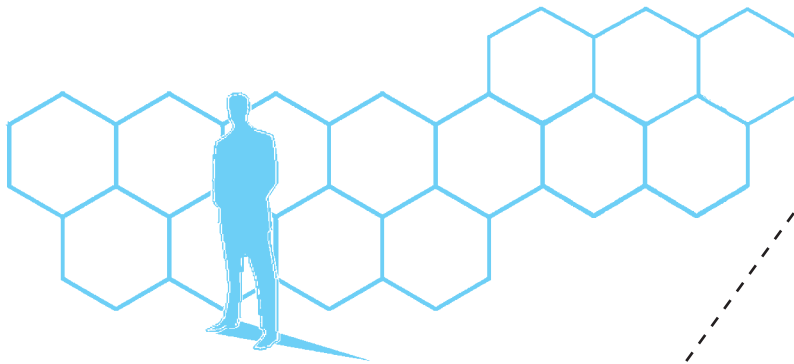
**گرت هاردین** در مقاله‌ای به نام «تراژدی اشتراک» (۱۹۶۸) به برخی از این موقعیت‌ها اشاره کرده است؛ از جمله چراندن بیش از حد دام در یک مرتع، یا صید بیش از اندازه از یک دریاچه که باعث از بین رفتن منابع و در نتیجه، زیان جمعی دام‌داران یا ماهیگیران خواهد شد. **داووز** (۱۹۸۰) این موقعیت‌ها را «دو راهی اجتماعی» نامیده است. (جوادی یگانه و هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۴۶)

### انتقادات مطرح شده در مورد نظریه گزینش عقلانی

نظریه گزینش عقلانی آماج حملات شدیدی در جامعه‌شناسی بوده است که مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیرند:

**چارلز تیلی** (۱۹۹۷: ۸۳) انتقادهای عمده زیر را بر نظریه گزینش عقلانی وارد می‌داند:

- عدم توانایی در نشان دادن سازوکارهای علی؛
- ترویج نوعی تقلیل‌گرایی روان‌شناختی ناقص و بنابراین گمراه‌کننده؛
- حمایت از نوعی «نظریه عام» در جهت گزینش عقلانی که دانش پژوهان اجتماعی را برای مدتی در مسیرهای بن‌بست



تقلیل‌گرایی فردگرایی قرار داده بود.  
**بلاو** (۱۹۹۷) با توجه به مواضع کلان ساختاری‌اش استدلال می‌کند که جامعه‌شناسی می‌باید بر پدیده‌های سطح کلان تأکید داشته باشد و در نتیجه، تبیین رفتار فردی که تخصص نظریه‌گزینش عقلانی است، بیرون از قلمرو جامعه‌شناسی قرار می‌گیرد.

همچنین، **توماس فارانو** (۱۹۹۶) نظریه‌گزینش عقلانی

را به خاطر نادیده گرفتن پدیده‌هایی همچون فرهنگ، مورد انتقاد قرار می‌دهد و **جیل گرگ** (۱۹۹۷) از این نظریه به دلیل کم‌اهمیت شمردن «رویدادهای اتفاقی» انتقاد می‌کند. (ریترز و گودمن، ۱۳۹۰: ۴۵۱-۴۵۰)

**کالینز** (۱۹۹۷) چند ضعف عمده نظریه انتخاب عقلانی را موارد زیر می‌داند:

● قدرت دیدگاه‌گزینش عقلانی در تبیین و پیش‌بینی، یک همان‌گویی است.

● از عواطف انسانی غفلت می‌ورزد.

● در تحلیل قشربندی و به‌ویژه قدرت سرکوبگر ضعیف عمل می‌کند. (مقدس و اسلام، ۱۳۸۵: ۲۰۸)

گذشته از این انتقادات، نظریه‌گزینش عقلانی پاسخ دقیقی به موضوع عوامل مؤثر بر حفظ و ثبات جامعه و تبیین رفتار گروهی نمی‌دهد. این نظریه با آغاز کردن از دیدگاه فرد عقلانی، سؤال را به شکل تازه‌ای در می‌آورد و با این کار، دقیقاً نشان می‌دهد که چقدر دشوار است نظم اجتماعی و کنش گروهی یا جمعی را توأمان تبیین کنیم. (والاس و وولف، ۱۹۹۹، نقل در همان) نظریه‌گزینش عقلانی هواداران بسیاری دارد. در آینده کوشش‌های فراوانی را برای مشروعیت بخشیدن به این نظریه به‌عنوان یک نظریه جامعه‌شناختی و حتی در جهت کاربرد و توسعه آن خواهیم دید. البته ممکن است گسترش و تشدید انتقادات را نیز در مورد نظریه‌گزینش عقلانی شاهد باشیم.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. اصطلاح فردگرایی روش‌شناختی به‌وسیله **شومپتر** (Schumpeter 1908) ابداع شد. «او این اصطلاح را وضع کرد تا بگوید نهایتاً همه پدیده‌های اجتماعی در تحلیل آخر به تصمیمات و کنش‌های افراد برمی‌گردند.» (مارتنلی، ۲۰۱۰: ۳)
۲. فردگرایی روش‌شناختی چشم‌اندازی در مورد شیوه تبیین پدیده‌های اجتماعی است. در این رویکرد نظر بر این است که می‌توان پدیده‌های اجتماعی را برحسب کنش‌های افراد تبیین کرد. از این رو، نهادهای اجتماعی را باید به‌عنوان مجموعه‌هایی از افراد و تمایلات آن‌ها تکریم کرد. این رویکرد نوعی نگاه اتم‌گرایانه دارد و تبیینی اتم‌گرایانه از پدیده‌های اجتماعی ارائه می‌دهد که اتم‌های اجتماعی همان فرد و کنش‌های او هستند. (ایمان و غفاری‌نسب، ۱۳۹۱: ۲) به عبارت دیگر، در فردگرایی روش‌شناختی فرد به‌عنوان واحد اساسی تحلیل اجتماعی است؛ بر عکس روش‌های کل‌گرایانه که در آن‌ها اجتماع و ویژگی‌های فردی مستخرج از آن اساس تحلیل است. (پولاک، ۲۰۰۶)
۳. مفهوم دو راهی به معنای آن است که کنشگر بین دو گزینه واقع می‌شود که

با انتخاب یکی از آن‌ها، فرد به دنبال تحقق منافع آنی خویش است و در گزینه دوم، فرد به دنبال تحقق منافع جمع یا گروه است که البته خود وی نیز یکی از اعضای گروه است و لذا منافع گروه، مشتمل بر منافع فرد هم است. (جوادی یگانه و هاشمی، ۱۳۸۷: ۱۴۴)

#### منابع

۱. ایمان، محمدتقی و اسفندیار، غفاری‌نسب. «بررسی فردگرایی روش‌شناختی و چالش‌های آن در علوم اجتماعی». جامعه‌شناسی کاربردی. شماره ۴۵. ۱۳۹۱.
  ۲. بودون، ریمون. **منطق اجتماعی: روش تحلیل مسائل اجتماعی**. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. انتشارات جاویدان. تهران. ۱۳۷۰.
  ۳. جلائی‌پور، حمیدرضا و جمال، محمدی. **نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی**. نشر نی. تهران. ۱۳۸۷.
  ۴. جوادی یگانه، محمدرضا. «رویکرد جامعه‌شناسانه نظریه انتخاب عقلانی». راهبرد فرهنگ. شماره ۳. ۱۳۸۷.
  ۵. جوادی یگانه، محمدرضا و سیدضیاء، هاشمی. «تعارض نفع فردی و نفع جمعی (دو راهی اجمالی) و عوامل مؤثر بر آن». نامه علوم اجتماعی. شماره ۲۶. ۱۳۸۴.
  ۶. جوادی یگانه، محمدرضا و سیدضیاء، هاشمی. «نگاهی جدید به مناقشه فردگرایی و جمع‌گرایی در جامعه‌شناسی». نامه علوم اجتماعی. شماره ۲۳. ۱۳۸۷.
  ۷. ریترز، جورج. **نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر**. ترجمه محسن ثلاثی. انتشارات علمی. تهران. ۱۳۷۷.
  ۸. ریترز، جورج. مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن. ترجمه شهناز مسمی‌پرست. نشر ثالث. تهران. ۱۳۸۹.
  ۹. ریترز، جورج و گودمن، داگلاس جی. **نظریه جامعه‌شناسی مدرن**. ترجمه خلیل میرزایی و عباس لطفعلی‌زاده. انتشارات جامعه‌شناسان. تهران. ۱۳۹۰.
  ۱۰. قدیری اصلی، باقر. **سیر اندیشه اقتصادی**. انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۷۶.
  ۱۱. کرایب، یان. **نظریه اجتماعی مدرن: از پارسونز تا هابرماس**. ترجمه عباس مخبر. انتشارات آگاه. تهران. ۱۳۸۶.
  ۱۲. کلمن، جیمز. **بنیادهای نظریه اجتماعی**. ترجمه منوچهر صبوری کاشانی. نشر نی. تهران. ۱۳۷۷.
  ۱۳. لیتل، دانیل. **تبیین در علوم اجتماعی**. ترجمه عبدالکریم سروش. مؤسسه فرهنگی صراط. تهران. ۱۳۸۱.
  ۱۴. مقدس، علی‌اصغر و علیرضا اسلام. «کاوشی در نظریه انتخاب عقلانی با تأکید بر آرای مایکل هکتر». *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*. ۱۳۸۵.
15. Boudon, Raymond (2003). "Beyond Rational Choice theory", *Annu. Rev. Sociol.* Vol. 29:1-21.
16. Martinelli, Alberto (2010). *Rational Choice and Sociology Historical Developments and Theoretical approaches in Sociology*, No 1
17. Pollack, Mark.A (2006), *Rational choice and Eu Politics in: Handbook of European union Politics*.
18. Tilly, Charles (1997), *James S. Coleman as a Guide to Social Research*, *American Sociologist*, No 28: 82-87.
19. Heckathorn, Douglas D (2003). *Sociological Rational Choice in HANDBOOK of SOCIAL THEORY*, Edited by George Ritzer & Barry Smart., New Delhi: SAGE Publications.

# فرایندهای انجام تحلیل عاملی

تحلیل عاملی؛ تکنیک خلاصه‌سازی متغیرها - قسمت دوم

غلامحسین کرمی

دانشجوی دکترای رشته آموزش و ترویج کشاورزی دانشگاه شیراز

## فرایند تصمیم‌گیری در تحلیل عاملی

● **ماتریس هم‌بستگی:** مهم‌ترین نکته در به‌کارگیری تحلیل عاملی، محاسبه ماتریس هم‌بستگی است. ماتریس هم‌بستگی مجموعه‌ای از ضرایب هم‌بستگی بین تعدادی از متغیرهاست. از آنجا که اساس تحلیل عاملی بر هم‌بستگی بین متغیرها اما از نوع غیرعلی استوار است، بنابراین در این روش ماتریس هم‌بستگی بین متغیرها محاسبه می‌شود. این ماتریس با نمایش میزان رابطه بین متغیرها موجب شکل‌گیری خوشه‌هایی می‌شود، به طوری که متغیرهای درون هر خوشه با یکدیگر هم‌بستگی دارند، ولی بین متغیرهای موجود در خوشه‌های متفاوت هم‌بستگی وجود ندارد. (کلانتری، ۱۳۹۱: ۲۸۵) اگر متغیری هیچ هم‌بستگی قابل توجهی با سایر متغیرها نشان ندهد، باید آن را در آنالیز بعدی از ماتریس خارج کرد. همچنین، ماتریس هم‌بستگی باید از نظر عدم وجود ویژگی‌های ناخواسته، مانند هم‌خطی «چندگانه»<sup>۱</sup> و «یکتابی»<sup>۲</sup> واریسی شود. حالت اول زمانی است که چند متغیر هم‌بستگی بالایی با هم دارند و مورد دوم زمانی است که بعضی متغیرها دقیقاً تابع خطی متغیرهای دیگری در مجموعه مورد نظر هستند. در این دو حالت لازم است بعضی متغیرها حذف شوند. (نظری و مختاری، ۱۳۸۸: ۲۵)

برای ترسیم ماتریس هم‌بستگی باید مشخص شود که آیا هدف محاسبه هم‌بستگی بین متغیرهاست یا بین پاسخ‌گویان. در صورتی که تلخیص متغیرها مدنظر باشد، باید هم‌بستگی بین متغیرها محاسبه شود. در این صورت تکنیک مورد استفاده تحلیل عاملی نوع R نامیده می‌شود. اما در صورتی که هدف از تحلیل عاملی ترکیب و طبقه‌بندی پاسخ‌گویان در گروه‌های مختلف باشد، ماتریس هم‌بستگی بین پاسخ‌گویان محاسبه و به‌کار گرفته می‌شود و از آن به تحلیل عاملی نوع Q یاد می‌شود. البته این روش به دلیل مشکل بودن کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و به جای آن، از روش‌هایی مانند تحلیل خوشه‌ای یا گروه‌بندی سلسله‌مراتبی بهره می‌گیرند. (کلانتری، ۱۳۹۱: ۲۸۷)

## اشاره

تحلیل عاملی تکنیکی است که تعداد زیادی از متغیرهای وابسته به هم را برحسب ابعاد پنهان و مشترک آن‌ها به تعداد کمتری کاهش می‌دهد.

هدف اصلی تحلیل عاملی این است که برحسب چنین عوامل و متغیرهای زیر بنایی پدیده‌های اجتماعی را تحلیل و تبیین کند. در بخش اول این مقاله تعاریف و مفاهیم کلیدی تحلیل عاملی، اهداف، بنیادها و پیش‌فرض‌های اصلی آن مورد بررسی قرار گرفت. اکنون در قسمت پایانی این مقاله فرایندها و معیارهای تصمیم‌گیری در تحلیل عاملی، ویژگی‌های این تکنیک و نیز نقدها و انتقادات وارده بر آن مرور شده است، با هم می‌خوانیم.

**کلیدواژه‌ها:** مقدار ویژه، عامل مشترک، بار عاملی، تحلیل عاملی، اکتشافی، تحلیل عاملی تأییدی، هم‌بستگی درونی

● **انتخاب متغیرهای مناسب برای تحلیل عاملی:** برای اطمینان از مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی مبنی بر اینکه ماتریس هم‌بستگی‌هایی که پایه تحلیل عاملی قرار می‌گیرند، در جامعه برابر با صفر نیست، باید از «آزمون بارتلت»<sup>۲</sup> براساس فرمول زیر استفاده کرد:

$$X^2 = -(n-1 - \frac{2p+5}{6}) \ln |R|$$

که در آن، n معرف تعداد آزمودنی‌ها، p تعداد متغیرها و |R| قدر مطلق دترمینان ماتریس هم‌بستگی است. این آماره که دارای توزیع مربع کای با (p-1) درجه آزادی است، مقدار اطلاعات موجود در |R| را با بررسی رابطه بین تعداد مشاهده‌ها و تعداد متغیرها ارزشیابی می‌کند و احتمال خطا را برای رد کردن فرضیه صفر و عدم وجود تفاوت از ماتریس همانی می‌آزماید. ماتریس همانی ماتریسی است که همه عناصر قطری آن یک و همه عناصر غیرقطری آن صفر باشد.

آزمون بارتلت این فرضیه را که ماتریس هم‌بستگی‌های مشاهده شده، متعلق به جامعه‌ای با متغیرهای ناهم‌بسته است، می‌آزماید. برای اینکه یک مدل عاملی، مفید و دارای معنا باشد، لازم است متغیرها هم‌بسته باشند در غیر این صورت، دلیلی برای تبیین مدل عاملی وجود ندارد. اگر این فرضیه که متغیرها با هم رابطه ندارند رد نشود، کاربرد تحلیل عاملی زیر سؤال خواهد رفت و بنابراین باید در آن تجدیدنظر کرد. به همین دلیل است که قبل از تحلیل عاملی باید به تشکیل ماتریس هم‌بستگی بین متغیرها اقدام کرد. (زارع چاهوکی، ۱۳۸۹: ۴)

از جمله روش‌های دیگری که به وسیله آن محقق قادر به تشخیص مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی است، آزمون «KMO» است. مقدار آماره این آزمون همواره بین ۰ و ۱ تغییر می‌کند. در صورتی که مقدار این آماره کمتر از ۰/۵ باشد، داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب نخواهند بود. اگر مقدار آن بین ۰/۵ تا ۰/۶۹ باشد، می‌توان با احتیاط بیشتر به تحلیل عاملی پرداخت و نهایتاً در حالتی که مقدار این آماره بیش از ۰/۷ باشد، می‌توان گفت هم‌بستگی‌های موجود بین داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب هستند. (دواس، ۱۳۷۶: ۲۵۶) این شاخص از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$KMO = \frac{\sum \sum r_{ij}^2}{\sum \sum r_{ij}^2 + \sum \sum a_{ij}^2}$$

که در این رابطه،  $r_{ij}$  ضریب هم‌بستگی بین متغیرهای  $Z_i$  و  $Z_j$  و  $a_{ij}$  ضریب هم‌بستگی جزئی بین آن‌هاست.

● **معیارهای استخراج تعداد عامل‌ها:** یکی از موارد مهم در تحلیل عاملی، تعیین تعداد عامل‌های قابل استخراج است. به‌طور معمول به تعداد متغیرهایی که به تحلیل وارد می‌شوند، می‌توان عامل استخراج کرد. اما آخرین عامل معمولاً سه‌م

بسیار کمتری در تبیین موضوع دارد. (کلانتری، ۱۳۹۱: ۳۰۳). بنابراین، تمام عامل‌های استخراج شده مورد علاقه محقق نیستند و هدف تعیین تعداد عامل‌هایی است که در تحلیل نگه داشته می‌شوند. در واقع هدف تحلیل عاملی تبیین پدیده‌های مورد نظر با تعداد کمتری از متغیرهای اولیه است. قاعدتاً عامل‌هایی باید حفظ شوند که اعتبار صوری یا نظری دارند. منتها قبل از فرایند چرخش نمی‌توان به معنی هر عامل به‌خوبی پی برد. (سرمد و همکاران، ۱۳۷۸: ۲۷۳) اگرچه مبنای کمی دقیقی در مورد تعداد عامل‌های استخراجی ارائه نشده است، اما معیارهایی وجود دارند که از آن‌ها در تصمیم‌گیری برای تعیین تعداد عامل‌های استخراجی استفاده می‌شود. (کلانتری، ۱۳۹۱: ۳۰۴)

۱ **مقدار ویژه:** براساس ملاک کایزر، فقط عامل‌هایی نگه داشته می‌شوند که مجموع مجذور بارهای عاملی آن‌ها (مقدار ویژه) یک یا بیشتر باشد. این ملاک برای تحلیل عاملی آلفا مناسب است و برای سایر روش‌های تحلیل عاملی کران پایینی فراهم می‌آورد. در روش **اسکری کتل**، نمودار مقدار ویژه برای هر عامل ترسیم می‌شود. در نقطه‌ای که شکل منحنی برای مقادیر ویژه به‌صورت افقی درآید، آن نقطه را «اسکری» می‌نامند و عامل‌هایی را که سمت چپ آن قرار دارند، عامل‌های واقعی و آن‌هایی را که سمت راست آن قرار دارند، عامل‌های خطا قلمداد می‌کنند. در تفسیر نتایج آزمون اسکری ممکن است میان نظرات پژوهشگران درباره تعداد عامل‌های واقعی اختلاف‌نظر پدید آید. همچنین امکان دارد که بیش از یک اسکری موجود باشد. لذا لازم است علاوه بر آزمون اسکری آزمون‌های دیگری، از جمله آزمون کایزر صورت گیرد. (سرمد و همکاران، ۱۳۷۸: ۲۷۳)

۲ **معیار پیشین:** محقق از قبل تعداد عامل‌ها را حدس می‌زند و خود انتخاب می‌کند.

۳ **معیار درصد واریانس:** معیار درصد واریانس تبیین شده توسط عامل‌ها نیز ضابطه دیگری برای تعیین تعداد عامل‌هاست. در این رهیافت، درصد تجمعی واریانس مبنای تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد. در تحقیقات غیر علوم انسانی، فرایند استخراج عامل‌ها باید تا زمانی ادامه یابد که این عامل‌ها بتوانند حداقل ۹۵ درصد واریانس داده‌ها را تبیین کنند اما در تحقیقات علوم اجتماعی و انسانی تبیین ۶۰ درصد واریانس نیز کفایت می‌کند.

۴ **معیار تست بریدگی:** در روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی، عامل‌های

ضمناً از تحلیل عاملی می‌توان برای تعیین متغیرها یا مقیاس‌هایی که باید از اندازه‌گیری کنار گذاشته یا به آن اضافه شوند استفاده کرد نتایج تحلیل عاملی را نباید به‌تنهایی برای تصمیم‌گیری در این موارد به‌کار برد بلکه این نتایج در کنار سایر اطلاعات مربوط به ساختار یا ساختارها که متغیرها یا مقیاس‌ها باید آن‌ها را ارزیابی کنند قابل استفاده است

توانایی هوش ممکن است عواملی از قبیل توانایی کلامی، توانایی ریاضی، توانایی استدلال منطقی، توانایی گوش دادن به دیگران و غیره را به دست دهد. این عوامل احتمالاً تا حدی با یکدیگر هم‌بستگی دارند؛ زیرا بخشی از هر کدام از این عوامل سازه زیربنایی، هوش عمومی را می‌سازد. (گال و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۷۹)

به دیگر سخن، اگر هدف تحقیق تلخیص تعداد متغیرهای اصلی بدون توجه به اینکه نتایج عامل‌های استخراج شده تا چه حد معنی‌دار خواهد بود، انجام گیرد، در این صورت روش متعامد انتخابی مناسب خواهد بود. همچنین، اگر محقق بخواهد از طریق تلخیص تعداد زیادی متغیر به مجموعه کوچکی از متغیرهای غیرهم‌بسته برای تحلیل‌های بعدی از طریق رگرسیون و سایر روش‌های پیش‌بینی دست یابد، در این صورت نیز روش متعامد، تکنیک مناسبی خواهد بود. در حالی که اگر هدف نهایی از تحلیل عاملی، دستیابی به عواملی باشد که از نظر تئوریک معنی‌دارند، روش متمایل، مناسب‌ترین تکنیک خواهد بود. (کلاتری، ۱۳۹۱: ۲۹۰)

به‌طور خلاصه، مدل عاملی متعامد از نظر ریاضی ساده است، در حالی که مدل عاملی متمایل قابل تعدیل و بیشتر واقع‌گراست، زیرا از نظر تئوریک این فرضیه پذیرفته نیست که ابعاد و عامل‌های مورد نظر با هم مرتبط نباشند.

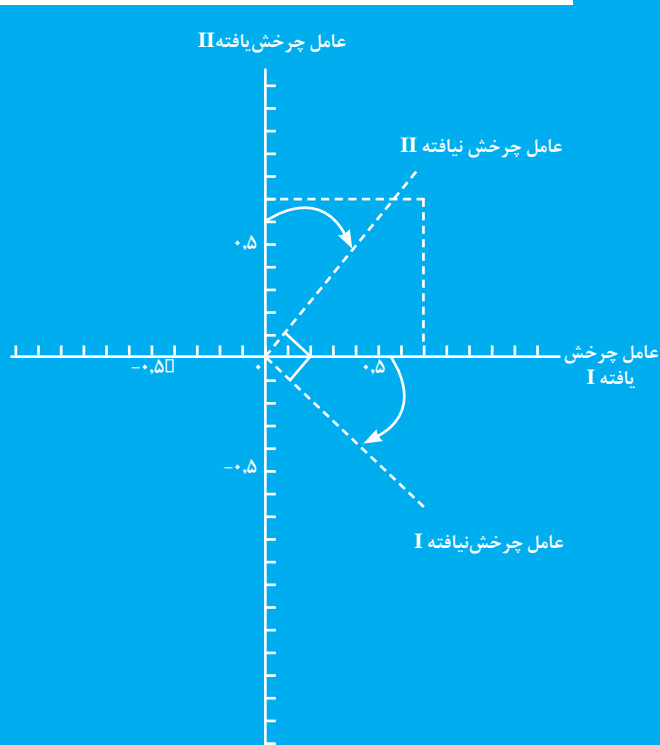
ماتریس عاملی چرخش نیافته، هدف تلخیص داده‌ها را تحقق می‌بخشد، اما محقق باید سؤال کند که آیا ماتریس عاملی چرخش نیافته اطلاعات لازم را برای تفسیر و تحلیل متغیرهای مورد مطالعه ارائه می‌دهد یا خیر. در بسیاری از موارد، پاسخ این سؤال منفی است. بنابراین دلیل اصلی برای چرخش داده‌ها، دستیابی به ماتریس عاملی ساده و از نظر تئوریک معنی‌دارتر و قابل تفسیرتر است. در بسیاری از موارد، چرخش عاملی از حضور برخی از متغیرها که هم‌زمان در بسیاری از عامل‌ها حضور می‌یابند، جلوگیری می‌کند.

ماتریس عاملی چرخش نیافته در برخی موارد ممکن است الگوی معنی‌داری از متغیرها ارائه دهد و در برخی مواقع نیز ممکن است چنین الگویی به دست نیاید. اگر عامل‌های دوران نیافته، الگوی قابل تفسیری از متغیرها ارائه دهند، ممکن است محقق از چرخش عاملی صرف نظر کند. اما از آنجا که تعیین این موضوع که آیا عامل‌های چرخش نیافته معنی‌دارتر هستند یا عامل‌های چرخش نیافته، مستلزم محاسبه عامل‌های چرخش نیافته است، بنابراین به‌طور عمومی لازم است در فرایند تحلیل عاملی، ماتریس عاملی دوران نیافته نیز محاسبه شود.

ماتریس عاملی دوران نیافته، عامل‌ها را به ترتیب اهمیت آن‌ها استخراج می‌کند. بنابراین، اولین عامل به یک عامل عمومی گرایش دارد که معمولاً اکثر بارهای عاملی آن معنی‌دار هستند و این عامل بیشترین میزان واریانس را تبیین می‌کند. عامل دوم و عامل‌های بعدی براساس مقدار واریانس باقی‌مانده انجام

استخراج شده‌اند، هم دارای واریانس مشترک و هم دارای «واریانس خاص» هستند. هرچند که تمام عامل‌ها حداقل دارای مقداری واریانس خاص هستند، اما سهم آن در عامل‌های بعدی به‌طور اسمی بیشتر از عامل‌های قبلی است. معیار تست بریدگی، تعداد مناسب عامل‌ها را بر مبنای تعیین می‌کند که هنوز میزان واریانس خاص بر واریانس مشترک غلبه نکرده است. بنابراین، تا زمانی که مقدار واریانس مشترک بیشتر از مقدار واریانس خاص باشد، عامل‌های فوق‌به‌عنوان عامل‌های معنی‌دار استخراج و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. (کلاتری، ۱۳۹۱: ۳۰۶-۳۰۵)

**● چرخش عاملی:** چرخش عاملی را می‌توان در دو نوع متعامد یا متمایل انجام داد. (Miller et al., 2002: 179) انتخاب اینکه چرخش عامل‌ها به‌صورت متعامد یا متمایل باشد، باید براساس نیازهای خاصی که در مسئله تحقیق وجود دارد انجام گیرد. پاسخ متعامد به این معناست که عوامل حاصل از تحلیل عاملی با یکدیگر هم‌بستگی ندارند. پاسخ متعامد تنها وقتی مطلوب است که به دنبال مجموعه‌ای از عوامل خالص باشیم؛ یعنی عواملی که هر یک سازه‌ای را می‌سازند و با سازه‌های اندازه‌گیری شده توسط عوامل دیگر هم‌پوشی ندارند. در برخی موقعیت‌ها مطلوب است تحلیل عاملی را با پاسخ متمایل انجام داد. به این معنی که عوامل حاصل با یکدیگر هم‌بستگی داشته باشند. برای مثال، تحلیل عاملی آزمون‌های



نمودار چرخش عاملی به روش وریماکس



**تحلیل عاملی تکنیک**  
**کاهش دهنده داده‌هاست و**  
**به محقق کمک می‌کند تا**  
**حجم زیادی از داده‌هایی را**  
**که مربوط به ابعاد مختلفی از**  
**رفتارهای انسانی هستند، به**  
**تعدادی عامل تقلیل دهد. هر**  
**کدام از این عامل‌ها مشتمل**  
**بر متغیرهایی هستند که**  
**با هم اشتراک معنایی و**  
**قربت موضوعی دارند. همین**  
**ویژگی راهنمای عمل محقق**  
**برای نام‌گذاری عامل‌هاست**

۶ مؤلفه‌های اصلی، ترکیبات خطی ناهم‌بسته (متعامد) از نمرات واقعی هستند.

۷ در بیشتر موارد، اولین مؤلفه اصلی در مقایسه با مؤلفه‌های دیگر، واریانس بیشتری را تبیین می‌کند.

۸ اگر بیشتر هم‌بستگی‌های ماتریس هم‌بستگی مثبت باشند، اولین مؤلفه اصلی روی بیشتر متغیرها بار عاملی مثبت و بالا خواهد داشت. بنابراین مؤلفه اول را «عامل کلی»<sup>۸</sup> می‌نامند. از این نظر روا نیست که از آن به‌عنوان مدرکی دال بر وجود یک عامل کلی استفاده شود.

۹ عامل‌های بعدی معمولاً «دوقطبی»<sup>۹</sup> و دارای بارهای منفی و مثبت هستند.

۱۰ تحلیل‌های مؤلفه‌های اصلی، در نتیجه جبر محاسباتش، یک عامل کلی اختیاری به همراه عوامل دوقطبی به‌دست می‌دهد. این موضوع تفسیر نتایج را با مشکل مواجه می‌کند. مشکل مزبور فقط به عامل کلی مربوط نمی‌شود، بلکه عامل‌هایی که دارای بارهای مثبت و منفی متعدد هستند نیز مشکلاتی را در تفسیر به‌وجود می‌آورند. به‌همین دلیل، روش‌هایی برای خلاصه‌سازی تحلیل‌های مؤلفه اصلی بیان شده‌اند. این کار از طریق چرخش عوامل صورت می‌گیرد. (کلاین، ۱۳۸۰: ۵۴-۵۳)

مشهورترین ملاک برای خوبی یک ساختار عاملی، ملاک مشهور ساختار ساده ترستون است. طبق ملاک ساختار ساده ترستون پنج اصل باید رعایت شود:

- هر متغیر باید حداقل یک بار عاملی غیر صفر داشته باشد.
- هر عامل فقط باید با چند متغیر هم‌بستگی بالا داشته باشد (منظور از هم‌بستگی همان بار عاملی متغیر روی عامل است) و بار عاملی بقیه متغیرها روی این عامل باید اساساً صفر باشد (سرمد و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۷۳)
- هر متغیر فقط باید روی یک عامل بار عاملی بالایی داشته باشد. اغلب شیوه‌های چرخش با توجه به این ملاک طرح‌ریزی شده‌اند.
- هر ردیف ماتریس عاملی باید حداقل یک وزن نزدیک به صفر داشته باشد.
- برای هر ستون ماتریس عاملی باید حداقل به تعداد عامل‌ها، متغیرهایی با وزن‌های صفر یا نزدیک به صفر موجود باشد.
- وقتی چهار عامل یا بیشتر موجود است، نسبت بزرگی از متغیرها باید روی هر جفت از عامل‌ها وزن ناچیز (نزدیک به صفر) داشته باشد.

می‌گیرد که هر یک از آن‌ها سهم کمتری از واریانس را تبیین می‌کنند. اثر نهایی چرخش دادن ماتریس عاملی، توزیع مجدد واریانس از عامل‌های اولی به عامل‌های بعدی برای دستیابی به الگوی عاملی ساده‌تر و معنی‌دارتر است.

زمانی که چرخش عاملی انجام می‌گیرد، مقادیر واریانس بین عامل‌های اول و عامل‌های بعدی مجدداً توزیع می‌شود. به‌همین دلیل اگرچه کل واریانس تبیین‌شده توسط عامل‌ها برای ماتریس دوران نیافته و ماتریس دوران یافته ثابت باقی می‌ماند، اما واریانس تبیین‌شده توسط تک‌تک عامل‌ها (یعنی مقادیر خاص) به دلیل توزیع مجدد واریانس بین عامل‌ها تغییر می‌یابد. این موضوع از طریق مقایسه مقادیر خاص هر یک از عامل‌ها در ماتریس دوران نیافته با مقادیر خاص هر یک از عامل‌ها در ماتریس دوران یافته کاملاً مشخص است. (همان: ۲۹۷)

یکی از روش‌های چرخش عاملی روش «واریماکس»<sup>۷</sup> است. این روش به دنبال مختصر کردن و ساده‌سازی ستون‌های ماتریس عاملی و حداکثر کردن مجموع واریانس بارهای ماتریس عاملی است. ثابت شده است که روش واریماکس موفق‌تر از سایر روش‌های چرخش عاملی است. (مانلی، ۱۳۸۸: ۱۳۶)

## ویژگی‌های تکنیک تحلیل عاملی

قوی‌ترین دلیل که باعث می‌شود تکنیک تحلیل عاملی در تحلیل داده‌های علوم اجتماعی و روان‌شناسی بسیار کارآمد باشد، خصوصیات ریاضی خاصی است که مختص مؤلفه‌های اصلی است؛ یعنی از لحاظ ریاضی کامل‌اند و به راه‌حل واحدی درباره مسئله عاملی می‌انجامد. سایر دلایل عبارت‌اند از:

- ۱ مؤلفه‌های اصلی به ترتیب نسبتی از واریانس که تبیین می‌کنند، پدیدار می‌شوند. هیچ‌یک از روش‌های دیگر استخراج عوامل، عامل‌هایی را به‌دست نمی‌دهند که در هر مرحله از استخراج، در مقایسه با مؤلفه‌ها، واریانس بیشتری را تبیین کنند.
- ۲ مقدار واریانس تبیین‌شده به‌وسیله مؤلفه (مجموع مجذورات بارهای عاملی)، برابر با ارزش ویژه آن مؤلفه است. با تقسیم ارزش ویژه بر تعداد متغیرها، نسبت واریانس تبیین‌شده به‌وسیله آن مؤلفه به‌دست می‌آید.
- ۳ ارزش‌های ویژه باید صفر یا مثبت باشند. اگر چنین نباشد، احتمالاً در ماتریس هم‌بستگی ناهمسانی یا خطایی وجود دارد.
- ۴ تعداد ارزش‌های ویژه مثبت، بیانگر تعداد مؤلفه‌های لازم برای تبیین واریانس ماتریس هم‌بستگی است. با وجود این، اگرچه چند مؤلفه آخر سهم بسیار ناچیزی در تبیین واریانس دارند، در تحلیل مؤلفه‌های اصلی، به تعداد متغیرها مؤلفه وجود دارد.
- ۵ مجموع ارزش‌های ویژه، مساوی با مجموع عناصر قطری ماتریس است. بنابراین در تحلیل مؤلفه‌های اصلی، مجموع ارزش‌های ویژه مساوی با تعداد متغیرهاست. این امر به ما امکان می‌دهد نسبت واریانس تبیین‌شده به‌وسیله یک عامل یا گروهی از عامل‌ها را محاسبه کنیم.

● برای هر جفت عامل‌ها (ستون‌ها)ی ماتریس عاملی، فقط معدودی از متغیرها باید دارای وزن قابل ملاحظه (غیر صفر) در هر دو ستون باشند. این اصول متغیرهای ناب طلب می‌کنند. پس چرخش دادن برای دستیابی به ساختار ساده، راهی نسبتاً عینی برای دست‌یافتن به سادگی متغیر یا کاهش پیچیدگی متغیر است. (Miller et al., 2002: 180)

## انتقادات وارده بر تحلیل عاملی

● تعداد عامل‌هایی که می‌توان از یک ماتریس هم‌بستگی استخراج کرد، نامشخص است.  
 ● روشن نیست عامل‌ها را چگونه می‌توان چرخش داد.  
 ● نمی‌دانیم چه کمیت‌هایی را باید بیش از عاملی کردن در قطر ماتریس R قرار دارد.  
 ● تحلیل‌گران عاملی چندین آزمون را با هم به ماشین آمار می‌دهند و عامل‌هایی دریافت می‌کنند که از لحاظ روان‌شناسی و جامعه‌شناسی معانی اندکی دارند.

● عامل‌های مزبور متوسط‌هایی هستند که جز با آنچه در ذهن تحلیلگر عاملی است، با هیچ حقیقت روان‌شناسی، به‌ویژه روان‌شناسی فرد، منطبق نیستند.  
 ● نمی‌توان از یک تحلیل عاملی چیزی بیش از آنچه در آن ریخته شده است، به‌دست آورد.  
 ● تحلیل‌گران عاملی معمولاً در تعیین مهم‌ترین علامت‌های یک حوزه با هم اختلاف نظر دارند.  
 ● تکرار تحلیل‌های عاملی دشوار است. (نظری و مختاری، ۱۳۸۸: ۳۲)

بر همین اساس به دلایل زیر ممکن است نتایج حاصل از تحلیل عاملی به‌راحتی تفسیر نشوند:

۱. متغیرها یا مقیاس‌ها ممکن است شاخص‌های ضعیفی برای انعکاس ساختار یا ساختارها باشند.
  ۲. ممکن است تعداد متغیرها یا مقیاس‌ها برای نشان دادن هر بعد اساسی خیلی کم باشد.
  ۳. متغیرها یا مقیاس‌ها ممکن است چنان پیچیده تعیین شده باشند که تابعی از عامل‌های چندگانه باشند.
- ضمناً از تحلیل عاملی می‌توان برای تعیین متغیرها یا مقیاس‌هایی که باید از اندازه‌گیری کنار گذاشته یا به آن اضافه شوند، استفاده کرد. نتایج تحلیل عاملی را نباید به‌تنهایی برای تصمیم‌گیری در این موارد به‌کار برد بلکه این نتایج در کنار سایر اطلاعات مربوط به ساختار یا ساختارها که متغیرها یا مقیاس‌ها باید آن‌ها را ارزیابی کنند، قابل استفاده است. (زرگر، ۱۳۸۴: ۱۳)

## نتیجه‌گیری

تحلیل عاملی از جمله روش‌های آماری چندمتغیره‌ای است که در آن، متغیرهای مستقل و وابسته مطرح نیست. این روش

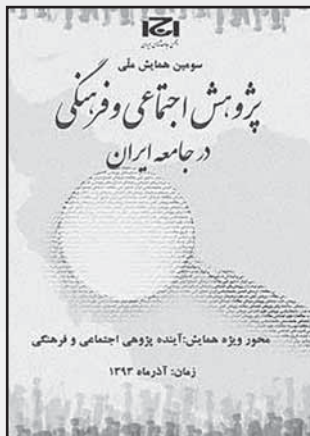
جزو تکنیک‌هایی است که در آن‌ها تمامی متغیرها نسبت به هم وابسته لحاظ می‌شوند. هدف از تحلیل عاملی آن است که تعداد زیادی متغیر در چند عامل خلاصه شوند. به‌عبارت دیگر، هدف اصلی تحلیل عاملی خلاصه کردن داده‌هاست، به‌نحوی که در این فرایند کمترین میزان گم شدن اطلاعات وجود داشته باشد. تحلیل عاملی تکنیک کاهش‌دهنده داده‌هاست و به محقق کمک می‌کند تا حجم زیادی از داده‌هایی را که مربوط به ابعاد مختلفی از رفتارهای انسانی هستند، به تعدادی عامل تقلیل دهد. هر کدام از این عامل‌ها مشتمل بر متغیرهایی هستند که با هم اشتراک معنایی و قرابت موضوعی دارند. همین ویژگی راهنمای عمل محقق برای نام‌گذاری عامل‌هاست. به‌طور کلی، تحلیل عاملی یکی از نیرومندترین ابزارهایی است که تاکنون برای مطالعه زمینه‌های پیچیده موضوعات علمی و رفتاری تدوین شده است و در واقع یکی از ابداعات خلاق در زمان خود محسوب می‌شود که همچنان در عرصه‌های گوناگون کاربرد دارد.

### پی‌نوشت‌ها

1. Multicollinearity 2. Singularity 3. Bartlett Test
4. Kaiser- Meyer- olkin 5. Cattel's scree test
6. Specific Variance 7. Varimax 8. General factor
9. Bipolar

### منابع

۱. دواس، دی. ای. پیمایش در تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ نایینی. نشر نی. تهران. ۱۳۷۶.
۲. زارع‌چاهوکی، م. روش‌های تحلیل چندمتغیره در نرم‌افزار SPSS. دانشکده منابع طبیعی. تهران. ۱۳۸۹.
۳. زرگر، م. راهنمای جامع SPSS13. انتشارات بهینه. تهران. ۱۳۸۳.
۴. سرمد، ز؛ بازارگان، ع؛ حجازی، ا. روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. انتشارات آگه. تهران. ۱۳۸۳.
۵. کلانتری، خ. پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی و اقتصادی. انتشارات فرهنگ صبا. تهران. ۱۳۹۱.
۶. کلاین، پ. راهنمای آسان تحلیل عاملی. ترجمه اصغر مینایی. انتشارات سمت. تهران. ۱۳۸۰.
۷. گال، ام، بزرگ، و. و کال، ج. روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی. ترجمه احمدرضا نصر و همکاران. انتشارات سمت. تهران. ۱۳۹۰.
۸. مانلی، بی، اف؛ آشنایی با روش‌های آماری چندمتغیره. ترجمه محمد مقدم، سیدابوالقاسم محمدی و مصطفی آقایی. انتشارات پرپور، تبریز. ۱۳۸۸.
۹. نظری، ج. و مختاری، م. «تحلیل عاملی و کاربرد آن در علوم اجتماعی». مجله کتاب ماه علوم اجتماعی. شماره ۱۴.
10. Miller, R. L., Acton, C., Fullerton, D. A. and Maltby, J. (2002). SPSS for Social Scientists. Palgrave Macmillan, New York.
11. Brown, T. A. (2006). Confirmatory Factor Analysis for Applied Research. Guilford Press, New York.



## گزارشی از سومین همایش ملی پژوهش اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران

# پنج رویکرد به مسائل آموزشی ایران

### اشاره

سومین همایش ملی «پژوهش اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران» از سوی انجمن جامعه‌شناسی ایران و با همکاری نهادهای علمی، آموزشی و پژوهشی و انجمن‌های علمی و سازمان‌های دولتی و غیردولتی، با هدف تبادل نظر علمی و نقد تحلیل جدیدترین دستاوردهای علمی و پژوهشی در عرصه علوم اجتماعی چندی پیش برگزار شد. در این همایش ۱۸ محور توسط ۱۲۶ نفر از استادان، محققان و پژوهشگران علوم اجتماعی کشور به شرح زیر مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

### محورهای عمومی همایش

- طرح و معرفی دستاوردهای پژوهش اجتماعی و فرهنگی در قلمروهای تخصصی و در زمینه‌های حرفه‌ای، سیاسی، انتقادی و مردم‌مدار
- سیر تاریخی پژوهش اجتماعی و فرهنگی در ایران و چشم‌انداز تحول روندها در آینده
- جامعه‌شناسی پژوهش اجتماعی و فرهنگی در ایران
- جایگاه طرح‌های ملی پژوهش اجتماعی و فرهنگی در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه اجتماعی-اقتصادی
- بررسی دستاوردهای نهادهای تحقیقاتی اثرگذار در عرصه پژوهش اجتماعی و فرهنگی
- شناخت نیازها و اولویت‌های پژوهش اجتماعی و فرهنگی در ایران
- نقش انجمن‌های علمی در همکاری‌های میان‌رشته‌ای و ارزیابی پژوهش اجتماعی و فرهنگی
- کاربرد روش‌های کمی، کیفی و تاریخی در پژوهش اجتماعی و فرهنگی ایران
- شناخت دگرگونی سازمان پژوهش اجتماعی و فرهنگی با تأکید بر نقش بخش خصوصی، دولتی و جامعه مدنی
- تهران در آینده پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی (تهران پژوهی)
- مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهر و آموزش‌های شهروندی در تهران
- پژوهش اجتماعی و فرهنگی در حوزه زنان و خانواده

### محورهای ویژه همایش (آینده پژوهی)

محورهای ویژه این همایش به یکی از رویکردهای متأخر پژوهشی در ایران، یعنی آینده‌پژوهی، اختصاص یافته بود که زیرمحورهای آن به قرار زیر است:

- طرح و معرفی اهمیت و کاربرد آینده‌پژوهی در قلمروهای اجتماعی و فرهنگی
  - بررسی دستاوردهای آینده‌پژوهی اجتماعی و فرهنگی در ایران
  - کاربرد نظریه‌ها و روش‌های اجتماعی و فرهنگی و به‌طور خاص کاربرد نظریه‌ها و روش‌های جامعه‌شناختی در مطالعات آینده‌پژوهی
  - تحلیل نقش آینده‌پژوهی اجتماعی و فرهنگی در زمینه مطالعات توسعه و سیاست عمومی
  - مطالعات آینده در قلمروهای خاص جامعه، سیاست و فرهنگ ایرانی
  - شناخت نیازها و اولویت‌ها در مطالعات اجتماعی آینده در ایران
- یکی از میزگردهای این همایش که با همکاری انجمن جامعه‌شناسی آموزش و پرورش و با مدیریت دکتر محمد رضایی، عضو هیئت علمی «دانشگاه تربیت مدرس» برگزار شد، به تحقیقات در حوزه آموزش و پرورش اختصاص داشت. در این میزگرد پنج نفر از پژوهشگران علوم اجتماعی مسائل و موضوعات مختلف نظام آموزشی ایران را از ابعاد متفاوت مورد بحث و بررسی قرار دادند. در ادامه، چکیده مباحث این میزگرد از نظر شما می‌گذرد.

## مک‌دونالدی شدن جامعه و دانش‌آموزان دبیرستانی تهرانی

نوراله پاشا

دکتری جامعه‌شناسی جوانان، دانشگاه UPM مالزی

**کلیدواژه‌ها:** مک‌دونالدی شدن، فست‌فود، دانش‌آموزان دبیرستانی، تحولات اجتماعی

ریترز باور دارد که فرایند «مک‌دونالدی شدن» مجموعه‌ای از اصول بوروکراسی و فرایند عقلانیت (مثلاً خط تولید و مدیریت علمی) است که مدل قدرتمندی از عقلانی شدن را ایجاد می‌کند. این شیوه جدید مصرف به سادگی نوعی تصمیم اقتصادی نیست، بلکه نوعی از جهت‌گیری فرهنگی است که به یک نظام معنایی مشخصی تعلق دارد. **مک‌دونالد** چشم‌انداز جدیدی در جامعه ایجاد کرد تا در آن، مردم تصویری عقلانی و یکسان از جامعه را در حوزه مصرف ببینند. به تعبیری مک‌دونالد در مصرف همان کاری را کرد که «فوردیسم» و «تیلوریسم» در صنعت کردند. اگرچه رستوران‌های مک‌دونالد به خاطر آنچه مرتبط با رابطه با آمریکاست، در ایران کار نمی‌کنند، ولی به نظر می‌رسد آنچه به‌عنوان فرایند مک‌دونالدی شدن مطرح است، یعنی عقلانی کردن فرایند و استاندارد و یکسان‌سازی رستوران‌ها، در فست‌فودهای ایرانی هم به نوعی اتفاق افتاده است.

این مقاله به دنبال تحلیل فرایند مک‌دونالدی شدن در جامعه ایرانی به خصوص در میان دانش‌آموزان دبیرستانی تهرانی است. همچنین، اینکه دانش‌آموزان مزبور فست‌فودهای ایرانی را چگونه فهم و معنی می‌کنند. مقاله حاضر بر اساس تحقیقی آماده شده است که اطلاعات و داده‌های آن بر اساس روش «تحقیق تلفیقی» حاصل شده‌اند. در این روش، از یک طرف پیمایشی در سه منطقه آموزش و پرورش شهر تهران انجام شده است و ۲۰۶ پرسش‌نامه در دبیرستان‌هایی از منطقه‌های ۲، ۵ و ۱۳ تکمیل شده است. از طرف دیگر، با استفاده از یک مصاحبه «تمرکز بر گروه»، با چهار دانش‌آموز به منظور امتحان سؤالات تحقیق و ۲۷ مصاحبه عمیق انفرادی با دانش‌آموزان دبیرستانی از منطقه ۵ تهران، اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری و تحلیل شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که دانش‌آموزان دبیرستانی تهرانی فست‌فودها را به‌عنوان محلی مدرن برای گذران وقت با دوستان خود می‌شناسند و آنچه در نفس «مک‌دونالد» برای اینکه به سرعت غذا بخوری و بروی تعریف شده است، در فست‌فودهای ایرانی، محلی و بومی شده و تغییر کرده است؛ هرچند نقش‌های دیگری از مک‌دونالدی شدن در این رستوران‌ها دیده می‌شود.

## خانه یادگیری رها؛ تجربه‌ای نو در آموزش و پرورش انتقادی

محمد رضایی

گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

زهرا حیدری

کارشناس ارشد گروه مطالعات فرهنگی

دانشگاه علم و فرهنگ

**کلیدواژه‌ها:** تحول خواهی، گفتمان‌های نوظهور آموزشی، آموزش مدرسه‌ای، یادگیری، هم‌یاری، خانه یادگیری رها

این مقاله به بررسی موردی شکل تازه‌ای از آموزش مدرسه‌ای در ایران می‌پردازد. با بررسی این فرم تازه آموزشی که «خانه یادگیری رها» خوانده می‌شود، درصدد هستیم، ضمن مروری بر تاریخچه فرمی و محتوایی آموزش و پرورش در ایران، مورد «خانه یادگیری رها» به شیوه عمیق واکاوی شود. در این پیوستار تاریخی دو تحول عمده به چشم می‌خورد: از یک سو، شاهد رسمی شدن (و یا دولتی شدن) آموزشیم و از سوی دیگر، با شکل‌گیری کوشش‌هایی برای آموزش غیررسمی مواجه هستیم. با تکیه بر راهبرد مطالعه موردی و با تکیه بر تکنیک‌های گردآوری داده‌ها (مصاحبه عمیق و مشاهده)، نشان می‌دهیم کدام شناسه‌ها چنین تحول اجتماعی بنیادینی را نمایندگی می‌کنند.

به بیان دیگر، هدف از این مقاله پاسخ به این پرسش اساسی است که «ویژگی‌های تحول خواهی خانه یادگیری رها کدام‌اند؟» داده‌های تحقیق با تکیه بر روش تحلیل تماتیک برای رسیدن به تم‌های مهم بررسی شدند. نتایج پژوهش نشان داد، شناسه‌هایی چون جایگزینی مفهوم یادگیری به جای آموزش بر پایه به رسمیت شناختن نیازهای درونی آن‌ها، تقویت نگاه خلاقانه و انتقادی، توجه به تمایزات فردی و زمینه‌های فرهنگی دانش‌آموزان، تعامل مدرسه با جامعه و جاری بودن جریان آموزش در بستر زندگی روزمره، «همراه» بودن مربی به جای جلودار بودن او، زایش روابط هم‌یارانه-آن نوع مشارکت که مشارکت‌کنندگان به شکلی هم‌سطح نیازهای مشترک خود را پاسخ می‌گویند- در بین خانواده‌ها و توزیع تصمیم‌گیری در گروه‌های مختلف و بسیای از موارد دیگر، شناسه‌های تحول خواهی به شمار می‌روند که سبب گرایش خانواده‌ها به این مدارس شده است.

## سرمایه فرهنگی و موفقیت تحصیلی دانش آموزان دختر

علی ساعی

استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس  
فاطمه تشویق  
کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

**کلیدواژه‌ها:** پایگاه اجتماعی اقتصادی، سرمایه فرهنگی، خانواده، سرمایه فرهنگی مدرسه، سرمایه فرهنگی دانش آموز، مدل تحرک فرهنگی

موضوع این پژوهش موفقیت تحصیلی است. پژوهشگران نشان داده‌اند که افزایش درآمد و سرمایه مالی خانواده باعث موفقیت تحصیلی دانش آموزان شده است. بر این اساس، این پژوهش به بررسی رابطه سرمایه فرهنگی حاصل از خانواده و سرمایه فرهنگی حاصل از مدرسه با موفقیت تحصیلی دانش آموزان می‌پردازد. جامعه آماری شامل دانش آموزان دختر سال چهارم در سطح مناطق ۱، ۶ و ۲۰ تهران است. برای ارزیابی تجربی فرضیات، ۳۰۰ نفر از دانش آموزان دختر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. برای داوری در باب فرضیات، از روش تکنیک تحلیل رگرسیون بر مبنای داده‌های فازی استفاده شده است. نتایج پژوهشی نشان داد که سرمایه فرهنگی خانواده و سرمایه فرهنگی مدرسه‌ای رابطه معناداری با موفقیت تحصیلی دانش آموزان دارند و دانش آموزان طبقات پایین با بهره‌گیری از سرمایه فرهنگی به موفقیت تحصیلی دست یافته‌اند. همچنین سرمایه فرهنگی در حضور پایگاه اجتماعی-اقتصادی و نوع مدرسه تأثیر بیشتری بر موفقیت تحصیلی دانش آموزان دارد.

## تجربه شادی در زندگی روزمره دانش آموزی

سیدضیا هاشمی

استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران  
سیده اکبرپوران  
کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

**کلیدواژه‌ها:** زندگی روزمره دانش آموزی، تجربه شادی، کارناوالیزه شدن مدرسه، لذت حقه، دوستی روزمره، قدرت تحقق خود، خودی از آن خود

پژوهش حاضر در پی ارائه توصیفی ژرف از زندگی روزمره دانش آموزی و تجربه شادی آن‌هاست. پرسش اصلی پژوهش را بر همین مبنای «چگونگی تجربه شادی در زندگی روزمره دانش آموزی» قرار دادیم. برای پاسخ به این پرسش به انجام پژوهش میدانی در دو دبیرستان دخترانه منطقه ۶ تهران پرداختیم. برای جمع‌آوری داده‌ها از تکنیک مشاهده مشارکتی و مصاحبه نیم‌ساخت یافته استفاده کردیم. داده‌های به‌دست آمده براساس روش تماتیک تحلیل شد و طی آن، چهار مفهوم را برای پاسخ به پرسش اصلی خود انتزاع کردیم. «کارناوالیزه شدن» مدرسه، دوستی روزمره، قدرت تحقیق خود، و خودی از آن خود، چهار مفهوم به دست آمده از این پژوهش هستند که می‌توان با اتکا به آن‌ها تجارب شادمانه دانش آموزان را فهم کرد.

## روحانیون و مدارس جدید در ایران

محمود محمدی، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی تربیت مدرس

**کلیدواژه‌ها:** روحانیون، مدارس جدید، مکتب‌خانه، تربیت مدرسه‌ای، تربیت مکتب‌خانه‌ای

ظهور مدارس جدید در ایران هژمونی روحانیت در حوزه تربیت را به چالش کشاند. مواجهه روحانیون با این پدیده جدید منفعلانه نبود. این نیروی اجتماعی تربیت مدرسه‌ای را به‌عنوان یک شیوه جدید تربیتی پذیرفت و نقش فعالانه‌ای در برپایی و انتشار مدارس جدید داشت. برخی از تحلیل‌هایی که به مطالعه مدارس جدید در ایران پرداخته‌اند، نقش روحانیون را به‌عنوان یک نیروی اجتماعی مهم در برپایی مدارس جدید مسکوت گذاشته یا نادیده انگاشته‌اند. این مقاله به نقد تحلیل‌های پیشین، بر نقش فعالانه روحانیون در برپایی مدارس جدید در ایران پرداخته است. روحانیون در تشکیل مدارس جدید نقش تشویقی، حمایتی و مشارکتی داشته‌اند. این نیروی اجتماعی فعالانه در انتشار تربیت مدرسه‌ای شرکت داشته است و از این دستگاه تربیتی برای گسترش علوم و فنون جدید در میان مسلمین بهره برده است.

# اندیشه اجتماعی در اسلام

## ۱ دوره طرح مبانی دینی تفکر اجتماعی

در قرآن کریم آیات بسیاری در مورد مسائل اجتماعی وجود دارند. برای مثال، در آیه ۳۲ سوره مائده، نوع رابطه فرد با جامعه و بینش ناب و اصیل قرآن نسبت به فرد و جامعه مطرح شده است (همان منبع). در ترجمه این آیه می‌خوانیم: «بر فرزندان اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس کسی را جز به قصاص قتل یا (به کیفر) فسادی در زمین بکشد، چنان است که گویی همه مردم را کشته باشد و هر کس کسی را زنده بدارد، چنان است که گویی تمام مردم را زنده داشته است و قطعاً پیامبران ما دلایل آشکار برای آنان آوردند (با این همه) پس از آن بسیاری از ایشان در زمین زیاده‌روی می‌کنند.»

در آیه ۵۳ سوره انفال، از نقش تغییر و تحول اخلاق و روحیات و خصائص روانی در زندگی اجتماعی یاد شده است (همان منبع) که می‌فرماید: «این (کیفر) بدان سبب است که خداوند نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته است، تغییر نمی‌دهد؛ مگر آنکه آنان آنچه را در دل دارند تغییر دهند و خدا شنوای داناست.»

در آیه ۱۳۷ سوره آل عمران، قانونمند بودن تاریخ مورد توجه قرار گرفته است (همان منبع). در ترجمه آیه آمده است: «قطعاً پیش از شما سنت‌هایی (بوده) و سپری شده‌اند. پس در زمین بگردید و بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است.»

در سوره بقره، آیه ۱۳۴ خداوند متعال به اختیار افراد انسانی در جهت‌گیری‌های اجتماعی چنین اشاره فرموده است (همان منبع): «آن جماعت را روزگار به سر آمد. دستاورد آنان برای آنان و دستاورد شما برای شماست و از آنچه آنان می‌کرده‌اند، شما بازخواست نخواهید شد.»

در این دوره در «نهج البلاغه» نیز بیشترین تلاش در جهت پرداختن به فرهنگ اسلامی صورت گرفته است (همان منبع).

## ۲ دوره طرح مبانی عقلی تفکر اجتماعی

آشنایی متفکران مسلمان با اندیشه علمی و فلسفه تمدن‌های گذشته نظیر یونان، روم، ایران، مصر، هند و... بر اثر شکل‌گیری نهضت ترجمه، به پدید آمدن دیدگاه‌های جدید اجتماعی انجامید. در این دوره، ضرورت اجتماعی شدن انسان، که امری دینی و فطری بود، امری عقلانی نیز تلقی شد.

## ۳ دوره تأسیس

این دوره از قرن سوم هجری آغاز شد و در آن متفکران اجتماعی مسلمان کوشیدند مباحث اجتماعی را به‌طور مستقل بررسی کنند. **فارابی**، به‌عنوان متفکر اصلی در تأسیس فلسفه اسلامی، تلاش بسزایی در این دوران از خود

دکتر نیره شاه‌محمدی

شهره حسین پور طولازدهی

### مقدمه

با ظهور اسلام در قرن هفتم میلادی و گسترش سریع آن، اندیشمندان مسلمان به روش‌های گوناگون به تحقیق و بررسی در مسائل اجتماعی پرداختند و این تلاش‌ها تا دوران معاصر ادامه داشته است. تاریخ اندیشه اجتماعی نزد مسلمانان را به‌طور کلی به هفت دوره تقسیم کرده‌اند (رحمانی، به نقل از: ارمکی، ۱۳۸۹: ۳۴). ۱. دوره طرح مبانی دینی تفکر اجتماعی؛ ۲. دوره طرح مبانی عقلی تفکر اجتماعی؛ ۳. دوره تأسیس؛ ۴. دوره تنوع حوزه‌ها؛ ۵. دوره ترکیب حوزه‌ها و روش‌ها؛ ۶. دوره رکود و حرکت یکنواخت؛ ۷. دوره بازبینی و بازنگری (کتاب ماه علوم اجتماعی، ۱۳۸۸، ۱۴).

وقتی از اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان سخن به میان می‌آید، اندیشه‌هایی مد نظر است که به مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌ها اتکا دارند. برای مثال، اینکه تمامی هستی به سوی خداوند گرایش دارد یا اینکه انسان به‌طور فطری اجتماعی است و یا اینکه انسان موجودی آگاه و دارای اراده و انتخابگر است. مجموعه این مفروضات به اندیشه متفکران اجتماعی مسلمان جهت می‌دهند و به‌عنوان ملاک و معیاری برای بررسی تلاش آنان مد نظر قرار می‌گیرند. معرفت مدرن، اندیشه اجتماعی اسلامی را می‌باید بیشتر انسان‌مدار دانست تا جامعه‌مدار یا تاریخ‌مدار. اندیشه اجتماعی اسلامی از بحث در مورد انسان (ایده‌آل، عقلی و عرفانی) آغاز و به جامعه انسانی و کمال‌گرا ختم می‌شود (رحمانی، به نقل از: ارمکی، ۱۳۸۹). با ذکر این مقدمه به بررسی اندیشه‌های اجتماعی غالب در هر یک از دوره‌های مذکور می‌پردازیم.

**کلیدواژه‌ها:** اندیشه اجتماعی، اسلام

نشان داد. **خواجه نصیرالدین طوسی** و **خواجه نظام‌الملک** نیز به ارائه دست‌نویس‌هایی برای زندگی سعادت‌مندان آحاد جامعه مبادرت کردند.

#### ۴ دوره تنوع حوزه‌ها

در این زمان، حوزه‌های جدید فکری و موضوعی پدیدار شدند؛ حوزه‌هایی همچون فرهنگ‌شناسی، فلسفه اقتصادی، مطالعات سیاسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، علم‌النفس یا روان‌شناسی. تعدد دیدگاه‌ها و تحرک و پویایی فکری متفکران مسلمان از ویژگی‌های این دوره است.

#### ۵ دوره ترکیب حوزه‌ها و روش‌ها

این دوره از قرن هفتم هجری آغاز می‌شود و ارائه دیدگاه کلان اجتماعی و بازبینی مجدد اندیشه اجتماعی از سوی خواجه نصیر، ابن‌خلدون و... را دربرمی‌گیرد.

#### ۶ دوره حرکت یکنواخت

از قرن چهاردهم به بعد و با کند شدن روند پیشرفت‌های گذشته، عمده‌ترین تلاش متفکران اسلامی در دو زمینه صورت گرفت: ۱. حفظ آثار و نظریات؛ ۲. توجه بیشتر به مباحث مرتبط با تفکر دینی از قبیل فقه، اصول، رجال، تفسیر و... .

#### ۷ دوره بازبینی و بازنگری

طرفداران این رویکرد (که جامعه مسلمانان در دوران معاصر را دربرمی‌گیرد)، در صدد بازگشت به خویشتن دینی و فرهنگی‌اند. سیدجمال‌الدین اسدآبادی، جلال‌آل‌احمد و شریعتی را می‌توان در میان صاحب‌نظران این دوره جای داد (رحمانی، به نقل از: ارمکی، ۱۳۸۹).

### ویژگی‌های عمده اندیشه متفکران مسلمان در گذر از هفت دوره تاریخی

به‌طور کلی می‌توان ویژگی‌های عمده اندیشه متفکران مسلمان را در گذر از هفت دوره تاریخی به این شرح برشمرد: ۱. گرایش دینی و تلاش در تنظیم رابطه علم و دین؛ ۲. دیدگاه فلسفی؛ ۳. اهمیت انسان و رابطه بین خدا، طبیعت و انسان (جامعه)؛ ۴. همسان تلقی کردن سیاست و جامعه؛ ۵. اهمیت عناصر جغرافیایی در تحلیل اجتماعی و توجه به تحول و تغییر. از میان این ویژگی‌ها، تفوق عنصر عقل و گرایش فلسفی با اهمیت‌تر است. از این رو گرایش فلسفی در اندیشه اجتماعی مسلمانان وجه غالب است و متفکرانی که تفکر فلسفی دارند، تعیین‌کننده جریان عمده اندیشه اجتماعی هستند، لذا متفکرانی چون فارابی، ابن‌سینا، خواجه نصیرالدین طوسی، علامه طباطبایی و استاد مطهری در مقایسه با بیرونی و

ابن‌خلدون از اهمیت بسزایی برخوردارند. ابن‌خلدون و شریعتی از جمله متفکران متقدم و متأخری هستند که تلاش اصلی‌شان ایجاد دیدگاه‌های ترکیبی بوده است. هر دو متفکر ضمن اینکه متأثر از فلسفه بوده و به مباحث فلسفی می‌پرداخته‌اند، از فلسفه علم، روش تحقیق و تحلیل بهره گرفته و در نهایت از حوزه جدیدی در مطالعات اجتماعی نیز غافل نبوده‌اند (حسین پور به نقل از ارمکی، ۱۳۹۲).

### فواید طرح اندیشه اجتماعی در اسلام

۱. ایجاد زمینه دستیابی به اندیشه اجتماعی جدید
۲. طرح دیدگاه انتقادی
۳. گسترش دانش؛ این فایده از سه جنبه قابل بررسی است. الف. در برخی از زمینه‌ها اندیشه اجتماعی مسلمانان با اندیشه اجتماعی غیرمسلمانان از موضع یک نظریه رقیب روبه‌رو می‌شود. ب. نظریه اجتماعی رایج، به اعتبار محدودیت‌ها و شرایط خاص تاریخی - اجتماعی، محل زندگی پژوهشگران و نظریه‌پردازان و رویکرد آن‌ها به مسائل و نیازهای خاص، طبیعتاً به بسیاری از زمینه‌ها بی‌اعتنا مانده است. پژوهشگران مسلمان به اعتبار مبانی اعتقادی خود و نیز به اعتبار شرایط، مسائل و نیازهای خاص محیط اجتماعی خود، می‌توانستند مسائل جدیدی را مطرح سازند که در قلمرو نظریه‌های رایج اساساً مطرح نگشته و مورد غفلت قرار گرفته‌اند. ج. در روش‌شناسی علوم اجتماعی، یکی از فواید طرح هر نظریه جدید، برانگیختن تفکرات و موضع‌گیری‌های جدید است. ۴. شناسایی پیش‌فرض‌های اندیشه متفکران ۵. ایفای نقش متفکران مسلمان در تمدن جهانی که باعث حصول نتایجی به این شرح شده است: الف. جامعه مسلمانان را از خودباختگی و بی‌هویتی باز می‌دارد. ب. راه‌حلی‌هایی که نظریه‌پردازان مسلمان بر پایه مسائل اجتماعی و سیاسی ارائه کرده و بر تمدن غرب اثر گذاشته‌اند، مطرح می‌شود. ج. اثرگذاری اندیشمندان مسلمان در شکل‌گیری روش تحقیق و بررسی نیز با اهمیت تلقی می‌شود. ۶. شناسایی ویژگی‌های اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان ۷. ایجاد وحدت در اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان ۸. آشنایی با مسائل اصلی زمان متفکران مسلمان ۹. تأمین امکان بررسی تطبیقی (حسین پور، به نقل از: ارمکی، ۱۳۹۲).

### بررسی دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی

در بررسی اندیشه‌ها و نظرات اندیشمندان اسلامی در زمینه مسائل اجتماعی، بخش‌هایی از نظرات سه تن از صاحب‌نظران

## اندیشه اجتماعی اسلامی را می‌باید بیشتر انسان‌مدار دانست تا جامعه‌مدار یا تاریخ‌مدار. اندیشه اجتماعی اسلامی از بحث در مورد انسان (ایده‌آل، عقلی و عرفانی) آغاز و به جامعه انسانی و کمال‌گرا ختم می‌شود

اندیشه اجتماعی در اسلام، یعنی فارابی، ابن‌خلدون و امام محمد غزالی، به‌طور خلاصه مطرح می‌شود.

### الف متفکران زمان قدیم

ابونصر فارابی (۳۳۹-۲۶۰ ه. ق.)

بخش عمده دیدگاه‌های اجتماعی فارابی در کتاب «فلسفه مدنی» او مطرح شده است. از میان کتاب‌های فارابی، آن‌هایی که به مباحث اجتماعی می‌پردازند، عبارت‌اند از: آرای اهل المدینه الفاضله، سیاسات مدینه فی الاجتماعات المدینه، جوامع السیاسة، فصول المدنی، تحصیل السعادة، فصول الحکم، تلخیص النوامیس، کتاب الملة، و فلسفه (رحمانی)، به نقل از: ارمکی، ۱۳۸۹: ۳۷. در دیدگاه فارابی مدینه فاضله اجتماعی است که امکانات نیل به سعادت در آن مهیاست. به عبارت دیگر، مدینه فاضله اجتماعی است که افراد آن سعادت را می‌شناسند و در اموری که آن‌ها را به این غرض و غایت برسانند، تعاون و تعاضد دارند. پس مدینه فاضله به خودی خود غایت نیست بلکه نیل به سعادت است (جوکار، به نقل از: داوری، ۱۳۸۸).

فارابی اعتقاد دارد: «اگرچه زندگی انفرادی برای انسان امکان‌پذیر است اما اگر وی خواهان سعادت و کمال برتر باشد، در نهایت باید به‌طور اجتماعی زندگی کند.» از نظر فارابی، چهار مشخصه زندگی جمعی را می‌توان وجود افراد و گروه‌های بسیار، مکان واحد، پیوستگی و ارتباط با یکدیگر، و هدفمندی دانست. این ویژگی‌ها با تعاریف امروزی جامعه‌شناسان نیز همخوانی دارد. فارابی که مؤسس فلسفه اسلامی نیز خوانده می‌شود، انسان را فطرتاً اجتماعی می‌داند و هدف اصلی جامعه را هدفی انسانی تلقی می‌کند (رحمانی، به نقل از: ارمکی، ۱۳۸۹: ۳۷). در بررسی اندیشه‌های فارابی در زمینه مسائل اجتماعی می‌توان به اصول زیر اشاره کرد.

۱. برقراری توازن در جامعه انسانی ضروری است.

۲. منشأ قرارداد اجتماعی در مدینه فاضله، نیروی امام و پیشوا و یا حکیم و یا رئیس مدینه، و در مدینه غیرفاضله برابری قدرت در گروه‌های سستیزکار و یا وجود دشمن مشترک است که به تنهایی قادر به دفع آن نیستند، و یا نرسیدن به منفعت در صورت عدم همکاری با گروه دیگر.

۳. از نگاه فارابی، برای مدینه فاضله، هم از لحاظ سیاست و هم از لحاظ اخلاق، پیامبر لازم است. ارزش پیامبر تنها به لحاظ مقام متعالی او نیست بلکه به دلیل تأثیری است که در جامعه دارد.

۴. فارابی عقل را به «عقل نظری» و «عقل عملی» تقسیم می‌کند و مدرک عقل نظری را اموری می‌داند که اراده انسان در تحقق آن دخیل نیست، و مدرک عقل عملی را اموری می‌داند که اراده انسان در تحقق آن دخیل است. از این‌رو، اندیشه اجتماعی او می‌تواند هنجاری باشد.

۵. وی جامعه را فرع بر طبیعت آدمی تلقی می‌کند و تشکیل اجتماع را اقتضای آفرینش آدمی برای نیل به کمال و رفع ضرورت‌ها به‌شمار می‌آورد. فارابی لذت و سعادت را مربوط به نفس انسان و رسیدن نفس به عقل فعال می‌داند ولی چون حقیقت انسان عقلی است و کمالی که عارض این نفس می‌شود، یا حال است یا ملکه و آنچه در سعادت انسان مؤثر است ملکه است، نه حال و ملکه نیز یا ملکه رذایل است و یا ملکه فضایل، و چون ظرف ملکه رذایل و فضایل نفس انسان است، این دو باید در نفس انسان مستقر شوند و تنها در صورت تکرار و ممارست، این استقرار حاصل می‌آید. روشن است که ممارست و تکرار در اجتماع معنا پیدا می‌کند و از این‌رو، هر چند فارابی اصالت را به فرد می‌دهد و جامعه را فرع بر طبیعت آدمی تلقی می‌کند و تشکیل اجتماع را اقتضای آفرینش آدمی برای نیل به کمال و رفع ضرورت‌ها می‌داند، در عین حال، تأثیر و بلکه شدت تأثیر جامعه بر کنشگران را می‌پذیرد.

در نهایت، اهداف او عبارت بوده‌اند از: پایه‌ریزی علوم برای حفظ دین؛ زمینه‌سازی برای ورود اخلاق به جامعه؛ ارائه راهی برای تقویت حکومت اسلامی متمرکز و سامان بخشیدن به نظام اجتماعی مسلمانان (جوکار، ۱۳۸۸).

### ابن‌خلدون (۸۰۸-۷۳۲ ه. ق.)

از ولی‌الدین ابوزید عبدالرحمن محمدبن خالدبن خطاب، معروف به ابن‌خلدون، نظریاتی در باب دولت، عصبیت، انواع اجتماع و تحول اجتماعی به جا مانده است. در ادامه به اختصار نظریات او را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. **نظریه «دولت»:** تلاش برای تأمین نیازهای انسانی، انسان را به همکاری و پذیرش تقسیم کار می‌کشاند. تقسیم کار به تولید بیشتر و نیز کشمکش و درگیری بر سر مسئله کار و چگونگی انجام آن می‌انجامد. برای جلوگیری از جنگ میان انسان‌ها، به دولت نیاز است و شکل‌گیری دولت به حضور مردم، سرزمین مشخص و حکومت وابسته است. در رأس دولت شاه قرار دارد که با زور به قدرت رسیده است. به عقیده ابن‌خلدون، تمدن و دولت یک موجود زنده است و همانند هر موجود زنده دیگر، زمانی متولد می‌شود و زمانی دیگر می‌میرد.



۲. **نظریه «عصیبت»:** این نظریه مهم‌ترین نظریه ابن‌خلدون و اساسی‌ترین کلید فهم اندیشه‌های اوست. عصیبت به معنای پیوند و پیوستگی است و در اثر پیوندهای فامیلی، هم‌پیمانی، هم‌دینی و هم‌نژادی پدید می‌آید. عصیبت در بادیه‌نشینان بیشتر است. آنان با بهره‌گیری از عصیبت فراوان و با توجه به سست شدن عصیبت در شهرها، به شهرنشینان می‌تازند و دولت جدیدی را جایگزین دولت قبلی می‌کنند ولی عصیبت در بادیه‌نشینانی که دولت جدیدی تشکیل داده‌اند و شهرنشین شده‌اند، به تدریج از بین می‌رود و آنان را در معرض خطر حمله بادیه‌نشینان قرار می‌دهد. نظریه عصیبت او بنیان و اساس فلسفه تاریخ و تحولات اجتماعی را نیز عصیبت (دلوری، شجاعت، اخلاق، پیوندها و پیوستگی‌های خونی، بی‌باکی و ...) به‌شمار آورده است.

۳. **انواع اجتماع:** لزوم تلاش برای تأمین نیازهای ضروری و دستیابی به کمال، انسان را به زندگی جمعی سوق می‌دهد. زندگی جمعی به دو شکل بادیه‌نشین و شهرنشین تحقق می‌یابد. بادیه‌نشینان که دلاورتر و ساده‌زیست‌تر از شهرنشینان هستند، بر اساس معیشت، به مال‌داران، کشاورزان و شترداران تقسیم می‌شوند، در حالی که شهرنشینان آسایش طلب‌تر، خودمحورتر و ترسوتر هستند و زندگی مصرفی و تجملی دارند. جوهر حیات جمعی از نظر ابن‌خلدون، پدیده تعلق اجتماعی و روح یاریگری نسبت به یکدیگر است.

۴. **نظریه «تحول اجتماعی»:** به عقیده ابن‌خلدون، جامعه انسانی بر اثر عواملی چون تغییر روحیه، اخلاق، خواسته‌ها و نیازها تغییر می‌کند. این تغییرات به روی کار آمدن دولت جدید می‌انجامد. البته استقرار دولت جدید نیز تحولات تازه‌ای در پی دارد. همه این تحولات ناشی از پیروزی بادیه‌نشینان بر شهرنشینان است ولی خود بادیه‌نشینان حاکم و شهرنشین می‌شوند و از شهرنشینان قبلی و محکوم تأثیر می‌پذیرند. این تأثیرپذیری متقابل به نیازهای متقابلی که این دو به یکدیگر دارند، باز می‌گردد.

«ابن‌خلدون سازگاری بین فرد و جامعه را در جریان عمل اجتماعی ممکن می‌داند و در تبیین رابطه فرد و جامعه، این دو عنصر را معارض با یکدیگر نمی‌داند، بلکه از نظر او، به‌عنوان امری اجتماعی، فرد و جامعه در حال کنش و واکنش هستند» (رحمانی، به نقل از: ارمکی، ۱۳۸۹: ۳۹)

### امام محمد غزالی (۵۰۵-۴۵۰ ه.ق)

مسلمان دیگری که آرای اجتماعی وی قابل بررسی است، امام محمد غزالی است. آثار مشهور غزالی عبارت‌اند از: احیاء علوم الدین، مشکاة الانوار، مصفاة الاسرار، المنقذ من الضلال، الاقتصاد فی الاعتقاد، کیمیای سعادت، الاربعین، اساس القیاس، اخلاق الانوار، تحفة الملوک، تهافت الفلاسفه،

مقاصد الفلاسفه، نصیحة الملوک و ... وی از مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه خویش آگاهی داشت و برقراری عدالت را هدف اصلی نظام سیاسی- اجتماعی به‌شمار می‌آورد. غزالی رواج ظلم و ستم در جامعه و گسترش نابرابری‌های اجتماعی را مورد انتقاد قرار می‌دهد. او نظریه عدالت اجتماعی خود را بر این اصل استوار ساخته بود که اسلام مدافع محرومان است (همان: ۳۸). عدالت در نظریه اخلاقی غزالی، کانون تمامی خوبی‌هاست. عدالت نه یکی از فضایل، بلکه مجموعه آن‌هاست. اگر فضایل در انسان به هماهنگی و تعادل برسند، عدالت در وجود انسان محقق شده است. غزالی با این رویکرد به عدالت، معتقد است که شکل‌گیری عدالت در افراد از طریق تعادل در خصلت‌ها، قهراً به ایجاد تعادل در روابط اجتماعی می‌انجامد و سرانجام به تعادل در سیاست منجر می‌شود. به دیگر سخن، اگر هر یک از افراد با هماهنگی خصلت‌ها به عدالت دست یابد، جامعه به عدالت می‌رسد. تحقق عدالت در روابط اجتماعی، موجب ظهور عدالت در سیاست می‌شود. سیاست با عدالت، مسالمت و تدبیر معنا می‌یابد اما غایت سیاست، تأمین سعادت بشر است در این جهان و جهان بازپسین. سعادت این جهانی بشر، در تندرستی، سامان‌دهی خانواده، دارایی، حرمت و ارزش اجتماعی است. سعادت بشر در جهان بازپسین، رستگاری و برخورداری از لذت‌های پاک و خالص بهشت مینوی و لقای پروردگار است. برای دستیابی به سعادت چه باید کرد؟ ارائه طریق غزالی در اینجا در عبودیت، التزام شرعی و اخلاقی خلاصه می‌شود. افراد جامعه باید از پروردگار خویش اطاعت کنند و به عبادت او برخیزند، حلال و حرام خدا را رعایت کنند و بالاخره در زهد، صبر و توکل بکوشند. غزالی در نصیحة الملوک، خاستگاه عدالت را «کمال عقل» و کمال عقل را علم به واقعیت و حقیقت امور می‌داند. در نگاه غزالی، خردگرایی خاستگاه عدالت به مثابه فضیلتی اخلاقی است. عدالت از «کمال عقل» برمی‌خیزد و کمال عقل، نخست علم به امور است آن‌چنان که هست، و دوم علم به باطن و حقیقت پدیده‌هاست (محمودی، ۱۳۹۱).

#### منابع

۱. آزاد برمکی، تقی. تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام از آغاز تا دوران معاصر. نشر علم. تهران. (۱۳۸۸).
۲. آل‌احمد، جلال. غرب‌زدگی. انتشارات فردوسی. تهران. (۱۳۷۳).
۳. حسین‌پور، نورالدین. خلاصه کتاب تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام. (۱۳۹۲).
۴. چوکار، قاسم. ماه‌نامه معرفت. مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی. (۱۳۸۷).
۵. محمودی، سیدعلی. کاوش عناصر نظریه دولت در اندیشه سیاسی امام محمد غزالی. راسخون. (۱۳۹۱).
۶. بزرگی، محمدرضا. نقد کتاب تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام از آغاز تا دوره معاصر، مجله: کتاب ماه علوم اجتماعی، ص ۴ (۱۳۸۸).

# افزایش جمعیت؛ فرصت یا تهدید؟

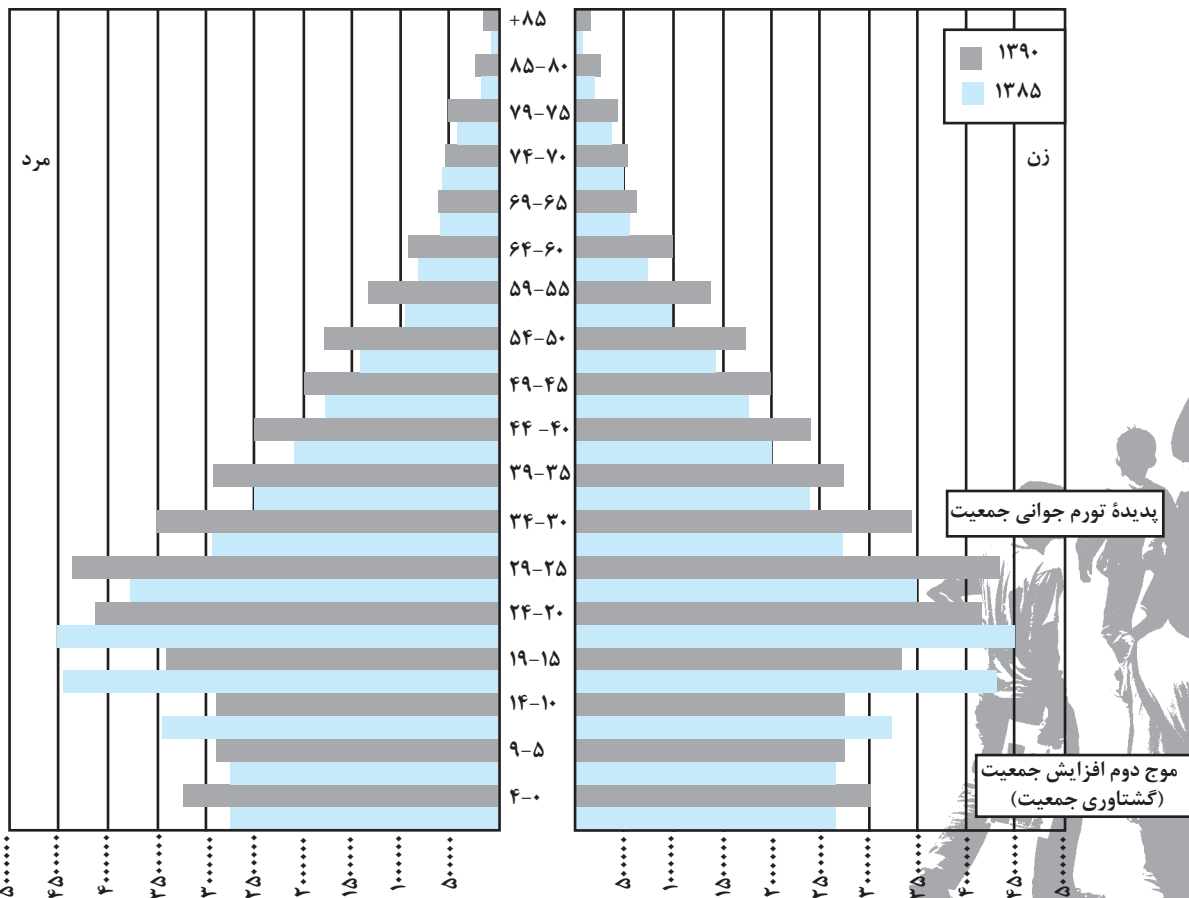
کلیدواژه‌ها: پراکنش جمعیت، تنظیم خانواده، جمعیت‌شناسی، فرصت یا تهدید، رشد جمعیت

## کاهش نرخ رشد جمعیت ایران

بر اساس پیش‌بینی‌های آماری منتشر شده از طرف سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۰، در صورتی که کاهش رشد جمعیت کشور ما با نرخ فعلی ادامه یابد، در ۸۰ سال آینده ایران جمعیتی حدود ۳۱ میلیون نفر خواهد داشت که نزدیک به نصف آن را افراد بسیار پیر تشکیل می‌دهند. در نتیجه، به علت نبود نیروی انسانی کافی، کشور عملاً دستخوش تهدیدهای بزرگ امنیتی و اقتصادی خواهد شد. هم‌اکنون ایران یکی از ده کشوری است که جمعیت آن‌ها به سرعت به سمت کهن‌سالی می‌رود. گروهی با نادیده انگاشتن این بخش از واقعیت که نرخ رشد جمعیت کنونی کشور در آینده‌ای نه چندان دور ایران را با موجی از سال‌خوردگی مواجه خواهد کرد، بر موضع کاهش

حسین عرب‌اسدی

شهرستان شاهرود، دبیرستان رازی بیارجمند



نمودار هرم سنی ۹۰-۱۳۸۵

جمعیت پافشاری می‌کنند. به اعتقاد آن‌ها پرداختن به طرح افزایش جمعیت دستاوردی جز فقر نخواهد داشت. از سوی دیگر، طیف مقابل تنها با تأکید بر ظرفیت‌های موجود جامعه و آرمان‌های خود به دفاع از سیاست‌های افزایش جمعیت می‌پردازند و به چگونگی بالقوه ساختن این ظرفیت‌ها و تعدیل پراکندگی جمعیت و کیفیت زندگی توجهی ندارند. به این ترتیب، موضع‌گیری در خصوص «سیاست جمعیتی» به جز در پاره‌ای از موارد، بیشتر در قالب رفتارهای واکنشی و الگوهای رفتاری انعکاس پیدا کرده است.

### اما آمارها چه می‌گویند؟

برای پاسخ دادن به این پرسش، نگاهی به هرم سنی جمعیت می‌اندازیم تا از چگونگی توزیع جمعیت بر حسب سن و جنس آگاه شویم. در مطالعات جمعیت‌شناسی، هرم سنی نموداری شامل دو محور عمودی و افقی است. محور عمودی نماینده گروه‌های سنی و محور افقی نشان‌دهنده تعداد افراد هر گروه سنی است. به‌طور معمول گروه‌های سنی در فواصل پنج ساله تقسیم‌بندی می‌شوند. سمت راست نمودار به ترکیب جمعیتی زنان و سمت چپ به ترکیب جمعیتی مردان اختصاص دارد. در هر طبقه تعداد افراد را به‌صورت مستطیل افقی ترسیم می‌کنند که طول آن، تعداد افراد یک سن یا گروه سنی را در فاصله سنی مربوطه نشان می‌دهد. هر گروه سنی پله‌ای را در هرم می‌سازد و هرچه از نظر سنی بالاتر برویم، به‌دلیل مرگ و مهاجرت، از تعداد افراد کاسته می‌شود و نمودار شکل یک هرم پلکانی را به خود می‌گیرد. به‌همین دلیل از واژه هرم برای این نمودار استفاده می‌شود. از آنجا که هرم سنی تاریخ جمعیت کشور را نشان می‌دهد، لذا با مقایسه نمودار سال‌های متفاوت می‌توان از رویدادهای اجتماعی و اقتصادی در گذشته‌های تاریخی جامعه که بر ترکیب جمعیتی کشور مؤثر واقع شده‌اند، دریافتهایی حاصل کرد.

در نمودار ۲ آمار جمعیت در سال ۱۳۹۰ خورشیدی با آخرین دوره سرشماری قبل (سال ۱۳۸۵ خورشیدی) مقایسه شده است. این نمودار به همراه آمارهای منتشره از آخرین سرشماری جمعیتی مبنای اطلاعات ارائه شده محسوب می‌شود.

جمعیت‌شناسان سنین میان ۱۵ تا ۶۴ سال را سنین فعالیت نام‌گذاری کرده‌اند و در هر جامعه‌ای تعداد افراد در سنین فعالیت، تعیین‌کننده حضور نیروی کار در آن جامعه است. چنانچه سهم این گروه سنی در جامعه‌ای بیشتر از سایر گروه‌ها باشد، از اصطلاح «شرایط پنجره‌ای جمعیتی» استفاده می‌شود. در این شرایط، برنامه‌ریزان اقتصادی باید تمامی تلاش خود را به افزایش نرخ رشد اختصاص دهند. تجربه بسیاری از کشورها نشان از جهش اقتصادی در دوران پنجره‌ای جمعیت دارد. بی‌توجهی به این مسئله مهم علاوه بر آنکه فرصت طلایی توسعه اقتصادی را از بین می‌برد، موجی از ناامیدی، سرخوردگی و تبعات اجتماعی منفی را به جامعه تحمیل می‌کند. همان‌گونه که در نمودار

مشاهده می‌شود، در حال حاضر نزدیک به ۷۱ درصد از کل جمعیت در گروه سنی ۱۵ تا ۶۴ سال قرار دارند که دال بر وجود سرمایه انسانی قابل توجهی برای جهش اقتصادی است. بدیهی است ناکارآمدی برای جذب این گروه از جمعیت در کوتاه‌مدت بحران‌های اجتماعی و اقتصادی بسیاری به همراه دارد و از سوی دیگر، در بلندمدت تهدیدی جدی برای جامعه تلقی می‌شود؛ زیرا دامنه جمعیت سال‌خورده را افزایش می‌دهد. در حال حاضر در گروه سنی مورد بحث، جمعیت ۱۵ تا ۴۰ سال درصد بیشتری را در گروه سنی فعالیت به خود اختصاص داده است. با استناد به اینکه در حال حاضر بیشترین تعداد جمعیت (با احتساب نرخ مرگ و میر در ایران) در سن ۲۵-۲۰ سال متمرکز است، با گذشت کمابیش ۴۰ سال این گروه به سن ۶۵-۶۰ سالگی می‌رسد و به جمع سال‌خوردگان خواهد پیوست و جمعیت با پدیده سالمندی روبه‌رو می‌شود.

با ورود اولین موج سال‌خوردگان که سالانه با نرخ رشد صعودی نیز افزایش می‌یابد، بحران جدیدی پدیدار می‌شود. مشکل پدیده سال‌خوردگی افزایش بار تکفل است. به این ترتیب که به ازای هر یک نفر که در سن فعالیت است و برای کشور کار و تلاش می‌کند و درآمد به وجود می‌آورد، چند سالمند وجود دارند که نیازمند مراقبت‌های زیادی هستند و سهم زیادی از درآمد کشور باید برای آن‌ها صرف شود. در غیر این صورت با جمعیت سالمند قابل توجهی روبه‌رو می‌شویم که سرنوشت خوشایندی در انتظارشان نیست.

بنابراین، تثبیت سیاست‌های قبلی جمعیتی که کاهش منفی رشد جمعیت را به دنبال خواهد داشت، طی سال‌های آتی واقعیتی را فراروی جامعه ما خواهد گذاشت که به‌هیچ عنوان قابل

سال	جمعیت ۰-۱۴ سال	جمعیت ۱۵-۶۴	جمعیت ۶۵ سال و بالاتر
۱۳۹۰	۲۳/۴	۷۰/۹	۵/۷
۱۳۸۵	۲۵/۱	۶۹/۷	۵/۲
۱۳۷۵	۳۹/۵	۵۶/۱	۴/۳
۱۳۶۵	۴۵/۵	۵۱/۵	۳/۰
۱۳۵۵	۴۴/۵	۵۲/۰	۳/۵

جدول روند تغییرات جمعیت در گروه‌های عمده سنی: ۱۳۹۰-۱۳۵۵

چشم‌پوشی نیست. چنانچه فرض کنیم کشور طی سال‌های آینده قابلیت‌های تولید و درآمد بیشتری داشته باشد و از رشد اقتصادی مناسبی هم برخوردار شود، به علت ترکیب تغییر جمعیتی به نفع سال‌خوردگان، امکان بازتولید نخواهد داشت و در بلندمدت مجبور به استفاده از نیروی کار خارجی و یا پذیرش مهاجر خواهیم شد. در خوش‌بینانه‌ترین حالت و با فرض اینکه در رقابت برای جذب مهاجر موفق شویم، پیامدهای منفی آن برای کشوری با تعداد زیاد مهاجران بیگانه و چنین موقعیت ویژه جغرافیایی، کم نخواهد بود. در این شرایط فوری‌ترین راهی که به ذهن می‌رسد تشویق به باروری به‌مثابه یک رسالت ملی برای افزایش جمعیت است؛ فارغ از اینکه به راستی چگونه می‌توان ملتی را به باروری متقاعد کرد. از اینجاست که گفت‌وگوهای موافقان و مخالفان آغاز می‌شود. در واقع، گروهی که به اعتبار آمارهای اقتصادی رسمی و غیررسمی از دستاوردهای موجود راضی نیستند، به جای آنکه عملکرد مسئولان را نقد کنند و برای بهبود اوضاع راهکار ارائه دهند، نسبت به پدیده سال‌خوردگی موضع‌گیری می‌کنند. همان‌طور که گفته شد، پنجره جمعیتی فرصتی طلایی برای هر کشور است تا با جذب سرمایه خارجی، جلوگیری از اتلاف منابع، تقویت روحیه کار و افزایش بهره‌وری، موجبات رشد و خیز اقتصادی را فراهم آورد. عده‌ای بر این باورند که از این فرصت چنان که باید و شاید استفاده نشده است و نباید از سیاستی دفاع کنند که طی نیم قرن آینده کشور را درگیر بحرانی به مراتب سخت‌تر می‌کند. عملکرد غیرقابل قبول اقتصادی گروهی را نمی‌توان دلیلی بر ناتوانی ملتی در برخورداری از نسلی پویا و جوان دانست. شاید بهتر باشد که با تأکید بر واقعیت لزوم افزایش جمعیت، عواملی را که آگاهانه یا ناآگاهانه فرصت رشد و بهبود اوضاع اقتصادی را از کشور گرفته‌اند، شناسایی کنیم. این نکته‌ای است که همگی باید بر آن تأکید کنیم.

حتی موافقان این طرح و کسانی که خود را مجری آن می‌دانند نیز باید در نظر داشته باشند که صرف استفاده از شعارهای احساسی قادر نیست اهداف طرح را برآورده سازد. شواهد موجود در جهان هم گویای همین معناست. مردم بر حسب شرایط امروز خود تصمیم می‌گیرند و قانع کردن آن‌ها به تحمیل رنج بیشتر در حال برای رسیدن به دستاوردی در آینده‌ای نزدیک به نیم قرن، کار دشواری است. از سوی دیگر، برخورداری از زندگی با سطح کیفی قابل قبول حق هر ایرانی است. لذا نمی‌توان انتظار داشت که بدون کاهش نرخ بی‌کاری، افزایش سرانه درآمد و ایجاد امکانات مناسب، میل به

باروری افزایش یابد. زیرا چنانچه ذهن افراد برای داشتن فرزند آماده نباشد، باروری‌های ناخواسته آن‌ها را به سمت سقط جنین سوق خواهد داد که در هر صورت پدیده‌ای شوم و ناخوشایند است.

نکته دیگر توجه به مخاطبان خاص و گروه‌های هدف در این طرح است که متأسفانه در شعارها و سیاست‌های تشویقی نادیده گرفته می‌شوند و به‌گونه‌ای همگان مخاطب این طرح قرار می‌گیرند. بدیهی است که قابلیت خانواده در پرورش کودک سنگ‌بنای مهم سرمایه انسانی در آینده است. با توجه به افزایش سن ازدواج و ازدیاد خانواده‌های تک‌فرزندی، به نظر می‌رسد که این دو گروه مخاطبان بسیار خوبی برای اجرای طرح هستند. لذا برنامه‌ها و سیاست‌های تشویقی و حتی شعارها باید به‌گونه‌ای تنظیم شوند که به جذب حداکثری این گروه‌ها بینجامند. در غیر این صورت افزایش جمعیت در خانواده‌های پر جمعیت که از نظر معیشتی در سطح مناسبی نیستند و با مشکلات بسیاری درگیرند، دردی از مشکلات درمان نمی‌کند. به هر حال، پدیده سال‌خوردگی واقعیتی غیرقابل انکار است. شاید بهتر باشد که به جای موضع‌گیری‌های تند در قبال اصل موضوع، با پذیرش آن به‌عنوان یک واقعیت و به دور از شعارهای احساسی، در یک حرکت جمعی سعی کنیم فرصت‌های اعتدالی ایران را از دست ندهیم. باشد که آیندگان از ما به نیکی یاد کنند.

علاوه بر این‌ها دیدگاه‌های دیگری نیز در این زمینه وجود دارد؛ از جمله دیدگاهی که بر نفی مطلق هر نوع بدعاقبتی برای رشد سریع جمعیت پافشاری می‌کند و دیدگاهی که طرفداران «نظریه حد متناسب جمعیت» ابراز داشته‌اند و معتقدند که باید بین جمعیت، امکانات و تسهیلات زیستی هماهنگی وجود داشته باشد.

## کم جمعیتی، مساوی توسعه و

### بیش جمعیتی معادل عقب‌ماندگی نیست

همچنین دیدگاهی وجود دارد که می‌گوید: «جمعیت زیاد، مبانی توسعه را پی‌ریزی می‌کند و حداقلی از جمعیت برای هر توسعه ضروری است.» همچنین تحقیقات نشان می‌دهند: «در مقایسه کشورهای مختلف جهان، معلوم می‌شود که کم جمعیتی مساوی توسعه و بیش جمعیتی معادل عقب‌ماندگی نیست. این نکته با توجه به توسعه نیافتگی کشورهایمانند مغولستان و عربستان در عین داشتن جمعیت بسیار کم (حدود یک نفر در هر کیلومتر مربع برای مغولستان) و توسعه یافتگی کشورهای نظیر هلند و انگلستان با داشتن جمعیتی زیاد (۳۸۰ نفر در کیلومتر مربع برای هلند) قابل تفسیر است.»

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که جمعیت زیاد یا کم رابطه مستقیمی با توسعه ندارد اما حداقلی از جمعیت برای توسعه ضروری است و تعداد بیش از حد می‌تواند به‌عنوان مانعی بر سر راه برنامه‌های توسعه قرار گیرد.





# کشاکیش آرادر جامعه شناسی

کمال نجاتی

ریشه دارد و بر اهمیت باورها و ارزش‌های فرهنگی مشترک به مثابه لوازم آزادی و وحدت اجتماعی تأکید داشت. برای مثال، در بحث خودکشی او راه علاج را بیشتر اجتماعی و در افزایش همبستگی اجتماعی می‌دانست.

و بر ساخته شدن فرد در فرهنگ صحه می‌گذاشت. او مدعی تکوین فرهنگی رفتار عقلانی فردگرایانه شد و بی‌آنکه زندگی مدرن را به دلیل اعطای آزادی به فرد ستایش کند، با بدبینی شاهد حرکت فزاینده جامعه مدرن به سمت قفس آهنین بود که آزادی فرد را از بین می‌برد.

## جامعه‌شناسی آمریکایی

دومین بخش کتاب به نظریه جامعه‌شناسی آمریکایی اختصاص یافته است. جامعه‌شناسی آمریکایی روح فردگرایی را به خود جذب کرده است؛ مانند نظریه کنش ارادی پارسونز که اصرار می‌کند فرد خالق زندگی اجتماعی خود است.

از نظر **برگر و لاکمن**، واقعیت اجتماعی نه محصول قوانین طبیعی یا نیروهای اجتماعی غیرشخصی، بلکه بر ساخته انسان‌های فعال واقعی است. **میلز** و **بلا** نیز هر دو برای ایجاد تغییرات دموکراتیک در آمریکا به نیروی بالقوه افراد متوسط می‌شوند. حتی نظریه پردازانی که طرفدار رویکردی کاملاً طبیعی و علمی‌اند نیز معتقدند که فرد شالوده جامعه است. **کالینز** زندگی اجتماعی را ساخته کنش متقابل افراد می‌داند. **بلومر** نیز به تعبیری افراد را جزو بنیادین نظریه ساختار اجتماعی خود قرار می‌دهد. البته در اثر بازتاب نفوذ نظریه پردازان اروپایی و در واکنش به رویدادهایی همچون دوران رکود عظیم اقتصادی و دو جنگ جهانی است که متفکران اجتماعی آمریکایی، از پارسونز گرفته تا **بلا** و **بلومر** بر واقعیت محدودیت‌های اجتماعی به همان میزان تأکید کردند که بر واقعیت آزادی فرد. با این همه در بخش عمده‌ای از اندیشه اجتماعی آمریکایی، جامعه کاملاً بر سرنوشت نوع بشر مسلط نیست و در نهایت این فرد است که خالق تقدیر خود خواهد بود.

کتاب «کشاکیش آرادر جامعه‌شناسی»، نوشته **استیون سیدمن** و ترجمه **هادی جلیلی** که از سوی «نشر نی» منتشر شده، دارای پنج بخش است که در آن‌ها سیدمن به بررسی سنت کلاسیک، جامعه‌شناسی آمریکایی، نظریه اروپایی، نظریات پست مدرن و وضعیت امروزی نظریه اجتماعی می‌پردازد.

در نخستین فصل، سیدمن آثار کلاسیک را به دلیل دیدگاه‌های اجتماعی جذابی که درباره انسان تدوین کرده‌اند و آدمی و نهاد‌های بشری را عمیقاً اجتماعی به حساب آورده‌اند و تصویری خلاق از زندگی اجتماعی و جهان مدرن ترسیم کرده‌اند، شایسته خواندن ارزیابی می‌کند.

## کلاسیک‌های جامعه‌شناسی

**اگوست کنت**، **کارل مارکس**، **امیل دورکیم** و **ماکس وبر** جامعه‌شناسانی کلاسیک هستند که مؤلف در اولین فصل به آن‌ها و آثارشان پرداخته است؛ آثاری که به قول سیدمن باید آن‌ها را خواند. چرا که براساس آنچه در این آثار آمده است، انسان‌ها می‌توانند آینده‌شان را به‌دلخواه خود بسازند.

کنت جامعه را کل ارگانیکی می‌دانست که باورهای مذهبی و اخلاقی مشترک اجزای گوناگون آن را به یکدیگر پیوند داده است. او ما را از خطرات ستایش فردگرایی بر حذر می‌دارد و همچون دورکیم معتقد است که جامعه سالم جامعه‌ای است که باورها و ارزش‌های مشترک آن را یکپارچه کرده باشند. در چنین جامعه‌ای آزادی فردی مهم است اما یکپارچگی و انسجام کل جامعه مهم‌تر است.

مارکس همچون کنت معتقد بود که جامعه چیزی بیش از مجموعه افراد است و بر تحولات سیاسی و اقتصادی تأکید داشت نه فرهنگ. او تصور می‌کرد که جامعه حول تضاد منافع اجتماعی سامان یافته که کاملاً به طبقه اجتماعی وابسته است.

دورکیم ایده اجتماعی بودن بشر را پذیرفت اما به‌جای اینکه جامعه را محصول فرد بداند، فردگرایی را محصول نیروهای اجتماعی به حساب آورد. او معتقد بود که فرد در نهاد‌های اجتماعی

## بازاندیشی در سنت کلاسیک

در سومین بخش کتاب، سیدمن از رویکرد گسترده‌تر متفکران اجتماعی اروپایی به نسبت آمریکایی‌ها با عنوان بازاندیشی در سنت کلاسیک سخن می‌گوید. اروپایی‌ها غالباً از ایده، علم اجتماعی و نظریه‌ای استقبال می‌کنند که فلسفه، تحلیل تجربی و نقد اخلاقی را با یکدیگر تلفیق می‌کند. این فصل به بررسی اندیشه‌های **یورگن هابرماس**، **آنتونی گیدنز** و **پیر بوردیو** می‌پردازد که در اندیشه آن‌ها، نظریه طبقاتی مارکس به منزله نقطه عزیمتی برای درک نابرابری اجتماعی به حساب می‌آید.

## هابرماس

هدف هابرماس این است که ایمان اتوپایی مدرن به قدرت خرد را از نو زنده کند. او می‌خواهد به هدف اولیه مکتب فرانکفورت برگردد. «تلفیق فلسفه و علم تجربی برای نقد اخلاقی و تغییر اجتماعی».

هابرماس به جای اینکه به معرفت و علائق به مثابه امری نسبی بنگرد، ادعا می‌کند که وجود سه علاقه جهان شمول بشری به ایجاد سه شکل کلی معرفت منجر می‌شود. او می‌گوید در پس تمایلات بی‌شمار آدمیان سه نوع علاقه وجود دارد که موجب شکل‌گیری انواع معرفت و شناخت می‌شود:

الف) هدف علوم تحلیلی تجربی به چنگ آوردن نظم‌های تجربی است که پیش‌بینی‌پذیری را ممکن می‌سازد. این علوم تحت حاکمیت علائق «تکنیکی بشر»، بر افزایش کنترل بر طبیعت و جامعه تأکید دارند.

ب) علائق شناختی عملی موجب پیدایش علوم تاریخی، تفسیری، فرهنگی می‌شوند که هدفشان روشن ساختن معنای متون، کنش‌ها و رویدادهای اجتماع است تا از این طریق درک متقابل افزایش یابد. هدف علائق شناختی از بین بردن انسدادها در روابط و ارتباط آزاد است.

ج) علائق رهایی‌بخش موجب شکل‌گیری علوم انتقادی می‌شوند که هدف آن‌ها شناسایی قید و بندهای غیرضروری درونی و بیرونی است. به این امید که چنین آگاهی‌هایی موجب افزایش رهایی انسان‌ها شود.

هابرماس در نظریه کنش ارتباطی استدلال می‌کند برای اینکه انسان‌ها جهان اجتماعی مشترکی داشته باشند، باید نوعی اجماع درباره آنچه واقعی می‌دانیم و آنچه در موقعیت‌های گوناگون هنجار اجتماعی شایسته به شمار می‌آوریم، وجود داشته باشد. اجماع عقلانی مستلزم چیزی است که هابرماس وضعیت آرمانی گفت‌وگو می‌نامد؛ وضعیت اجتماعی که در آن طرف‌های گفت‌وگوی عمومی در وضعیتی برابر قرار می‌گیرند.

هابرماس به جنبش‌های جدید اجتماعی به چشم عاملان رهایی‌بخش می‌نگرد که در برابر تأثیر مخرب استعمار واکنش نشان می‌دهند. دغدغه این جنبش‌ها برخلاف جنبش‌های

کارگری، دستمزد یا شرایط کار نیست، بلکه کیفیت زندگی، حقوق برابر، تحقق بخشیدن به خود، مشارکت و حقوق بشر است. این جنبش‌های جدید اجتماعی که متشکل از مردم عادی، دموکراتیک و ملهم از ارزش‌های بنیادین و بینش اخلاقی هستند، می‌خواهند تعادل مناسب جدیدی میان عقلانیت اجتماعی و فرهنگی به وجود آورند. آن‌ها حاملان جامعه عقلانی‌اند.

## آنتونی گیدنز

اولین اثر عمده گیدنز، «سرمایه‌داری و نظریه اجتماعی مدرن» قصد داشت نحوه تفکر ما را درباره اندیشمندان کلاسیک و نظریه اجتماعی، از نظریه کلان پارسونزی به سمت رویکردهایی برگرداند که بر نابرابری و انتقاد اجتماعی تأکید داشتند. از نظر گیدنز تقسیم‌بندی اساسی در جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی همان است که میان دو رویکرد به تحلیل اجتماعی وجود دارد: رویکرد عامل‌محور و رویکرد ساختارمحور. رویکرد اول به افراد، مقاصد، نیت‌ها و انگیزه‌ها، باورها و ارزش‌ها به‌عنوان عوامل شکل‌دهنده حیات اجتماعی توجه دارد. رویکرد دوم برای تبیین زندگی فردی و اجتماعی، بر فرایندهایی همچون پویسهای سازمانی و طبقاتی تأکید دارد. از نظر گیدنز نکته کلیدی این است که حیات اجتماعی نه مجموعه‌ای از کنش‌ها فردی و نه مجموعه‌ای از ساختارهای اجتماعی است بلکه به مثابه فرایندی در نظر گرفته می‌شود که دارای دو جنبه عاملانه و ساختاری است. از نظر او، جوامع نظام‌های ارگانیکی یا مکانیکی نیستند، بلکه اعمال بعضاً نهادینه‌شده‌ای هستند که همواره از طریق کنش‌های فردی توأم با بازاندیشی ممکن شده‌اند. به یک معنا، گیدنز می‌خواهد نگرش فرایندوار به زندگی اجتماعی را جایگزین اراده‌گرایی و تعیین‌گرایی ساختاری در جامعه‌شناسی کند. او اصرار دارد که انسان‌ها نقشی فعال در شکل دادن به زندگی اجتماعی دارند. انسان‌ها صرفاً به سمت عمل بر اساس منافع و علائق، و ارزش‌ها و نیازها سوق داده نمی‌شوند. آن‌ها کنش‌های خود را صرفاً هنجارها و عرف اجتماعی وفق نمی‌دهند بلکه کنش آن‌ها حاوی دانش عملی از جهانشان و قابلیت تأمل در شرایط کنش و به کار گرفتن این دانش در رفتارشان است.

## پیر بوردیو

برخلاف گیدنز که به کرات تدوین نظریه عام یا سیستم جامعه‌شناسی را انکار کرد، بوردیو ادعا کرد که فعالیتش همواره مبنایی تجربی داشته است. عمده نوشته‌های بوردیو مطالعات تجربی درباره قشریندی اجتماعی، فرهنگ، دانش، مدارس و مسائلی از این دست است. او نیز مثل گیدنز علاقه اصلی نظری خود را میل به غلبه بر تقسیم‌بندی‌های ذهنیت‌گرایی و عینیت‌گرایی، ساختارگرایی و فرهنگ‌گرایی، و تحلیل‌های اجتماعی خرد و کلان عنوان می‌کند. او معتقد است که دوگانه‌انگاری رویکرد ساختارمحور و کنش‌محور بیش از هر چیز دیگری باعث ایجاد



## با مجله‌های رشد آشنا شوید

### مجله‌های دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و نه شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

**رشد کودک** (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی)

**رشد نوجوان** (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی)

**رشد دانش‌آموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی)

### مجله‌های دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

**رشد نوجوان** (برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول)

**رشد جوان** (برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم)

### مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

- رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی
- رشد مدرسه فردا ♦ رشد مدیریت مدرسه ♦ رشد معلم

### مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

(به صورت فصل‌نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

- رشد برهان آموزش متوسطه اول (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه اول)
- رشد برهان آموزش متوسطه دوم (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم)
- رشد آموزش قرآن ♦ رشد آموزش معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا ♦ رشد آموزش زبان ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد آموزش زمین‌شناسی ♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش ♦ رشد آموزش پیش دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

شکاف میان جامعه‌شناسان و اندیشمندان اجتماعی شده است. بورديو تأکید می‌کند که جامعه‌شناسی باید در مطالعه حیات اجتماعی، نه تنها به ساختار بلکه به کنش‌های فرد و معانی میان‌ذهنی نیز بپردازد. جامعه‌شناسی همچنین باید قادر باشد زمینه اجتماعی کنش فردی را نیز شرح دهد. هدف بورديو (تا حدی شبیه به گیدنز است) غلبه بر دوگانه انگاری ساختار و عاملیت از طریق نوعی نظریه ساختاری است.

«ساختار اجتماعی» نقطه عزیمت تحلیل اجتماعی بورديو است. انسان‌ها همواره به لحاظ ساختاری در فضای اجتماعی چندبعدی جای گرفته‌اند که عمدتاً بر مبنای موقعیت طبقه اجتماعی شان تعریف شده است. طبقه اجتماعی به دسترسی فرد به منابع گوناگون، پیوندهای اجتماعی و فرصت‌های اجتماعی مرتبط با شغل، سن، جنسیت و وضعیت تحصیلات و مانند آن اشاره دارد نه تنها به تعریفی کاملاً مارکسیستی از آن.

بورديو معتقد است که افراد دارای موقعیت ساختاری یا طبقاتی مشترک، تجربه‌های مشابه و تکرار شونده‌ای دارند که «عادت‌واره» مشترکی ایجاد می‌کند. این عادت‌واره به نوبه خود به اعمال اجتماعی آنان ساختار می‌بخشد و دستورات عمل‌هایی تنظیم و اعمال کنشگران را محدود می‌سازد. اما در عین حال اجازه نوآوری فردی را هم می‌دهد. از این رو افراد نه عاملانی کاملاً آزادند و نه محصول منفعل ساختار اجتماعی. پس عادت‌واره هم محصول ساختار اجتماعی است و هم مولد ساختار اعمال اجتماعی که ساختار اجتماعی را باز تولید می‌کنند. هم مفهومی ذهنی (متشکل از چارچوب مفهومی) است و هم مفهومی عینی نشانه نقش و نشان ساختار اجتماعی. هم مفهومی خرد (در سطح فردی و بین شخصی) است و هم مفهومی کلان (محصول ساختار اجتماعی).

بورديو از حوزه یا میدان‌های اجتماعی سخن می‌گوید. میدان‌ها از افرادی که به نحو عینی در مجموعه‌ای از روابط اجتماعی قرار گرفته‌اند، تشکیل شده‌اند که دارای منابع گوناگونی (انواع مختلف سرمایه) هستند و برای کسب تشخص (پرستیژ)، ثروت و قدرت تلاش می‌کنند. هر میدانی به نوع خاصی از منابع یا سرمایه اهمیت می‌دهد. مثلاً سرمایه فرهنگی و صلاحیت در حوزه آکادمیک، بیش از اقتصاد ارزشمند تلقی می‌شود و عامل کلیدی در تلاش برای کسب برتری به حساب می‌آید.

سرمایه به منابع و قابلیت‌های در اختیار فرد یا موقعیتی اجتماعی اشاره دارد که از نفوذ اجتماعی برخوردار است. سرمایه شکل‌های متنوعی دارد: سرمایه اقتصادی (ثروت)، سرمایه فرهنگی (صلاحیت و دانش)، سرمایه نمادین (افتخار و پرستیژ) و سرمایه اجتماعی (پیوندهای اجتماعی و اعتماد).

مهم‌ترین انگیزه بورديو قرار دادن فرهنگ در مرکز جامعه‌شناسی است تا بدین وسیله پویای‌های سلطه اجتماعی را تحلیل کند. فرهنگ جزئی از سازمان اجتماعی سلطه است. فرهنگ نقشی محوری برای پویای‌های نابرابری اجتماعی دارد. منظور او از فرهنگ



نمادها، معانی کالاهای فرهنگی (از موسیقی و ادبیات روشنفکری تا غذا، اسباب و اثاث خانه) است که همواره مهر طبقه اجتماعی را بر پیشانی دارد. فرهنگ سلطه طبقاتی را تا جایی باز تولید می کند که طبقات مسلط بتوانند ارزش های فرهنگی، معیارها و ذائقه خود را بر کل جامعه تحمیل کنند و ترجیحات فرهنگی شان را به منزله معیار برترین، بهترین و مشروع ترین سبک زندگی در فرهنگ ملی تثبیت کنند.

بوردیو دست کم سه ادعا و بحث کلی مطرح می کند که نقشی اساسی در جامعه شناسی سیاسی قشر بندی اجتماعی او دارند: الف) طبقات متعدد و بخش های مختلفی در هر طبقه وجود دارند که نشان دهنده تفاوت هایی در زمینه سرمایه اقتصادی و فرهنگی است. ب) این طبقات متعدد و قشرهای گوناگون سبک های فرهنگی مختلف دارند، اما در هر قشری الگوهای فرهنگی کم و بیش هم شکل اند.

ج) فرهنگ عرصه تضاد اجتماعی است. دقیقاً بدین دلیل که طبقات مختلف بر سر اینکه کدام ارزش ها، معیارها، انتخاب ها سبک های زندگی و معیار فرهنگی، مشروع هستند، با یکدیگر به جدال می پردازند. بوردیو سلطه طبقاتی از طریق تحمیل فرهنگی را نوعی خشونت نمادین می خواند؛ خشونت مبنی بر تحمیل ارزش های یک طبقه خاص بر تمامی طبقات جامعه.

### نظریات پست مدرن

در چهارمین بخش کتاب، متفکران پست مدرن «وارثان روشنگری» خوانده می شوند که البته وارثانی منتقد که سعی دارند درک متفاوتی از دانش، زندگی اجتماعی، سیاست، خویشتن و تکامل اجتماعی ارائه کنند. نگرش پست مدرن از نظر اندیشمندی چون لیوتار، فوکو و باومن، مبتنی است بر: خویشتن های ساخته جامعه که هویت های متعدد و بی ثبات دارند، آگاهی از پیوند دانش و قدرت، مسئولیت جدید اخلاقی در تولید دانش، و تصویری از جامعه به منزله پدیده های تکه تکه و عمیقاً شکاف خورده که حول کشمکش های خاص سازمان یافته است. سیدمن می گوید که پست مدرن ها به جای رویایی پیشین مبنی بر پایان یافتن تمامی سرکوب های اجتماعی، از کشمکش جاودان بر سر لذت، انتخاب، ابراز وجود، پیوند اجتماعی و عدالت خبر می دهد.

شرح این کشمکش جاودان در اندیشه های ژاک دریدا، ژان فرانسوا لیوتار، ژان بودریار و میشل فوکو را در این فصل از کتاب می توانید بخوانید.

پنجمین بخش کتاب هم به بررسی دیدگاه نظریه فمینیستی، نظریه نژادی انتقادی، آفریقا مداری، نظریه هویت و پسااستعمار گرایی اختصاص دارد که در آن می توان از دیدگاه دوروتی اسمیت، جودیت باتلر، مولفی کته آسانته، پاتریشیا هیل کالینز، کوام آنتونی آپیا، آدرین ریچ، امانوئل والرشتاین، ادوارد سعید، آنتونیونگری و سیدمن نسبت به آن ها آگاهی یافت.

## برگ اشتراک مجله های رشد

نحوه اشتراک:

شما می توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه راه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir) و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگه دارید).

◆ نام مجلات در خواستی:

◆ نام و نام خانوادگی:

◆ تاریخ تولد: میزان تحصیلات:

◆ تلفن:

◆ نشانی کامل پستی:

استان: شهرستان: خیابان:

شماره فیش بانکی: مبلغ پرداختی:

پلاک: شماره پستی:

◆ اگر قبلاً مشترک مجله بوده اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

◆ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

◆ وبگاه مجلات رشد: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)

◆ اشتراک مجله: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۰۶ / ۷۷۳۳۵۱۱۰ / ۷۷۳۳۹۷۱۳-۱۴

◆ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۳۰۰/۰۰۰ ریال

◆ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال